

کردها پرچمداران ادب فارسی در ایران و میان‌رودان

دکتر محمدهلی سلطانی	بخش یازدهم
----------------------------	-------------------

نامه شیخ عبیدالله شمرزینی: خدمت‌دی برکت،سر جویبار عرفان ومحبت،وسلبره‌شده‌سمای ایقان و معرفت، دُرُ صدف عالم ربانی، گوهر گرانهای معدن اسرار نهانی،محیی‌شریعت‌مبین‌پیروسنن حضرت سیدالمسئین‌علیه‌التحیه و علی‌آله‌اجمعین‌الی‌یوم‌الدین،اعنی برگزیده‌مسیرِ خلافت‌وزینبده‌مسند عهذ نیابت، شیخ محمد‌الملقب‌به بهاء‌الدین‌آدم‌الله‌تعصم‌بقائه‌علی‌فرق‌الحله‌والمسلمین.

اولاً بر نشر روناق فوالم بعضی اسرار به عنوان اداء فاتحه‌خوانی و اظهار اخلاص‌مندى زحمت می‌دهد. نمى‌داند از شدائد فراق آن سوخته تجلی‌ای سیمای محبت چه نویسم، و از مرارت جان‌گدازی هجران آن شهید غمره و ناز محبوب حقیقت که سایه همآسایش سایبان امن ملت بود، چه گویم.

هر چه گویم، عشق ازان برتر بود
مهربانانوا گلسنی‌بود که از گلشن‌چنان‌به‌دنیا آمده‌از روی اشتیاق ربانی، گوهر مایهون فرخنده‌قدسی‌بود که‌ازین گنتکای قفس جسمانی‌به‌تنگ آمده، عروج آشنیان اصلی روحانی را میل فرموده‌به‌محبوب حقیقی‌که‌فوحای «**والیه‌المرج‌والمصیر**» به‌آن دارد، پیوستند.

انا‌الله‌و انا‌یه‌الرجوع!

[فجبیلاً] پی‌ری‌چنان‌که‌با‌چنین‌عزت‌و‌وقار‌بر‌دلدار خود‌برود، وجوانی‌چنین‌چیز را‌به‌رهمنون‌و‌امامت‌ملت‌احمدی‌بعد از خود گذارد، آری، اگر نه‌آن بودی‌که‌وفات‌بزرگان‌دین‌به‌صورت‌صوری‌مایه‌تخریب‌و‌فساد‌دین‌و‌دنیا‌و‌باعث‌فتور و‌فصول‌شریعت‌حضرت سیدالمسئین‌علیه‌الهدی‌هچ‌جای‌تأسیف‌و‌الم‌نیو‌نداده‌چ‌ه،‌دستن‌جوهر‌فرشان‌ازین‌جایاب‌و‌قید‌جسمانی،‌پیوستن‌به‌ذات‌بیعت‌و‌اتصال‌به‌جان‌جانی‌است. پس‌چه‌نعمتی‌ازین‌نعمت‌الائرا،‌و‌کدام‌شرف‌و‌منزلی‌ازین‌شریفت‌تر،‌و‌محبوب‌تر است‌که‌جان‌به‌وصال‌جانان‌رسیده،‌و‌دوست‌در خلوت‌خانه‌خاص‌خود [به‌دوست‌خود‌راه‌یافته،‌معنی‌قرب‌و‌اتصال‌به‌هم‌رساند. **فاوُز فوُزا‌عظمیا**.

ترسم‌که‌بار با‌ما‌ناشای‌بماند

اما‌به‌ملاحظه‌فرگفاری‌و‌بیجاگاری‌و‌ایس‌ماندگان‌حقیض‌عجز و‌تقصیر،‌که‌از ما‌الم‌الجوان‌محبت‌هنوز فطره‌نچشپیده،‌و‌از روح‌و‌راحت‌یافته‌معرفت‌باری‌پیمانه‌نییومده،‌و‌بیم‌است‌که‌بی‌وجود آن‌مقریان‌بارگاه‌هویت‌درین‌دار فانی‌همچنان‌تشنه‌بل‌و‌ناکام‌با‌کمال‌خجلت‌و‌افعال‌از حضرت‌دی‌الجلال‌شمرنده‌و‌سرافکنده‌به‌غرضه‌عصا‌درآیند‌و‌به‌عذاب‌الیم‌درمانند. «**فیا‌خبتنا‌علی‌ما‌علمانا،‌و‌یا‌حسرت‌تا‌علی‌ما‌فرتنا**». **ربنا‌لوا‌اخذا‌ننا‌و‌نسینا‌او‌اخطانا**،‌و‌رئ‌نما‌لنا‌و‌اغفرلنا‌انک‌علی‌ک‌شی‌ء‌ق‌دیر. و‌صلی‌الله‌علی‌سیدنا‌محمد،‌سیدالمسئین‌.

جای‌تأسف‌و‌قابل‌اظهار فزع‌اکبرند،‌و‌سبب‌این‌که‌طغرائوس‌اول‌در نشتات‌اولی‌رقم‌عدم‌و‌فتا‌بر جای‌د‌وجود‌عموم‌عالم‌ملکوت‌و‌ناسوت‌و‌جبروت‌کشیده،‌و‌ندای‌ک‌شی‌ء‌**هالک‌ال‌اوج‌ه‌به‌گوش**‌و‌هوش‌عالم‌و‌عالمان‌رسانیده‌اند،‌و‌ابدی‌صفت‌ذات‌اوست‌جل‌و‌علا،‌جهت‌تمسک‌به‌عروه‌الوقتی‌شکر و‌ثبات‌و‌رضایت‌به‌فعل‌فاعل‌مختار‌جست‌هر موجودات‌هزار و‌علاچی‌نه،‌و‌برای‌امثال‌ما‌ضعیفان‌عاصی‌و‌اجب‌است‌که‌انواع‌این‌گونه‌مصابب‌را‌نعمتی‌شگرف‌ملاحظه‌نماییم‌که‌ایلام‌دوست‌اگر‌چه‌در صورت‌ظاهر‌با‌نیش‌است،‌اما‌در‌معنی‌همه‌نوش‌یابد‌تصور نمود. از قول‌خواجگان‌است: «من‌ل‌یتلذذ‌بضر‌ب‌مولاه،‌فلیس‌بصادق‌فی‌دعواه».

می‌تلخ‌است‌جسور‌گل‌گذاران

هر‌آن‌کش‌جست‌ب‌یغروزد‌بت‌سیم

و‌بعد،‌خاصه‌جهت‌زیارت‌شرح‌جنت‌آسای‌آن‌مخزن‌اسرار‌نهانی‌که‌فی‌الواقع‌نمونه‌از روضه‌رضوانی،‌و‌شمیمی‌از عطر و‌بوی‌گلزار جانی‌دارد،‌و‌ادای‌مراسم‌فاخره‌خوانی،‌و‌اجب‌بود‌به‌نفس‌خود‌در‌حتاج‌جمله‌بیایم،‌و‌تایقاسی‌از آن‌مشکات‌عراقی‌بنمایم. اما‌به‌اعتبار اینکه‌حرکت‌امثال‌ما‌گوش‌درویشان‌بی‌نشان‌را‌هر‌حک‌عثمانی‌خالی‌از ذکر و‌فکری‌نمی‌دانند،‌از این‌سعادت‌عطفی‌به‌صورت‌ظاهر‌محروم‌ماندم‌و‌در این‌صورت‌م‌م‌م‌م‌م‌ن‌مشول‌ان‌شاه‌الله‌تعالی.

به‌بعد‌به‌استعداد‌همت‌پیران‌دین،‌همت‌مسیحی‌به‌کاربرده،‌به‌احیای‌قلب‌بر مرده‌دلان‌و‌نوازش‌زنده‌دلان‌پرواخته،‌یک‌دقیقه‌تسهال‌نفرمایند. امید‌است‌که‌روز‌به‌روز‌امطار اطوار فیضات‌ربانی‌بر‌کشتر‌خاطر آن‌یوسف‌پیر کنعانی‌در فیضان‌و‌جاری‌باشد. ب‌م‌ته‌و‌اسائه‌و‌امضاء‌به‌عبیدالله

جوابیه‌محمد‌بهاءالدین‌برای‌شیخ‌عبیدالله‌شمرزینی:

گنجور گنجینه‌اسرار‌الله‌سلاله‌سادات‌علا،‌نمر شجره‌طربای‌آل‌طه،‌خود‌شید‌قلب‌اصفیا،‌محبوب‌انبیا،‌م‌رغوب‌اولیا،‌جوهر‌فرد معدن‌حضرت‌سید،‌قلب‌الاطفای،‌محب‌الشیع‌و‌المشع‌و‌المشع‌و‌المحققین‌و‌زبدالعارفین،‌حضرت‌خواج‌عبیدالله‌شمرزینی،‌آدم‌الله‌نعمه‌بقائه‌و‌جوده،‌لا‌حرمن‌من‌فی‌خوضه‌و‌برکت،‌ما‌ذات‌الأرض‌و‌السماء. و‌به‌اظهار عجز‌ایضاً‌مدعی‌درویشان،‌و‌استفاضه‌فیوضات‌از آن‌آستان‌راستان‌شاهانه‌چهره‌آرای‌جمال‌سیمای‌مدعی‌گردید،‌در‌حالتی‌که‌علاقه‌انبای‌زمان‌را‌گسسته،‌و‌با‌خیال‌آن‌یوسف‌نژاد،‌چون‌چیز کنعان‌بال‌دیر بریان‌و‌دیده‌گریان‌در کنج‌کلبه‌الاحزان‌خود‌نخستسده،‌چون‌موج‌بی‌کران،‌و‌حریق‌نار‌جان‌گدازان،‌از فراق‌قلب‌زمان‌و‌غوث‌دوران‌بودم،‌گل‌دسته‌چمن‌درازه‌و‌مرحت،‌نورسته‌کشاده‌و‌محبت،‌ایضاً‌بیاض‌عیبر‌هنر شمامه،‌و‌سواد‌مشکبار مشکین‌خاتم‌و‌گل‌و‌گوش‌مایه‌و‌عطر‌و‌بوی‌روضه‌رضوان،‌و‌نسیمی‌از روائح‌گلزار جنان‌داشت،‌به‌سر‌وقت‌این‌نگ‌درویشان،‌به‌عنوان‌تسلی‌و‌عذر‌عزا‌نگاشته،‌قلم‌معجز‌بجای‌شده‌بود،‌عز‌ورود‌و‌شرف‌و‌صول‌پخشید.

این‌پیگ‌نامور که‌رسید‌از دیار‌دوست

آورد‌حرز‌حزان‌خط‌مشکبار‌دوست‌خوش‌می‌دهد‌خبرز‌جلال‌و‌جوش‌ای‌خوش‌می‌کند‌حاکایت‌عزو‌وقار‌دوست‌جان‌دامده‌بی‌م‌م‌م‌م‌خجلت‌هم‌برمی

زین‌نقد‌کم‌عیار‌که‌کردم‌نثار‌دوست‌از‌ملاحظه‌حروف‌و‌معانی‌که‌هر‌یک‌از‌آن‌درج‌از‌لاگی‌شهاوار‌معنایی،‌بلکه‌برچی‌از‌کواکب‌ثواب‌نهانی‌بودند،‌روشنی‌دیده‌نمین‌و‌تسلی‌طهارت‌غمین‌پیدا‌و‌از‌افکار اطوار ابر‌مکرم‌ت‌که‌مضمین‌رنسحات‌ماء‌الحیات‌آرام‌و‌سکوت‌بود،‌گلهای‌شادی‌و‌بهجت‌از گلبن‌زمین‌افسرده‌و‌خاطرات‌محنت‌منزلت‌آغاز‌حضرت‌و‌نضرت،‌و‌کانه‌بهاری‌تازه‌و‌آر رفته‌به‌جوی‌باز‌آمد.

خار غمی‌که‌خاطر‌ما‌خسته‌کرد‌ه‌بود

عیسی‌مدی‌خدا‌فرستاد‌و‌برگرفت‌از‌عدم‌شرفیابی‌حضور‌با‌هر‌النور‌که‌م‌قرون‌به‌معادیر‌شرعی‌و‌محاذیر‌ملکیه‌بود،‌پاره‌آید‌عذر‌خواهی،‌و‌از‌آن‌که‌هر‌چه‌بر‌روی‌خاک‌است،‌عاقبت‌اسمش‌از‌جریده‌هستی‌پاک‌است،‌شمه‌انتباهی‌فرموده‌بودند.

آری،‌اگر‌بنیاد‌آباد‌همین‌کُژن‌و‌فساد‌محل‌وثوق‌و‌اعتبار‌نزد‌کبریا‌ی‌رحل‌شانه‌روزن‌و‌قدری‌داشتی،‌روح‌فرخ‌خورشید‌فلک‌استضاء‌معجز‌بیان‌و‌**ما‌ینظف‌عن‌الهوری**،‌شهباز‌بلندپرواز‌آشنای‌«**فای‌قوسین‌او‌آدن**،‌ی‌سر‌مه‌سانی‌«**ما‌زاع‌الصر‌و‌ما‌طفی**»،‌محرم‌اسرار‌«**فای‌الی‌عبده‌ما‌ورحی**»،‌پیراسته‌خلعت‌گرانه‌ای‌«**لوسوف‌بعطیک‌فی‌الارضی‌فی‌جهر**»‌فرز‌معدن‌یکتا،‌خواج‌هر‌ود‌س‌ررا،‌محمد‌المصطفی‌علیه‌التحیه‌و‌الثناء،‌که‌خلاصه‌موجودات‌و‌باعث‌تکوین‌مکونانات،‌از‌این‌دار‌فا‌به‌عالم‌بقا‌یا‌وجود‌مختری‌دعوت‌نمی‌فرمودند،‌و‌ذاع‌فراق‌و‌حسرت‌را‌بر‌سینه‌جین‌و‌انس‌نمی‌نهادند.

با‌وجود‌این‌امثال‌والهوسان‌که‌غریق‌لجّه‌عصیانیه،‌چه‌پارا‌که‌دم‌از‌چون‌و‌چرا‌نداده‌و‌،‌چگونه‌زید‌که‌یک‌ذره‌از‌درد‌مقاله‌و‌صورت‌آیه‌«**یفعل‌الله‌ما‌یشاء**»‌گردن‌نهیم‌«**الحکم‌ه**». و‌جواهر‌زاهر‌نصاحی‌که‌از‌آن‌غیبی‌و‌معدن‌لاریبی‌دالّتی‌داشتند،‌بدین‌جهت‌جان‌و‌مرح‌جه‌جان‌ساختیم،‌امید‌است‌که‌همیشه‌کنشور‌و‌تشنه‌خاطر‌فاتر‌این‌نگ‌درویشان‌را‌به‌امطار‌توجهات‌باطنی‌که‌وظیفه‌مشارب‌پیران‌طریقه‌انقیه‌است،‌وسرمیز‌و‌شاداب‌فرمایند،‌و‌از‌چشمه‌زلاله‌دروفت‌و‌محبت‌فطره‌از‌مال‌الجوان‌بدن‌ک‌همین‌تشنه‌بل‌بی‌م‌اد‌برپرواند‌و‌پیشاندند،‌که‌از‌بزرگان‌اندک‌طبلیدن‌دون‌هفتی‌است.

و‌صلی‌الله‌علی‌سیدنا‌محمد‌و‌آله‌خیر‌الوری،‌و‌السلام‌علی‌من‌الدین‌الهدی‌امضاء/محمد‌بهاء‌الدین‌سلطانی

ادامه‌دارد

وقتی‌سه‌یا‌چهار‌نفر‌فکر‌و‌لال‌را‌که‌با‌یکدیگر‌«گفتگو»‌می‌کنند،‌می‌بینیم،‌از‌وضع‌آنها‌متأثر‌می‌شویم؛‌زیرا‌آنها‌از‌گفت‌و‌شنود‌با‌دیگران‌عاجزند. توانایی‌آنها‌در‌استفاده‌از‌گفتشات،‌شنشهای‌بیسته،‌چشمه‌ا،‌سر‌ود‌واقع‌تمام‌بدن‌خود،‌در‌بر‌قراری‌مکالمه‌پیوسته‌موجب‌حزیرت‌بیننده‌می‌شود؛‌اما‌مشاهده‌محدوده‌تپهای‌انهایی‌که‌فاقد‌زیان‌شغاهی‌هستند‌و‌تأسیف‌افراز‌عادی‌قادر‌به‌آزاد‌ساختن‌خود‌نیستند،‌باعث‌تأثّر‌می‌شود.

حقیقت‌آن‌است‌که‌آنها‌دچار‌محدودیتند،‌اما‌توجه‌به‌ماهیت‌این‌محدودیت‌مهم‌است؛‌اینجا‌مانند‌شخصی‌هستند‌که‌به‌سرزمین‌بیگانه‌وارد‌می‌شود؛‌بیگانگان‌فقط‌با‌آنها‌یی‌که‌با‌زیان‌ایشان‌آشنایی‌دارند،‌می‌توانند‌صحبت‌کنند. اشخاص‌کروال‌نیز‌دارای‌محدودیتی‌مشابه‌آنان‌هستند. زبان‌اشخاص‌کروال‌زبان‌مخصوصی‌است‌که‌دیگران‌غالباً‌آن‌را‌«زبان‌علائمی»‌می‌خوانند. آنچه‌به‌قصد‌برگشت‌به‌کار‌وود‌یعنی،‌برای‌اشاره‌یا‌دلالت‌آن‌کردن‌بر‌چیزی‌دیگر)‌شاید‌برای‌انتقال‌معنا‌به‌دیگران‌نیز‌به‌کار‌رود.‌دوستان‌کروال‌ما‌فاقد‌زیان‌نیستند؛‌آنها‌فقط‌از‌طریق‌لب‌خوانی‌می‌توانند،‌زبان‌افراز‌عادی‌را‌در‌ک‌کنند.

هر‌حسا‌علائم‌هایی‌سرای‌ارتباط‌به‌کار‌رود،‌از‌خاندن‌گی‌جسمه‌گرفته‌تا‌استفاده‌ویژه‌ای‌از‌سخنان‌نامه‌فهم،‌در‌آنجا‌زبان‌وجود‌دارد. در‌اینجا‌معنایی‌و‌جود‌ندارد،‌جز‌آنچه‌بعضی‌آن‌را‌معمای‌خود‌انسان‌می‌نامند‌بدون‌وجود‌وسایلی‌برای‌مبادلهٔ‌تجربیات،‌ایجاد‌معانی‌مشترک‌با‌اعومی‌غیر‌ممکن‌است.

زبان‌ابزاری‌اجتماعی‌است. فقدان‌این‌ابزار‌سبب‌می‌شود‌که‌فرد‌همچون‌جزیره‌ای‌تنها‌پاشند‌و‌به‌همان‌صورت‌باقی‌بمانند. تاریخی‌در‌بین‌نخواهد‌بود؛‌هنری‌نخواهد‌بود؛‌تمدن‌به‌معنای‌امروزی‌آن‌نخواهد‌بود؛‌در‌واقع‌انسان‌به‌مفهوم‌متعارف‌آن‌وجود‌نخواهد‌داشت. در‌هر‌صورت،‌نیاید‌نتیجه‌گیریم‌که‌معنا‌کاملاً‌به‌زبان‌ساختگی‌یعنی‌نمادهایی‌که‌انسان‌خود‌آنها‌را‌به‌وجود‌آورده،‌واسته‌است. در‌هر‌موقعیتی‌که‌چیزی‌به‌منزلهٔ‌علامت‌باشد،‌اساس‌معنا‌نیز‌وجود‌دارد،‌و‌وجود‌علائمت‌برای‌فکر‌ضروری‌است؛‌اما‌زبان‌ساختگی‌چنین‌نیست؛‌هر‌چند‌که‌فکر‌ه‌وزان‌انسان‌بدون‌آن،‌بسیار‌محدود‌خواهد‌بود.

معانی‌در‌ضمن‌تجربه‌پدید‌می‌آیند

معانی‌به‌این‌علت‌که‌انسان‌موجودی‌فعال‌است،‌پدید‌می‌آید؛‌و‌در‌مقابل‌تیرگی‌ممهی‌که‌محیط‌اصلی‌وی‌را‌تشکیل‌می‌دهد،‌متغی‌نمی‌ماند. دقت‌و‌هماهنگی‌معنا‌هنگامی‌پدید‌می‌آید‌که‌انسان‌تعالله‌در‌مقابل‌اوضاع‌و‌احوال‌گی‌ت‌کنندهٔ‌اطراف‌موجود‌اقدام‌می‌کند. نیاز‌انسان‌به‌ارتباط‌و‌همکاری‌با‌دیگران،‌سبب‌پیدایش‌زبان‌می‌شود؛‌و‌باید‌توجه‌داشت‌که‌پیدایش‌زبان‌در‌اصلاح‌معانی‌ذهن‌انسان‌نیز‌مؤثر‌است،‌اما‌این‌حقیقت‌همچنان‌محفوظ‌است‌که‌جریان‌معانی‌غالباً‌عمیق‌تر‌از‌هر‌گونه‌بیان‌زبانی‌آنهاست؛‌معلمان‌باید‌باین‌امر‌دار‌در‌مواردی‌که‌نقضاوت‌شان‌درباره‌شاگردان‌متحصراً‌مبتنی‌بر‌پاسخهای‌شغاهی‌است،‌به‌خاطر‌داشته‌باشند.

شاید‌بتوانیم‌میان‌علائمت‌های‌طبیعی‌و‌علائم‌های‌مصنوعی‌و‌زبان‌طبیعی‌و‌زبان‌ساختگی‌فرق‌گذاریم. آواز‌م‌رغ‌مقلد‌برای‌دیگر‌مرغان‌مقلد،‌علامت‌است؛‌همان‌طور‌که‌بانگ‌خروسی‌برای‌سانک‌ن‌زودیک‌اصطبل‌علامت‌تلقی‌می‌شود. بالا‌نداختن‌شانه‌مانند‌برق‌یک‌چشم،‌علامت‌است؛‌و‌در‌یک‌محل‌شلوغ‌پر‌ستاری،‌گریه‌طفلی‌شاید‌موجب‌تأامی‌دیگران‌شود‌و‌آنها‌نیز‌گریه‌کنند؛‌به‌گونه‌ای‌که‌نوعی‌تشعش‌شایع‌گردد.

همین‌که‌این‌گریه‌توجه‌همگان‌را‌جلب‌کند‌و‌نتایج‌آرام‌بخش‌و‌تسکین‌دهنده‌به‌بار‌آورد،‌کودک‌اولین‌قدم‌را‌به‌مسوی‌آستانه‌ورود‌به‌حوزه‌زبان‌ساختگی‌بر‌داشته‌است. او‌سپس‌وارد‌دنیای‌عجیب‌و‌غریبی‌می‌شود،‌دنیایی‌که‌به‌نظر‌چیزم‌باید‌مانند‌دنیای‌کودک‌به‌صورت‌اغتشاش‌توام‌بار‌سر‌و‌صد‌و‌شکفتن‌باشد. اما‌البته‌هیچ‌یک‌از‌ما‌نمی‌تواند‌این‌دنیا‌را‌برای‌کودک‌توصیف‌کند. آنچه‌ما‌می‌دانیم،‌این‌است‌که‌کودک‌باید‌یک‌دوره‌طولانی‌را‌برای‌آشنایی‌طی‌کند‌تا‌بتواند‌آزادانه‌در‌دنیای‌علائق‌و‌صداها‌و‌علائمت‌ها‌و‌اشیا‌و‌قابع‌سالمندان‌شرکت‌کند.

«زبان‌در‌جریان‌رشد‌کودک‌و‌آغاز‌دورهٔ‌سالمندی‌و‌به‌منزلهٔ‌ابزاری‌در‌اختیار‌اوست. این‌میراث‌با‌میراث‌تکنولوژی‌تمدنی‌که‌فرد‌در‌آن‌متولد‌می‌شود،‌یکسان‌است. زبان،‌میراثی‌اجتماعی‌است‌و‌به‌این‌سبب‌ممکن‌است‌آن‌را‌امری‌«تفعلی»‌خواند

یکی‌از‌دو‌مؤلف‌[این‌کتاب]‌زمانی‌را‌به‌یاد‌می‌آورد‌که‌از‌کنار‌سادری‌خوان‌که‌چیز‌خود‌را‌و‌برای‌گریش‌بیرون‌آورده‌بود،‌کردم‌که‌همین‌که‌او‌و‌چیز‌چشم‌شان‌به‌یکدیگر‌افتاد،‌بچه‌ا،‌اطراف‌زیان‌خود‌را‌حرکت‌داد،‌به‌عزت‌ساده،‌صدای‌«بابا»‌را‌از‌دهان‌خود‌خارج‌کرد. ما‌همان‌طور‌که‌با‌فکر‌کردن‌زبان‌همین‌حالت‌را‌ظاهر‌ساخت؛‌قیافه‌و‌تیمی‌را‌نشان‌می‌داد‌که‌دلالت‌بر‌وجود‌این‌حالت‌داشت. مادر‌شادمان‌نمود‌او‌با‌عجله‌رفت. می‌ماند‌است‌چگونه‌تجربه‌گیریم‌که‌در‌این‌مادر‌و‌(پدر)‌حسماً‌تا‌آن‌وقت‌دروافته‌بودند‌که‌کودک‌آنها‌می‌تواند‌«بابا»‌بگوید. شاید‌آنها‌بعداً‌تعجب‌کرد‌و‌[و‌گفتند:‌«آیا‌آنها‌همان‌طور‌که‌ما‌فکر‌کردیم‌بودیم،‌بچه‌په‌اوش‌است؟»‌و‌آنها‌نباید‌ایضط‌فکر‌کنند. ارتباط‌دادن‌سریع‌یک‌صدا‌با‌یک‌شیء،‌یا‌با‌یک‌معنی،‌وقت‌می‌گیرد‌و‌تسریع‌از‌چنان‌که‌بعضی‌از‌پسردان‌و‌مادران‌اصرار‌دارند،‌صحیح‌نیست‌(البته‌آنها‌از‌سر‌غ‌رور‌سعی‌دارند،‌آنچه‌فرد‌زندشان‌در‌ابتدا‌ادا‌می‌کند،‌به‌عنوان‌اولین‌«تکلم»‌کودک‌خود‌به‌دیگران‌گزارش‌دهند).

ماکس‌ث‌«اوتو‌توجه‌ما‌را‌به‌این‌حقیقت‌جلب‌می‌کند‌که‌«ادا‌کردن»‌غیر‌از‌«سخن‌گفتن»‌است. سخن‌می‌کند،‌با‌توجه‌به‌اینکه‌نسخه‌ای‌از‌آن‌دیده‌نشده‌است.

منشوی‌بهرام‌نامه؛‌به‌نامه‌ای‌دیگری‌چون‌«اسمان‌هشتم»‌و‌«فت‌البروج»‌و‌«هفت‌گنبد‌بهرام‌نیز»‌شکرت‌دارد. این‌کتاب‌را‌ابراو‌ح‌ال‌ال‌امین‌در‌سال‌۱۰۱۷‌تا‌۱۰۲۱‌هجری‌روزن‌حادثه‌سنای‌سوره‌است.

بهرام‌نامه‌از‌دو‌قسمت‌تشکیل‌شده‌است:‌بخش‌نخست،‌داستان‌درباره‌بهرام‌گور‌و‌چگونگی‌به‌تاج‌و‌تخت‌رسیدن‌اوست‌و‌بخش‌دوم‌شامل‌چگونگی‌ساختن‌قصه‌های‌هفت‌گانه‌و‌گرد‌آوردن‌عروسانی‌در‌آن‌است. در‌این‌بخش‌بهرام‌دوم‌ه‌ر‌شعب‌به‌دین‌زنی‌در‌تصیری‌به‌رنگ‌مشخصی‌می‌ورد‌و‌از‌زبان‌آنها‌داستان‌هایی‌می‌شنود. نکته‌تمایز‌داستانهای‌هفت‌پیکر‌با‌هم‌داستانهای‌است‌که‌ه‌زنان‌برای‌بهرام‌نقل‌دهند.

در‌این‌بخش‌ذوق‌هر‌شاعر‌باعث‌اراده‌داستانهای‌متفاوتی‌از‌دیگری‌شده‌است،‌و‌در‌این‌میان،‌محبط‌زندگی‌شاعران‌در‌زمانه‌آنها‌در‌داستانهایی‌که‌از‌قول‌ماهر‌وایان‌نقل‌می‌کنند،‌مؤثر‌نبوده‌است. در‌این‌بخش‌ذوق‌هر‌شاعر‌باعث‌اراده‌داستانهای‌متفاوتی‌از‌دیگری‌شده‌است،‌و‌در‌این‌میان،‌محبط‌زندگی‌شاعران‌در‌زمانه‌آنها‌در‌داستانهایی‌که‌از‌قول‌ماهر‌وایان‌نقل‌می‌کنند،‌مؤثر‌نبوده‌است.

منثوی‌بهرام‌نامه»‌یکی‌از‌ارکان‌خیمه‌روح‌ال‌امین‌است. منثوهای‌این‌خیمه‌سورتنند‌از:‌مطعم‌الانظار‌در‌۲۳۳ بیت،‌شمرین‌و‌خسرو‌در‌۷۸۹ بیت،‌لیلی‌و‌مجنون‌در‌۳۸۰۳ بیت،‌بهرام‌نم‌در‌۳۵۰۰ بیت‌و‌بیماری‌های‌مشترک‌بین‌انسان‌و‌

گفتن‌مستلزم‌تبادل‌معنایی‌است‌که‌اساس‌ارتباط‌را‌تشکیل‌می‌دهد؛‌اما‌ادا‌کردن‌تنها‌صدایی‌است‌که‌ممکن‌است‌به‌تدریج‌به‌صورت‌لفظ‌در‌آید. «او‌توا»‌این‌نکته‌را‌به‌صورت‌تشریح‌می‌دهد:

... تکلم‌یا‌سخن‌گفتن‌قابل‌انطباق‌بسر‌ادا‌کردن‌صدا‌یا‌بازتاب‌های‌علائمی‌نیست؛‌علائمت‌ها‌(مثل‌علامات‌راهنمایی‌)‌به‌صورت‌اشارات،‌و‌صداها‌به‌صورت‌کلمات‌درمی‌آیند. سخن‌گفتن‌یا‌تکلم،‌وقتی‌به‌خود‌می‌آید‌که‌رفتار‌خواهد‌واکنشی‌را‌نشان‌دهد‌و‌واکنش،‌خود‌وضع‌معینی‌دارد. سخن‌خصوصیت‌خود‌را‌به‌این‌دلیل‌کسب‌می‌کند‌که‌کوشش‌مشترک‌حداقل‌دو‌مرکز‌فعالیت‌در‌جریان‌ارتباط‌مقابل‌با‌یکدیگر‌است. سخن‌مضمین‌و‌مبادله‌و‌انتظار‌مشترکی‌است‌که‌وقتی‌ظاهر‌شده،‌به‌تعهد‌مشترکی‌منجر‌می‌شود‌که‌هر‌یک‌از‌دو‌طرف‌مصاحبه‌به‌مناسبت‌نقشی‌که‌در‌عهده‌دارند،‌می‌پذیرد.

زبان‌به‌منزلهٔ‌یک‌وسيله
به‌تدریج‌که‌کودک‌بر‌صدا‌های‌در‌حال‌رشد‌خود‌تسلط‌می‌یابد،‌قادر‌می‌شود‌که‌از‌طریق‌به‌کار‌بردن‌آنها‌با‌پدر‌و‌مادر‌و‌خانواده‌اش،‌تبادل‌نظر‌کند،‌و‌کنترل‌ابزاری‌را‌به‌دست‌می‌آورد‌که‌اگر‌علاقته‌به‌کار‌رود،‌وی‌را‌به‌قلمرو‌

خاندن‌گی‌جسمه‌گرفته‌تا‌استفاده‌ویژه‌ای‌از‌سخنان‌نامه‌فهم،‌در‌آنجا‌زبان‌وجود‌دارد. در‌اینجا‌معنایی‌و‌جود‌ندارد،‌جز‌آنچه‌بعضی‌آن‌را‌معمای‌خود‌انسان‌می‌نامند‌بدون‌وجود‌وسایلی‌برای‌مبادلهٔ‌تجربیات،‌ایجاد‌معانی‌مشترک‌با‌اعومی‌غیر‌ممکن‌است.

زبان‌ابزاری‌اجتماعی‌است. فقدان‌این‌ابزار‌سبب‌می‌شود‌که‌فرد‌همچون‌جزیره‌ای‌تنها‌پاشند‌و‌به‌همان‌صورت‌باقی‌بمانند. تاریخی‌در‌بین‌نخواهد‌بود؛‌هنری‌نخواهد‌بود؛‌تمدن‌به‌معنای‌امروزی‌آن‌نخواهد‌بود؛‌در‌واقع‌انسان‌به‌مفهوم‌متعارف‌آن‌وجود‌نخواهد‌داشت. در‌هر‌صورت،‌نیاید‌نتیجه‌گیریم‌که‌معنا‌کاملاً‌به‌زبان‌ساختگی‌یعنی‌نمادهایی‌که‌انسان‌خود‌آنها‌را‌به‌وجود‌آورده،‌واسته‌است. در‌هر‌موقعیتی‌که‌چیزی‌به‌منزلهٔ‌علامت‌باشد،‌اساس‌معنا‌نیز‌وجود‌دارد،‌و‌وجود‌علائمت‌برای‌فکر‌ضروری‌است؛‌اما‌زبان‌ساختگی‌چنین‌نیست؛‌هر‌چند‌که‌فکر‌ه‌وزان‌انسان‌بدون‌آن،‌بسیار‌محدود‌خواهد‌بود.

معانی‌در‌ضمن‌تجربه‌پدید‌می‌آیند
معانی‌به‌این‌علت‌که‌انسان‌موجودی‌فعال‌است،‌پدید‌می‌آید؛‌و‌در‌مقابل‌تیرگی‌ممهی‌که‌محیط‌اصلی‌وی‌را‌تشکیل‌می‌دهد،‌متغی‌نمی‌ماند. دقت‌و‌هماهنگی‌معنا‌هنگامی‌پدید‌می‌آید‌که‌انسان‌تعالله‌در‌مقابل‌اوضاع‌و‌احوال‌گی‌ت‌کنندهٔ‌اطراف‌موجود‌اقدام‌می‌کند. نیاز‌انسان‌به‌ارتباط‌و‌همکاری‌با‌دیگران،‌سبب‌پیدایش‌زبان‌می‌شود؛‌و‌باید‌توجه‌داشت‌که‌پیدایش‌زبان‌در‌اصلاح‌معانی‌ذهن‌انسان‌نیز‌مؤثر‌است،‌اما‌این‌حقیقت‌همچنان‌محفوظ‌است‌که‌جریان‌معانی‌غالباً‌عمیق‌تر‌از‌هر‌گونه‌بیان‌زبانی‌آنهاست؛‌معلمان‌باید‌باین‌امر‌دار‌در‌مواردی‌که‌نقضاوت‌شان‌درباره‌شاگردان‌متحصراً‌مبتنی‌بر‌پاسخهای‌شغاهی‌است،‌به‌خاطر‌داشته‌باشند.

شاید‌بتوانیم‌میان‌علائمت‌های‌طبیعی‌و‌علائم‌های‌مصنوعی‌و‌زبان‌طبیعی‌و‌زبان‌ساختگی‌فرق‌گذاریم. آواز‌م‌رغ‌مقلد‌برای‌دیگر‌مرغان‌مقلد،‌علامت‌است؛‌همان‌طور‌که‌بانگ‌خروسی‌برای‌سانک‌ن‌زودیک‌اصطبل‌علامت‌تلقی‌می‌شود. بالا‌نداختن‌شانه‌مانند‌برق‌یک‌چشم،‌علامت‌است؛‌و‌در‌یک‌محل‌شلوغ‌پر‌ستاری،‌گریه‌طفلی‌شاید‌موجب‌تأامی‌دیگران‌شود‌و‌آنها‌نیز‌گریه‌کنند؛‌به‌گونه‌ای‌که‌نوعی‌تشعش‌شایع‌گردد.

همین‌که‌این‌گریه‌توجه‌همگان‌را‌جلب‌کند‌و‌نتایج‌آرام‌بخش‌و‌تسکین‌دهنده‌به‌بار‌آورد،‌کودک‌اولین‌قدم‌را‌به‌مسوی‌آستانه‌ورود‌به‌حوزه‌زبان‌ساختگی‌بر‌داشته‌است. او‌سپس‌وارد‌دنیای‌عجیب‌و‌غریبی‌می‌شود،‌دنیایی‌که‌به‌نظر‌چیزم‌باید‌مانند‌دنیای‌کودک‌به‌صورت‌اغتشاش‌توام‌بار‌سر‌و‌صد‌و‌شکفتن‌باشد. اما‌البته‌هیچ‌یک‌از‌ما‌نمی‌تواند‌این‌دنیا‌را‌برای‌کودک‌توصیف‌کند. آنچه‌ما‌می‌دانیم،‌این‌است‌که‌کودک‌باید‌یک‌دوره‌طولانی‌را‌برای‌آشنایی‌طی‌کند‌تا‌بتواند‌آزادانه‌در‌دنیای‌علائق‌و‌صداها‌و‌علائمت‌ها‌و‌اشیا‌و‌قابع‌سالمندان‌شرکت‌کند.

وسیع‌فرهنگ‌انسانی‌رهمنون‌می‌شود. این‌ابزار‌(زبان‌)‌به‌ویژه‌ابزاری‌انسانی‌است،‌و‌استعداد‌خلق‌و‌تکمیل‌آن،‌انسان‌را‌از‌دیگر‌مخلوقات‌تمتیز‌ساخته‌است. «اوتوا»‌می‌گوید:‌غالباً‌می‌شویم‌که‌می‌گویند‌انسان‌از‌موجودات‌زنده‌دیگر،‌به‌علت‌داشتن‌سهولتهایی‌که‌می‌تواند‌حرکت‌شست‌و‌استعداد‌سازده‌گانه‌ها‌سازد،‌تمتیز‌شده‌است. در‌واقع‌این‌خصوصیت‌یک‌استعداد‌عالی‌است.... اما‌اگر‌باید‌باشد‌استعدادی‌را‌بر‌استعداد‌دیگر‌تر‌جیح‌دهیم،‌من‌توانده‌ام،‌«اندیشیده»‌و‌تاریخ‌آنها‌را‌به‌نسل‌از‌عجایب‌زندگی‌است‌بر‌می‌گزینم.

این‌سخن‌که‌«انسان‌ابزار‌ساز‌است»‌بسیار‌معروف‌است،‌و‌از‌مرحله‌ساخت‌تیر‌دستی‌به‌سوی‌ساختن‌عجایب‌تکنولوژی‌جدید‌حرکت‌کرده‌است‌و‌در‌تمام‌این‌مراحل،‌زبان‌که‌اشرف‌وسایلی‌است‌جه‌مهره‌او‌برای‌خود‌است. با‌این‌وسيله‌انسان‌نه‌تنها‌قادر‌به‌تهیه‌طر‌نیز‌بوده‌و‌سایر‌مصنوعات‌شده،‌بلکه‌آنها‌را‌نابگداری‌کرده،‌و‌در‌مورد‌آنها‌با‌دیگران‌سخن‌گفته‌است؛‌و‌دربارهٔ‌آنها‌هنگامی‌که‌فرزندان‌در‌آن‌نم‌نموده‌اند،‌«اندیشیده»‌و‌تاریخ‌آنها‌را‌به‌نسل‌بعد‌منتقل‌کرده‌است.

هر‌سرت‌وندت‌پس‌از‌خلاصه‌کردن‌پژوه‌ش‌خود‌دربارهٔ‌همیون‌های‌آدم‌نما،‌دقت‌دیگر‌ان‌دانش‌عقلانی‌اساسی‌میان‌میمون‌های‌آدم‌نما‌و‌انسان‌ابتدایی‌جلب‌کرد‌و‌گفت:‌«اگر‌چه‌میمون‌های‌آدم‌نما‌قادر‌به‌استفاده‌از‌ابزارند،‌لکن‌آنها‌هر‌نمی‌توانند‌آنها‌را‌بسازند». اگر‌ما‌زیان‌را‌یکی‌از‌ابزار‌های‌انسانی‌بدانیم‌-‌که‌باید‌هم‌چنین‌باشد‌-‌با‌اختلاف‌میان‌میمون‌و‌انسان‌بیشتر‌می‌شود؛‌این‌ابزار‌می‌باشد‌قدرتی‌داده‌است‌که‌دیگر‌سانک‌ن‌می‌تواند‌افتاد‌ن‌هستند. قدرت‌بیان‌یا‌اعلام‌آنچه‌خود‌انجام‌داده‌است،‌به‌عنوان‌اصل‌و‌پایه‌ای‌که‌نسل‌بعد‌زندگی‌خود‌را‌بر‌روی‌آن‌بنامی‌می‌کند؛‌پیوسته‌با‌تجربه‌نسل‌گذشته‌که‌ذخیری‌است‌دست‌او‌بوده‌است،‌آغاز‌می‌شود؛‌بنابراین‌انسان‌بر‌خلاف‌حیوانات،‌نسل‌به‌نسل،‌از‌لحاظ‌نیروی‌عقلانی‌پیشرفت‌می‌کند‌که‌«ادا‌کردن»‌غیر‌از‌«سخن‌گفتن»‌است. سخن‌می‌کند،‌با‌توجه‌به‌اینکه‌نسخه‌ای‌از‌آن‌دیده‌نشده‌است.

منشوی‌بهرام‌نامه؛‌به‌نامه‌ای‌دیگری‌چون

دیدار خبرنگاران با امام جمعه کرمان

کرمان - خبرنگارِ اطلاعات: جمعی از خبر‌گاران و اصحاب رسانه شهرِ کرمان با امام جمعه و نماینده ولی فقیه در استان کرمان دیدار و گفتگو کردند.

آیت‌الله سیدجیحی جعفری در این دیدار با گرامیداشت هفته دفاع مقدس یادآور شد: با جانشانی رزمندگان اسلام در دوران جنگ تحمیلی توانستیم در این نبرد نابرابر پیروز شویم و دشمن را وامی‌وس سازیم. وی ایران را کشوری مدافع و نه متجاوز دانست و گفت:دوران دفاع مقدس در قرون اخیر بی‌سابقه بود.

امام جمعه کرمان با اشاره به ادعای حقوق بشر از سوی برخی کشورها، افزود: مدعیان حقوق بشر در جنگ هشت ساله بدترین جنایت را علیه مردم ایران رقم زدند.

آیت‌الله جعفری همچنین با اشاره به اهمیت نقش رسانه‌ها در جامعه گفت: کسی که رسانه‌ای در اختیار دارد باید اهمیت آن را درک کند. وی گفت و سرعت در انتقال اخبار، میانه‌روی و پرهیز از افراط و تفریط و تبادل نظر را لازمه کار تمامی رسانه‌ها دانست و گفت:افزایش سطح پیش مردم باید مهمترین هدف هر رسانه جمعی باشد.

فرشید فلاح مدیر کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان کرمان نیز هدف این دیدار را استفاده از رهنمودهای نماینده ولی فقیه در آستانه تشکیل مجدد خانه مطبوعات اعلام کرد. وی با اشاره به این که خانه مطبوعات قدت تا پایان امسال ۲۰۰۰ کیلومتر راه روستایی دیگر ساخته خواهد شد.

فعالیت این خانه، ایجاد هم‌دلی بین اصحاب رسانه است. فلاح همچنین با اشاره به تنظیم اساتنامه جدید خانه مطبوعات توسط دولت و پذیرش آن از سوی اعضا ابراز امیدواری کرد: تمامی مطبوعات استان کرمان با هم‌دلی به سمت تشکیل یک خانهٔ صنفی قوی پیش روند. مدیر کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان کرمان همچنین نقش امام جمعه را در حوزه رسانه مهم و تأثیر گذار ارزیابی کرد و گفت: امام جمعه کرمان همیشه عامل وحدت و حامی رسانه‌ها و اصحاب مطبوعات استان بوده است.

بهره‌برداری از ۵۸ پروژه راه روستایی در جنوب کرمان

۵۸ ٪ پروژه راه روستایی با حضور معاون ساخت و توسعه راه روستایی وزیر راه و شهرسازی در جنوب کرمان به بهره‌برداری رسید. سیدحسین میرشفیع معاون وزیر راه و شهرسازی در این آیین بهبود کیفیت راههای ساخته‌شده را از اولویت‌های این وزارتخانه دانست و گفت: ۹۰درصد جمعیت روستایی کشور از راه آسفالت برخوردارند. وی با اشاره به وجود ۱۰۳ هزار کیلومتر راه روستایی آسفالت در کشور، افزود: تا پایان امسال ۲۰۰۰ کیلومتر راه روستایی دیگر ساخته خواهد شد. به گفته وی در کشور به ۱۷ هزار کیلومتر راه آسفالت برای روستاهای بالای ۵۰ خانوار و ۳۳ هزار کیلومتر راه آسفالت برای روستاهای بین ۲۰ تا ۵۰ خانوار نیاز است.

وی همچنین اعلام کرد: جنوب کرمان به ۱۰۰۰ کیلومتر راه روستایی برای روستاهای بالای ۵۰ خانوار نیاز دارد که برنامه‌ریزی شده است تا در مدت ۳ سال این راهها ساخته شود.

مدیرکل راه و شهرسازی جنوب کرمان نیز گفت: این ۵۸ پروژه شامل ۱۳۲ کیلومتر راه روستایی می‌شود که ۱۹ کیلومتر آن که بخش اسماعیلی جیرفت را به کهنوج متصل می‌کند که به نمایندگی از دیگر طرح‌ها به بهره‌برداری رسید. محمد ساردویی هزته ساخت این راهها را ۲۱ میلیارد تومان اعلام کرد و افزود: با بهره‌برداری از این پروژه‌ها در ۷ شهرستان جنوبی استان کرمان، ۳۰۶ خانوار در ۷۴ روستا از راه آسفالت مناسب بهره‌مند خواهند شد.

۱۵ کیلومتر از بزرگ‌راه خلیج فارس در جنوب کرمان نیز با حضور معاون وزیر راه و شهرسازی به بهره‌برداری رسید.

به گفته مدیرکل راه و شهرسازی جنوب کرمان ۸۵ میلیارد ریال برای ساخت این مسیر ۱۷ کیلومتری هزینه شده است. ساردویی با اشاره به این که تاکنون ۹۹ کیلومتر از بزرگ‌راه خلیج فارس به بهره‌برداری رسیده است، افزود: این پروژه تاکنون ۵۱ میلیارد تومان هزینه داشته است. وی اعلام کرد: بزرگ‌راه خلیج فارس از جیرفت تا تالان‌ها حوزه استحفاظی شهرستان ادره کل راه و شهرسازی جنوب کرمان، با احتساب کنار گذر شهرهای جیرفت و کهنوج ۳۳۰ کیلومتر طول دارد.

وی یادآور شد: این محور یکی از راه‌های ترانزیتی است که جنوب کشور را به مرکز و شرق متصل می‌کند. جیرفت، خنوب‌آباد، کهنوج، فراه‌رآباد، قلعه گنج، رودبار جنوب و مومنجان شهرستان‌های جنوبی استان کرمان را تشکیل می‌دهند.

تبریز - خبرنگارِ اطلاعات:

مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی آذربایجان شرقی از برگزاری جشنواره مطبوعات شمال غرب کشور به میزبانی تبریز خبر داد.

علی اکبر صنی‌پور یادآور شد: با توجه به نارضایتی اصحاب رسانه و مطبوعات از برگزاری نمایشگاه مطبوعات زیر سایه نمایشگاه کتاب، امسال این دو نمایشگاه به صورت همزمان برگزار نخواهد شد. وی گفت: برای استفاده بیشتر از ظرفیت رسانه‌های استان امسال به

زاهدان - خبرنگارِ اطلاعات: ۱/۵ میلیون تن محصول کشاورزی با توجه به ظرفیت‌های ابتدای امسال با آورد آب رودخانه هیرمند در منطقه سیستان برداشت شد.

مهندس رضاضحی رئیس سازمان جهاد کشاورزی سیستان و بلوچستان در جمع خبرنگاران گفت: با این امر علاوه بر ایجاد شرایط آموزش‌های تولیدی و تربیتی، زمینه اشتغال ۵۵۰ نفر از دانش‌آموزگان دانشگاه‌ها به عنوان ناظران حوزه بخش کشاورزی فراهم آمد.

وی با اشاره به جذب ۲۱۰۰ میلیاردریال از محل تسهیلات صندوق توسعه ملی، افزود: ۶۰۰ میلیاردریال نیز از منابع بخش خصوصی در توسعه کشاورزی سرمایه‌گذاری شده است.

رئیس سازمان جهاد کشاورزی سیستان و بلوچستان یادآور شد:دسر رئیس جمهوری به استان برای تجهیز ۱۰۰هزار هکتار از اراضی کشاورزی به سیستم آبیاری با سرمایه‌گذاری ۱۰۰۰ میلیارد تومان موافقت شد که انجام آن ۹۰۰۰در هکتار در دست اقدام است

و ۴۰۰۰هکتار نیز برای اجرا طرحی

خبرنگارِ اطلاعات: سفر تبریز برای ستشش آماجگی مدراس برای آغاز سال جدید تحصیلی از سوی آموزش و پرورش آموزشی حضور در ۱۵ آموزشگاه مقاطع ابتدایی و راهنمایی و متوسطه برگزار شد.

این مناسو با حضور معاون پرورش، مشاور استاندار، معاون فرماندار اسفراین و جمعی از کارشناسان در قالب ۴ گروه در ۱۵ آموزشگاه شهر و روستا برگزار شد. معاون پژوهش، برنامه‌ریزی و منابع انسانی اداره کل آموزش و پرورش خراسان شمالی در حاشیه برگزاری این مناسو گفت:

جای نمایشگاه، جشنواره مطبوعات برگزار می‌شود. او تأکید کرد: در دنیای کنونی که فرهنگ و ارزش‌های فرهنگی حرف اول را می‌زنند، اهمیت حفظ فرهنگ دفاع مقدس و نشر و گسترش آن باید مورد توجه اندیشه قرار گیرد و برای جوانان تبیین شود تا نسل حاضر نیز در جریان وقایع ۸۰سال دفاع مقدس قرار گیرد.

به گفته صنی‌پور دفاع مقدس بخش مهمی از تاریخ ایران اسلامی است که نهادهای فرهنگی باید عصر حاضر به دلیل گران بودن کتاب

زاهدان - خبرنگارِ اطلاعات: ۱/۵ میلیون تن محصول کشاورزی با توجه به ظرفیت‌های ابتدای امسال با آورد آب رودخانه هیرمند در منطقه سیستان برداشت شد.

مهندس رضاضحی رئیس سازمان جهاد کشاورزی سیستان و بلوچستان در جمع خبرنگاران گفت: با این امر علاوه بر ایجاد شرایط آموزش‌های تولیدی و تربیتی، زمینه اشتغال ۵۵۰ نفر از دانش‌آموزگان دانشگاه‌ها به عنوان ناظران حوزه بخش کشاورزی فراهم آمد.

وی با اشاره به جذب ۲۱۰۰ میلیاردریال از محل تسهیلات صندوق توسعه ملی، افزود: ۶۰۰ میلیاردریال نیز از منابع بخش خصوصی در توسعه کشاورزی سرمایه‌گذاری شده است.

رئیس سازمان جهاد کشاورزی سیستان و بلوچستان یادآور شد:دسر رئیس جمهوری به استان برای تجهیز ۱۰۰هزار هکتار از اراضی کشاورزی به سیستم آبیاری با سرمایه‌گذاری ۱۰۰۰ میلیارد تومان موافقت شد که انجام آن ۹۰۰۰در هکتار در دست اقدام است

و ۴۰۰۰هکتار نیز برای اجرا طرحی

سنجش آمادگی مدارس اسفراین

خبرنگارِ اطلاعات: سفر تبریز برای ستشش آماجگی مدراس برای آغاز سال جدید تحصیلی از سوی آموزش و پرورش آموزشی حضور در ۱۵ آموزشگاه مقاطع ابتدایی و راهنمایی و متوسطه برگزار شد.

این مناسو با حضور معاون پرورش، مشاور استاندار، معاون فرماندار اسفراین و جمعی از کارشناسان در قالب ۴ گروه در ۱۵ آموزشگاه شهر و روستا برگزار شد. معاون پژوهش، برنامه‌ریزی و منابع انسانی اداره کل آموزش و پرورش خراسان شمالی در حاشیه برگزاری این مناسو گفت:

رشت - خبرنگارِ اطلاعات: مدیرکل تأمین اجتماعی گیلان گفت: ۵۰۰ میلیارد ریال بابت آرای تهادت به بیمه‌شدگان و مستمیری بگیران از سوی تأمین اجتماعی این استان پرداخت شده است.

جلسه مجمع عمومی عادی به طور فوق‌العاده انجمن ژئوتکنیک ایران

به اطلاع اعضای محترم می‌رساند که جلسه مجمع عمومی عادی به طور فوق‌العاده نوبت اول در تاریخ ۲۹مهر ۱۳۹۲ رأس ساعت ۱۲ در محل تهران - خیابان لریستان - نبش خیابان انتقاریت-پلاک ۱۲ - واحد ۲ تشکیل می‌گردد.

با توجه به دستور جلسه زیر از کلیه اعضا دعوت می‌شود با رعایت مفاد اساسنامه در این مجمع حضور به هم رسانند.

- انتخاب اعضای هیأت‌مدیره و بازرس

هیأت‌مدیره انجمن

آگهی مناقصه مرحله اول نوبت اول

شهرداری مهربان در نظر دارد بر اساس موافقت‌نامه شماره ۳۳۰۲۰ مورخ ۹۳/۰۷/۲۱ مغایرت بین‌المللی محترم برنامه‌ریزی استاندارد آذربایجانجهت شرفی آسفالت‌ریزی خیابان ورودی شهر از سمت بل کیجی جای و خیابان روبرویی بانک ملت به مبلغ ۱/۹۲۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال (یک میلیارد و نهصد و بیست و هزار تومان) به پیمانکاران واجد شرایط با فهرست بهاء سال ۱۳۹۲ راه و

باند واگذار نماید.

شرکت کنندگان بایستی تا تاریخ ۹۳/۰۷/۱۸ اسناد مناقصه را از امور مالی دریافت نموده و مهلت ارائه پیشنهاد از تاریخ انتشار تاریخ انتشار مرحله اول نوبت اول ۹۳/۰۷/۱۵ تاریخ انتشار مرحله اول نوبت دوم ۹۳/۰۷/۲۵

تاریخ انتشار مرحله اول نوبت دوم ۹۳/۰۷/۲۵

شهردار مهربان - حیدری

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی به طور فوق‌العاده

جهت تبدیل سهام یی نام به سهام با نام نوبت دوم

به شماره ثبت ۳۳۹۴۲۲ شاسه ملی ۱۰۱۰۰۶۹۱۳۰۷

پیرو مصوبه مجمع عمومی شرکت کارت کش (سهامی خاص) ثبت شده در جلسه مجمع عمومی فوق‌العاده شرکت که رأس ساعت ۱۲۰۰ روز شنبه ۱۳۹۳/۷/۱۹ در محل عمل صحنی با واقع در تهران میدان قزوین - متحف جوبی - کوچه جمهورت - روستاقوچیه ۲ تشکیل می‌گردد. حضور به هم رسانند.

۲- سایر موارد

۱- استماع گزارش رئیس هیئت‌مدیره و بازرسین قانونی

۲- بررسی و تصویب صورت‌های مالی دوره گذشته۳- تصویب اعضای هیئت‌مدیره و بازرسین قانونی۴- سایر موارد

هینت مدیره

شرکت کمپرسور سازی تبریز(سهامی عام)

آگهی دعوت مجمع عمومی فوق‌العاده (نوبت دوم)

به اطلاع کلیه اعضا، اتحادیه تعاونی‌های مصرف فرهنگیان تبریز می‌رساند که جلسه مجمع عمومی فوق‌العاده نوبت اول اتحادیه به علت عدم حضور کافی رسپیت یافت لذا تیرتوسیه برای نوبت دوم

از اعضا اتحادیه‌ها و شرکت‌های تعاونی مصرف فرهنگیان عضو اتحادیه دعوت به عمل می‌آید تا نماینده تام‌الاختیار آنها را به دست

دانستن فرعیانم جهت این هیئت مدیره را رأس ساعت ۱۰صبح روز پنج شنبه مورخ ۹۳/۷/۲۴ در محل جلسه مخصوص کرج

کیلومتر ۵ بعد از کارخانه تیراه جنوب پارسا خیابان خودرو نمایشگاه اتحادیه فرهنگیان ایران تلقی ۲۴۱۲۹۸۲۴ حضور به هم رسانند.

دستور جلسه:

الف) اصلاح اساسنامه بر اساس آخرین اصلاحیه موادی از قانون

تعاون مصوبه مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۹۳

ب) اصلاح بند ۱ ماده ۱۳ اساسنامه (اضافه نمودن مراکز رفاهی و فروشگاه‌های زنجیره‌ای)

محمدرضا رهنما

رئیس هیئت مدیره اتحادیه

تعاونی‌های مصرف فرهنگیان ایران (اتما)

تاریخ انتشار: ۹۳/۷/۸

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی به طور فوق‌العاده نوبت دوم شرکت تعاونی مسکن کارکنان شرکت سرمایه‌گذاری مسکن

شماره شناسه ملی ۱۰۱۰۰۹۴۹۶۱۸

بدینوسیله از کلیه اعضای محترم دعوت می‌شود تا در مجمع عمومی عادی به طور فوق‌العاده نوبت دوم که رأس ساعت ۱۶ روز شنبه مورخ ۱۳۹۳/۷/۲۲ در محل اجتماعات دفتر مرکزی شرکت تعاون در خیابان میرداماد ۵ میدان مادر (جستی) خیابان شاه‌نظری - پلاک ۸ تشکیل می‌شود حضور به هم رسانند.

دستور جلسه:

۱) استماع گزارش هیأت‌مدیره و بازرسان.

۲) رسیدگی و تصویب در خصوص صورت‌های مالی

۳) انتخاب هیأت‌مدیره و بازرسان.

۴) سایر مواردی که در صلاحیت مجمع عمومی عادی فوق باشد.

هینت‌مدیره

اخبار شهرستانها

سه شنبه ۸ مهر ۱۳۹۲ - ۵ ذی‌الحجه ۱۴۳۵ - ۳۰ سپتامبر ۲۰۱۴ - سال هشتادونهم - شماره ۲۵۹۸۴

تبریز: میزبان جشنواره مطبوعات شمال غرب کشور

وی گفت: همه ناشران داخلی موظف هستند که کتاب‌های منتشر شده در ۴ سال اخیر را به نمایش بگذارند و بازرسان نیز بررسی می‌کنند.

مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی در ادامه از افزایش اعتبار بن کتاب خبر داد و گفت: سال‌های گذشته ۷ میلیارد ریال برای بن کتاب اختصاص داده می‌شد که این مبلغ امسال به ۱۲ میلیارد ریال افزایش یافته است.

به گفته صنی‌پور با وجود ۱۰ درصد تخفیف نمایشگاه، ۲۰ درصد کتاب نشان نمی‌داند. وی در دوره این نمایشگاه ۶۰ ناشر استانی نیز حضور دارند.

برداشت ۱/۵ میلیون تن محصول کشاورزی در سیستان

مهندس رضاضحی رئیس سازمان جهاد کشاورزی سیستان و بلوچستان در جمع خبرنگاران گفت: با این امر علاوه بر ایجاد شرایط آموزش‌های تولیدی و تربیتی، زمینه اشتغال ۵۵۰ نفر از دانش‌آموزگان دانشگاه‌ها به عنوان ناظران حوزه بخش کشاورزی فراهم آمد.

فرماندار اسفراین در حاشیه برگزاری این مناسو گفت: این مناسو با حضور معاون پرورش، مشاور استاندار، معاون فرماندار اسفراین و جمعی از کارشناسان در قالب ۴ گروه در ۱۵ آموزشگاه شهر و روستا برگزار شد. معاون پژوهش، برنامه‌ریزی و منابع انسانی اداره کل آموزش و پرورش خراسان شمالی در حاشیه برگزاری این مناسو گفت:

رشت - خبرنگارِ اطلاعات: مدیرکل تأمین اجتماعی گیلان گفت: ۵۰۰ میلیارد ریال بابت آرای تهادت به بیمه‌شدگان و مستمیری بگیران از سوی تأمین اجتماعی این استان پرداخت شده است.

جلسه مجمع عمومی عادی به طور فوق‌العاده انجمن ژئوتکنیک ایران

به اطلاع اعضای محترم می‌رساند که جلسه مجمع عمومی عادی به طور فوق‌العاده نوبت اول در تاریخ ۲۹مهر ۱۳۹۲ رأس ساعت ۱۲ در محل تهران - خیابان لریستان - نبش خیابان انتقاریت-پلاک ۱۲ - واحد ۲ تشکیل می‌گردد.

با توجه به دستور جلسه زیر از کلیه اعضا دعوت می‌شود با رعایت مفاد اساسنامه در این مجمع حضور به هم رسانند.

- انتخاب اعضای هیأت‌مدیره و بازرس

هیأت‌مدیره انجمن

آگهی مناقصه مرحله اول نوبت اول

شهرداری مهربان در نظر دارد بر اساس موافقت‌نامه شماره ۳۳۰۲۰ مورخ ۹۳/۰۷/۲۱ مغایرت بین‌المللی محترم برنامه‌ریزی استاندارد آذربایجانجهت شرفی آسفالت‌ریزی خیابان ورودی شهر از سمت بل کیجی جای و خیابان روبرویی بانک ملت به مبلغ ۱/۹۲۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال (یک میلیارد و نهصد و بیست و هزار تومان) به پیمانکاران واجد شرایط با فهرست بهاء سال ۱۳۹۲ راه و

باند واگذار نماید.

شرکت کنندگان بایستی تا تاریخ ۹۳/۰۷/۱۸ اسناد مناقصه را از امور مالی دریافت نموده و مهلت ارائه پیشنهاد از تاریخ انتشار تاریخ انتشار مرحله اول نوبت اول ۹۳/۰۷/۱۵ تاریخ انتشار مرحله اول نوبت دوم ۹۳/۰۷/۲۵

تاریخ انتشار مرحله اول نوبت دوم ۹۳/۰۷/۲۵

شهردار مهربان - حیدری

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی به طور فوق‌العاده

جهت تبدیل سهام یی نام به سهام با نام نوبت دوم

به شماره ثبت ۳۳۹۴۲۲ شاسه ملی ۱۰۱۰۰۶۹۱۳۰۷

پیرو مصوبه مجمع عمومی شرکت کارت کش (سهامی خاص) ثبت شده در جلسه مجمع عمومی فوق‌العاده شرکت که رأس ساعت ۱۲۰۰ روز شنبه ۱۳۹۳/۷/۱۹ در محل عمل صحنی با واقع در تهران میدان قزوین - متحف جوبی - کوچه جمهورت - روستاقوچیه ۲ تشکیل می‌گردد. حضور به هم رسانند.

۲- سایر موارد

۱- استماع گزارش رئیس هیئت‌مدیره و بازرسین قانونی

۲- بررسی و تصویب صورت‌های مالی دوره گذشته۳- تصویب اعضای هیئت‌مدیره و بازرسین قانونی۴- سایر موارد

هینت مدیره

شرکت کمپرسور سازی تبریز(سهامی عام)

آگهی دعوت مجمع عمومی فوق‌العاده (نوبت اول)

به اطلاع کلیه اعضا، اتحادیه تعاونی‌های مصرف فرهنگیان تبریز می‌رساند که جلسه مجمع عمومی فوق‌العاده نوبت اول اتحادیه به علت عدم حضور کافی رسپیت یافت لذا تیرتوسیه برای نوبت دوم

از اعضا اتحادیه‌ها و شرکت‌های تعاونی مصرف فرهنگیان عضو اتحادیه دعوت به عمل می‌آید تا نماینده تام‌الاختیار آنها را به دست

دانستن فرعیانم جهت این هیئت مدیره را رأس ساعت ۱۰صبح روز پنج شنبه مورخ ۹۳/۷/۲۴ در محل جلسه مخصوص کرج

کیلومتر ۵ بعد از کارخانه تیراه جنوب پارسا خیابان خودرو نمایشگاه اتحادیه فرهنگیان ایران تلقی ۲۴۱۲۹۸۲۴ حضور به هم رسانند.

دستور جلسه:

الف) اصلاح اساسنامه بر اساس آخرین اصلاحیه موادی از قانون

تعاون مصوبه مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۹۳

ب) اصلاح بند ۱ ماده ۱۳ اساسنامه (اضافه نمودن مراکز رفاهی و فروشگاه‌های زنجیره‌ای)

محمدرضا رهنما

رئیس هیئت مدیره اتحادیه

تعاونی‌های مصرف فرهنگیان ایران (اتما)

آگهی دعوت مجمع عمومی فوق‌العاده (نوبت دوم)

به اطلاع کلیه اعضا، اتحادیه تعاونی‌های مصرف فرهنگیان تبریز می‌رساند که جلسه مجمع عمومی فوق‌العاده نوبت اول اتحادیه به علت عدم حضور کافی رسپیت یافت لذا تیرتوسیه برای نوبت دوم

از اعضا اتحادیه‌ها و شرکت‌های تعاونی مصرف فرهنگیان عضو اتحادیه دعوت به عمل می‌آید تا نماینده تام‌الاختیار آنها را به دست

دانستن فرعیانم جهت این هیئت مدیره را رأس ساعت ۱۰صبح روز پنج شنبه مورخ ۹۳/۷/۲۴ در محل جلسه مخصوص کرج

کیلومتر ۵ بعد از کارخانه تیراه جنوب پارسا خیابان خودرو نمایشگاه اتحادیه فرهنگیان ایران تلقی ۲۴۱۲۹۸۲۴ حضور به هم رسانند.

دستور جلسه:

۱) استماع گزارش هیأت‌مدیره و بازرسان.

۲) رسیدگی و تصویب در خصوص صورت‌های مالی

۳) انتخاب هیأت‌مدیره و بازرسان.

۴) سایر مواردی که در صلاحیت مجمع عمومی عادی فوق باشد.

هینت‌مدیره

تعاونی‌های مصرف فرهنگیان ایران (اتما)

تاریخ انتشار: ۹۳/۷/۸

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی به طور فوق‌العاده نوبت دوم شرکت تعاونی مسکن کارکنان شرکت سرمایه‌گذاری مسکن

شماره شناسه ملی ۱۰۱۰۰۹۴۹۶۱۸

بدینوسیله از کلیه اعضای محترم شرکت شرکت تولیدی کاشی و سرامیک گیلانا (سهامی خاص) می‌رساند که جلسه مجمع عمومی عادی به طور فوق‌العاده که رأس ساعت ۹ صبح روز پنجشنبه مورخ ۱۳۹۳ در محل کارخانه واقع در شهر صنعتی منجیل تشکیل می‌شود، ششخا و یا معرفی نماینده قانونی حضور به هم رسانند.

دستور جلسه:

۱- انتخاب اعضای هیئت‌مدیره

۲- تعیین روزنامه کثیرالانتشار

۳- سایر مواردی که در صلاحیت مجمع عمومی می‌باشد.

هیئت‌مدیره شرکت تولیدی

کاشی و سرامیک گیلانا

(سهامی خاص)

شماره نماپر نیازمندپناه۲۲۲۲۴۸۸-۲۲۲۲۴۹۶۳

سه شنبه ۸ مهر ۱۳۹۲ - ۵ ذی‌الحجه ۱۴۳۵ - ۳۰ سپتامبر ۲۰۱۴ - سال هشتادونهم - شماره ۲۵۹۸۴

اصفهانی‌های خط شکن در حسرت داشتن موزه دفاع مقدس

اصفهان - خبرنگارِ اطلاعات: آن‌ها که دستی بر آتش ۸۰سال دفاع مقدس داشتند نقل می‌کنند هر گاه در عملیات‌ها کار گره می‌خورد و امیدها تأمید این حسین خرازی بود که با رانش بی‌حیاله دل خصل می‌زدند و مسیر را برای عبور دیگر رزمندگان بامزی کردند و اینگونه اصفهانی‌ها در دفاع مقدس نام خط شکن را برای خود به یادگار گذاشتند.

استان اصفهان با تقدیم ۳۳ هزار شهید در جنگ حق علیه باطل کاری کرد که کارستان که امام خمینی^{ره} در وصف این شهر گفتند: «کجا مانند این شهر می‌توانید پیدا کنید که در یک روز ۳۰۰۰ شهید تقدیم انقلاب کردند» اصفهان در دفاع مقدس با معرفی فرماندهان جوان در میدان جنگ نقشی بی‌بدیل ایفا کرد و با دارا بودن ۱۲ لشکر در بسیجی از مقاطع حساس و عملیات‌ها تأثیر گذار و هدایت‌کننده‌بود.

چهره‌های شاخص مانند حسین خرازی، مصطفی دانی‌پور، ابراهیم همت، احمد کاظمی، قربانعلی عرب و ... را فرماندهان بزرگ بودند که لحظه‌ای آرام و قرار نداشتند تا توبتانی در دایر خبر خود گویند و بر انجام با تقدیم خون خود بر سر آرمان‌های خود ایستادند.

با پایان دفاع مقدس و چند سال پس از آن شکل‌گیری موزه‌های دفاع مقدس در دستور کار قرار گرفت و به‌قطر می‌رسید اصفهان از استان‌های پیشینا در ساخت این موزه باشد چون نیرو و تفکر جهادی اصفهانی‌ها مثال زدنې بوده و هست. اما متأسفانه قریب به ۱۷ سال از کنگ‌زنی این پروژه در اصفهان گذشته است و هنوز این اقدام مهم فرهنگی تاکنر گذار اندر خم کوهچه سر کوه‌های بی‌تدبیری روزگار می‌گذراند و اصفهانی‌هایی که در ۸ سال دفاع مقدس خط شکن بوده‌اند اکنون در میدان‌مین نامدیریتی‌ها گرفتار شده‌اند و در حسرت داشتن یک موزه دفاع مقدس برای انعکاس خدمات رزمندگان خود در دفاع مقدس روزگار می‌گذرانند. با تغییر دولت‌ها در گذشته هر کدام قول‌هایی بر حل این مشکل داده‌اند اما خیلی زود به فراموشی سپرده شده است و نتیجه آن این است که امروز می‌بینیم.

دکتر زرگرپور استاندار اصفهان درباره این موضوع گفت: متأسفانه تأخیر در ساخت موزه دفاع مقدس ظلمی است که به استان اصفهان شده است و معتقدم این پروژه به‌مانند دیگر پروژه‌های ناتمام شهر اصفهان قربانی عدم تعامل مدیران با یکدیگر شده است.

او خبر از برگزاری جلسه‌ای با حضور شهرداری اصفهان و نیز و‌های مسلح برای حل این مشکل داد و افزود: حتی آسایشگاه جانبازان ما نیز وضع مناسبی ندارد و در طول این سال‌ها به حال خود رها شده است.

به گفته وی، دولت استانی که در جنگ ۱۲ لشکر و ۵ تپ داشته است، باید نخستین استانی باشد که دارای موزه دفاع مقدس شود زیرا ۱۰ درصد شهدا و ۱۱ درصد جانبازان کشور به استان اصفهان اختصاص دارد.

زرگرپور با بیان اینکه من متأسفم و غصه دارم از اینکه هر جا دست می‌گذاریم پروژه‌ای را بینیم که ۱۰ سال متوقف مانده است، ادامه داد: تمام طرح‌های اصفهان به دلیل اینکه تصمیم‌گیران آن نمی‌توانند باهم تعامل کنند روی زمین مانده است زیرا حاشیه‌ها منته شده است.

رسول‌یاحی معاون سیاسی امنیتی استاندار اصفهان که خود نیز از رزمندگان ۸ سال دفاع مقدس است با بیان اینکه درباره این موزه کم لطفی شده است افزود: در این پروژه حیاتی‌ترین نیاز اصفهان است تا ت

تاوقتی تصمیمات خلق الساعه است امیدی به بهبود اوضاع نیست!

در روزنامه مورخه ۲۹ شهریور ۹۳ یادداشت سبر دبیر روزنامه اطلاعات باعنوان «سبک زندگی» چاپ شده بود که در حقیقت درد نامه‌ای بود و نمی‌دالم سن و سال سردبیر بقدر است و چند سال دارند ، آن نوشته را بر اساس تجربه شخصی و با مطالعه نوشته‌اشند.به هر تقدیر خواستم مطلبی و یا مثلا تکمله‌ای بر آن بنویسم.

در سال ۱۳۴۵ در سپاه ترویج و آبادانی و در شهر خود «قزوین» خدمت می کردم و اتفاقا در روستایی بودم که در طرح سازمان عمران قزوین خشک و کم آب، پرت و هدر رفت آب، بی نهایت بود، به هر زحمتی بود طرح‌های کشاورزی ارائه می کردند که بعد از بررسی معلوم شد که تقریبا ۹۰درصد مأموران کشاورزی اسرائیل، دانشجوی هستند و برای گذراندن دوره کارآموزی و یادگیری خود در ایران خدمت می کنند. نه برای آموزش کشاورزان ایرانی!

در آن سال روستاهای محل خدمت من دارای قناتی بود که تقریبا در شرف فروپاشی شدن قرارداشتند و فقط به خاطر این بود که در آن روستا و روستاهای اطراف، چاه‌های متعدد عمیق حفر شده بود و آبیاری می‌های کشاورزی به‌صورت «غرقابی» صورت می‌گرفت و در روستاهای خشک و کم آب، پرت و هدررفت آب، بی نهایت بود، به هر زحمتی بود و با بسیج اهالی نسبت به تنقیه چاه‌های قنات و لایروبی جوی آن از مظهر قنات تا روستا، اما مختصری حاصل می‌شد، ولی چه فایده که هزاران برابر ۹۰درصد مأموران کشاورزی ایران، دانشگاهی هستند و برای گذراندن دوره کارآموزی و یادگیری خود در ایران خدمت می کنند. نه برای آموزش

تخل برای من زنده شد که پس از سال‌ها بازم شاهد چنین وقایعی هستیم، به یاد دارم اوایل انقلاب با برنامه‌ای که اعلام کردند و معتقد بودند که تمامی «قنات» باید احیاء و جلوی کم‌آبی با هزینه‌ای ناچیز از نظر احیاء و بهره‌برداری گرفته شود، ولی بعدا هیچ اثری از آن حادث و حاصل نشد.

با دینست خاطره‌ای در ارتباط با کشاورزی بنویسم.

در روستای محل خدمت من بیشتر ذرت علوفه‌ای «سرگوم» و سیب‌زمینی کشت می‌شد.

مستولان اسرائیلی برای به دست آوردن و آزمایش تجربیات خود برای کشت سیب‌زمینی، روشی را پیشنهاد می کردند و تقریبا تمامی زارعین مکلف و مجبور به اطاعت از آن روش بودند. اما شخصی به نام قدرت (اگر به محروم شده است خدایش بیامرزد)، هرگز زیر بار روش آنان نرفت و به روش خود کشاورزی می کرد و سیب‌زمینی می کاشت و چندین هکتار از خود سرپرستی می کرد.

اتفاقا به دلیل سرکشی و عدم توافق وی، سهمیه آب کنتری هم دریافت می‌کرد، ولی بطیرغم این مسایل، محصول برداشتی او چندین برابر زمین‌های تحت نظارت مأموران اسرائیلی شد.که موجب درگیری دیگر زارعین با مأموران نیز گردید، که ماجرای مفصلی دارد. ولی مأموران اسرائیلی به جای آموزش دادن کشاورزی، کسب تجربه می کردند و شاید برای آنان این تجربیات تا امروز هم مفید بوده است، ولی برای ماچه؟!

به نظر من تا زمانی که تصمیمات در هر زمینه‌ای خلق الساعه و برای گذراندن زمان و روز است و برنامه‌ای در کار نیست، به قول معروف آش همین اش است و کاسه همین کاسه خداندن خود به حال مردم رحمی کند و اگر نه این وضع، باید به‌بودی اوضاع بینست!

گفته‌اند من در شرایطی مردم و کشور را مورد مر محمت قرار می‌دهم، اما «تو چون خدمت کنی خوشی را بد مدار از فلک چشم کنی! اختری را». تاوقتی علم و دانش و تجربه واقعی و نه مدرکی چاپ تمیق و چاپلوسی و بازی بهر جهت را نگیرد، وضع بهتری در تمامی موارد و از جمله آب نیز متصور نخواهد بود!

حسن اهریان
کارشناس رسمی قوه قضائیه در امور مالیاتی

وبلاگ هشتک

دانشگاه!

دانشکده روپای پر از بی‌تابی ست
محصول تلاش و کوشش و بیخوابی ست
هر کس برسد به نیمه دیگر خود
دانشکده باشگاه همسر یابی ست!

قبر یوسفی – آمل

هنگامی که شرح حال مفصل حاج علی اکبر صنعتی،رادر بر گزین دانشگاه‌های معتبر و جمع‌آوری کودکان یتیم و بی‌سرپرست را در روزنامه اطلاعات ۱۱ تیر ماه ۹۳ خواندم، ناخودآگاه به یاد مرحوم استاد ابراهیم یاسنانی، پاریزی و عشق و علاقه و نسبت به انسان‌ها، خدمت به جامعه فرهنگی و بازگشای فقر و فلاکت و دوران تلخ و هزنگی و کاهش فقر و افتادم و سا خود گفتم، کودکان و نوجوانان، انسان‌های روی زمین ابتدا پاک و بی غل و غش و بی گناه یا در این دنیای پر آشوب و پر رمز و راز می گذارند و شرایط گوناگونی آینده آنان را رقم می‌زنند.

سال‌ها قبل از انقلاب، حاج علی اکبر صنعتی از طریق فروش نیمی از خانه مسکونی‌اش در حاشیه شهر زمینی خرید که به شکل خندق بود و کارهای ساختمان را برای اسکان گروهی از اطفال پرورشگاه شروع کرد، ولی «مأموران شهرپایی» به دلیل این که مکان یاد شده را برای ساختن «زندان» مناسب می‌دانستند، از کار او جلوگیری کردند. حاکم کرمان نیز نظرات مقامات نظمی را تأیید و امر به زندان شدن این مکان کرد و علی اکبر در جواب حاکم کرمان گفت که من می‌خواهم کاری کنم که زندان لازم نداشته باشم، زیرا بیشتر کسانی که کارشان به زندان می افتد، همان بچه‌های بی‌سرپرستند که مربی ندارند.

من هر روز با مترو به محل کارم می‌روم. فضای قطار در تابستان و زمستان و پاییز و بهار به قدری دلچسب و دلپذیر و مرتب و منطبق با استانداردهای بین‌المللی است که مسافران قطار سریع‌السیر، صندلی‌های خود را ملل راحتی محل مسکونی نمی‌دانند و به کثرت از کثرت برای غلبه به خواب نیم‌سوز فرو می‌روند! اما چشم‌مان روزی بیند، ناگهان سیل کودکان، ۵ ساله تا ۱۲ ساله و مادران جوان کیسه به دست با صدا

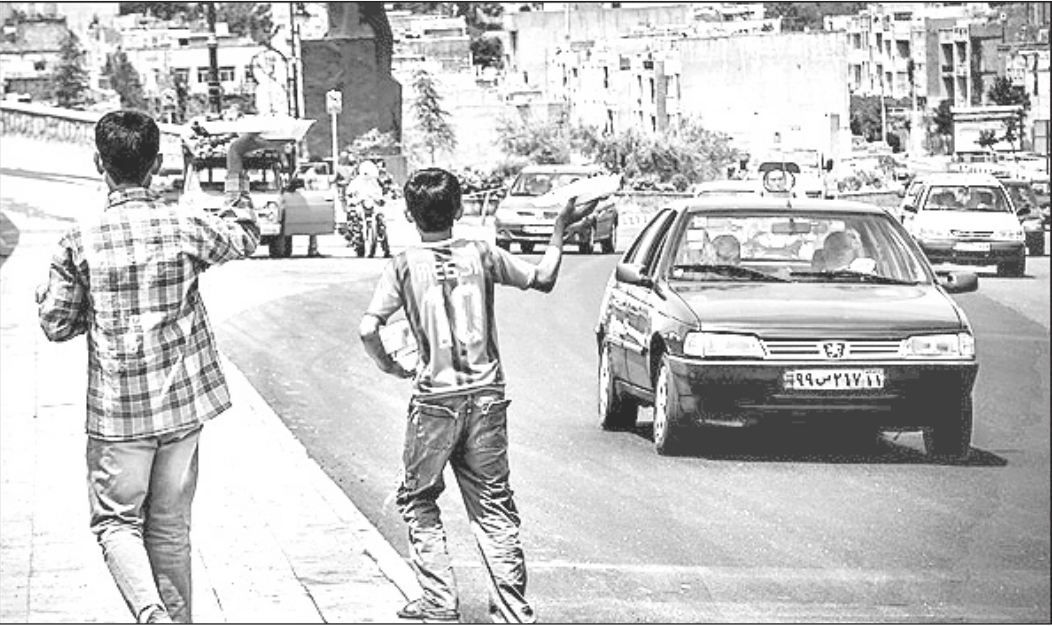
خارجی منجر به ترجمه مقالات بسیاری در اروپا شد. این حال، به رغم این واقعیت که روزنامه‌نگاری (مطبوعات) از بدو تولدخود با ترجمه پیوند خورده بود، نشانه‌های کافی از اهمیت این موضوع در بررسی روزنامه‌نگاری و همچنین زبان‌شناسی وجود ندارد.

ترجمه مطبوعاتی: ترجمه برای روزنامه‌ها، هفته‌نامه‌ها و ماهنامه ویرگی‌هایی دارد که به‌تر است به ترجمه‌های عمومی و غیردانشانی متمایز می‌کند. درنگاه اول، از آنجا که متن روزنامه حقایق و اطلاعات را بیان و مخابره می‌کند، فرد ممکن است بپندارد که متن روزنامه تا آنجا که به ترکیب و سبک متن و مشکلات ادکی از جهت ژانرگانی مربوط می‌شود، برای ترجمه نسبتاً آسان است. اما باید گفت که مشکلات بسیاری در مورد ترجمه متن اخبار وجود دارد، زیرا در ترجمه ترجمه مطبوعاتی، فرمولبندی‌های سبکی و کلامی، خود را به حالت خاصی سازماندهی می‌کند و در پرزانه‌های اصولی از قبیل صورت‌بندی ساختار متن، استنادال‌اصرف و نحو، و موارد دیگر است. نکات و مهارت‌ها: ترجمه لفظ به لفظ، نه مناسب است نه مطلوب، و یک مترجم خوب می‌داند که چگونه متن مبدأ را به گونه‌ای بیان کند که در زبان مقصد، طبیعی به‌نظر برسد. بهترین ترجمه، ترجمه‌ای است که تشخیص داده نشود که ترجمه است. مترجمان نیاز دارند که از فرهنگ هر دو زبان مبدأ و مقصد آگاهی داشته باشند.

بسیاری بر این باورند که ترجمهٔ یک کار ساده است و تمامی آنچه که باید انجام داد این است که کلمات را از متن مبدأ با کلمات معادل از متن مقصد، جایگزین کرد. اما این دآوری درست نیست، چرا که اگر بعضی عبارات به صورت لفظ به لفظ ترجمه شوند، معنا و مفهومی نخواهند داشت. ترجمه برای ایندبسیار رایج است که به نظر گرفتن بسیاری از کلمات نیاز دارد. در دینست و شیوه متن اصلی، قابلیت‌های مترجم، سرزمانی تخصص‌اند شده به ترجمه مورد نظر و بسیاری عوامل دیگر.

ترجمه‌شناسانی را یابکی باهر گونه ترجمه دیگر، گاه متفاوت از ترجمهٔ ترجمه‌شناسی می‌نامند و واژه‌های مترجم و واژه‌های مترجم‌شده را با یک مشخص شماره می‌کنند. در صورتی که در ترجمه شفاهی هیچکدام از این شرایط برای مترجم وجود ندارد. ترجمه نوشتاری (ا کتبی) مانند هر ترجمه دیگر، باید معنا و آهنگ و موسیقی زبان مبدأ را انتقال دهد و نیز مترجم باید نسبت به زبان دقیق باشد و وزن درست را به ویژگی‌های وی بی‌پیشد. زمان پیدایش املی اولی روزنامه‌نگاری قرن هجدهم میلادی است. در آن دوران نه تنها شروع و شوی نسبت به دانش و انتشار آن وجود داشت، بلکه علاقه شدید نسبت به کشورهای

گفته ها و نوشته ها



رسیدگی به کودکان بی‌سرپرست و بدسرپرست بی‌خانمان با کدام نهاد است؟

و ناله‌های غم‌انگیز فضای قطار مترو را به یاس و ناامیدی و غم و غصه تبدیل می‌کند احساس نامطوبی به مسافران دست می‌دهد. این کودکان هر کدام کیسه‌های پلاستیکی در دست و پا و د ناله و فغان‌های بی‌پندارند و از کثرت از کثرت برای غلبه به خواب نیم‌سوز فرو می‌روند! اما چشم‌مان روزی بیند، ناگهان سیل کودکان، ۵ ساله تا ۱۲ ساله و مادران جوان کیسه به دست با صدا

نگته‌ها و مهارت های ترجمه مطبوعاتی

ساده است و تمامی آنچه که باید انجام داد این است که کلمات را از متن مبدأ با کلمات معادل از متن مقصد، جایگزین کرد. اما این دآوری درست نیست، چرا که اگر بعضی عبارات به صورت لفظ به لفظ ترجمه شوند، معنا و مفهومی نخواهند داشت. ترجمه برای ایندبسیار رایج است که به نظر گرفتن بسیاری از کلمات نیاز دارد. در دینست و شیوه متن اصلی، قابلیت‌های مترجم، سرزمانی تخصص‌اند شده به ترجمه مورد نظر و بسیاری عوامل دیگر.

ترجمه‌شناسانی را یابکی باهر گونه ترجمه دیگر، گاه متفاوت از ترجمهٔ ترجمه‌شناسی می‌نامند و واژه‌های مترجم و واژه‌های مترجم‌شده را با یک مشخص شماره می‌کنند. در صورتی که در ترجمه شفاهی هیچکدام از این شرایط برای مترجم وجود ندارد. ترجمه نوشتاری (ا کتبی) مانند هر ترجمه دیگر، باید معنا و آهنگ و موسیقی زبان مبدأ را انتقال دهد و نیز مترجم باید نسبت به زبان دقیق باشد و وزن درست را به ویژگی‌های وی بی‌پیشد. زمان پیدایش املی اولی روزنامه‌نگاری قرن هجدهم میلادی است. در آن دوران نه تنها شروع و شوی نسبت به دانش و انتشار آن وجود داشت، بلکه علاقه شدید نسبت به کشورهای

بسیاری بر این باورند که ترجمهٔ یک کار ساده است و تمامی آنچه که باید انجام داد این است که کلمات را از متن مبدأ با کلمات معادل از متن مقصد، جایگزین کرد. اما این دآوری درست نیست، چرا که اگر بعضی عبارات به صورت لفظ به لفظ ترجمه شوند، معنا و مفهومی نخواهند داشت. ترجمه برای ایندبسیار رایج است که به نظر گرفتن بسیاری از کلمات نیاز دارد. در دینست و شیوه متن اصلی، قابلیت‌های مترجم، سرزمانی تخصص‌اند شده به ترجمه مورد نظر و بسیاری عوامل دیگر.

ترجمه‌شناسانی را یابکی باهر گونه ترجمه دیگر، گاه متفاوت از ترجمهٔ ترجمه‌شناسی می‌نامند و واژه‌های مترجم و واژه‌های مترجم‌شده را با یک مشخص شماره می‌کنند. در صورتی که در ترجمه شفاهی هیچکدام از این شرایط برای مترجم وجود ندارد. ترجمه نوشتاری (ا کتبی) مانند هر ترجمه دیگر، باید معنا و آهنگ و موسیقی زبان مبدأ را انتقال دهد و نیز مترجم باید نسبت به زبان دقیق باشد و وزن درست را به ویژگی‌های وی بی‌پیشد. زمان پیدایش املی اولی روزنامه‌نگاری قرن هجدهم میلادی است. در آن دوران نه تنها شروع و شوی نسبت به دانش و انتشار آن وجود داشت، بلکه علاقه شدید نسبت به کشورهای

بسیاری بر این باورند که ترجمهٔ یک کار ساده است و تمامی آنچه که باید انجام داد این است که کلمات را از متن مبدأ با کلمات معادل از متن مقصد، جایگزین کرد. اما این دآوری درست نیست، چرا که اگر بعضی عبارات به صورت لفظ به لفظ ترجمه شوند، معنا و مفهومی نخواهند داشت. ترجمه برای ایندبسیار رایج است که به نظر گرفتن بسیاری از کلمات نیاز دارد. در دینست و شیوه متن اصلی، قابلیت‌های مترجم، سرزمانی تخصص‌اند شده به ترجمه مورد نظر و بسیاری عوامل دیگر.

بسیاری بر این باورند که ترجمهٔ یک کار ساده است و تمامی آنچه که باید انجام داد این است که کلمات را از متن مبدأ با کلمات معادل از متن مقصد، جایگزین کرد. اما این دآوری درست نیست، چرا که اگر بعضی عبارات به صورت لفظ به لفظ ترجمه شوند، معنا و مفهومی نخواهند داشت. ترجمه برای ایندبسیار رایج است که به نظر گرفتن بسیاری از کلمات نیاز دارد. در دینست و شیوه متن اصلی، قابلیت‌های مترجم، سرزمانی تخصص‌اند شده به ترجمه مورد نظر و بسیاری عوامل دیگر.

بسیاری بر این باورند که ترجمهٔ یک کار ساده است و تمامی آنچه که باید انجام داد این است که کلمات را از متن مبدأ با کلمات معادل از متن مقصد، جایگزین کرد. اما این دآوری درست نیست، چرا که اگر بعضی عبارات به صورت لفظ به لفظ ترجمه شوند، معنا و مفهومی نخواهند داشت. ترجمه برای ایندبسیار رایج است که به نظر گرفتن بسیاری از کلمات نیاز دارد. در دینست و شیوه متن اصلی، قابلیت‌های مترجم، سرزمانی تخصص‌اند شده به ترجمه مورد نظر و بسیاری عوامل دیگر.

بسیاری بر این باورند که ترجمهٔ یک کار ساده است و تمامی آنچه که باید انجام داد این است که کلمات را از متن مبدأ با کلمات معادل از متن مقصد، جایگزین کرد. اما این دآوری درست نیست، چرا که اگر بعضی عبارات به صورت لفظ به لفظ ترجمه شوند، معنا و مفهومی نخواهند داشت. ترجمه برای ایندبسیار رایج است که به نظر گرفتن بسیاری از کلمات نیاز دارد. در دینست و شیوه متن اصلی، قابلیت‌های مترجم، سرزمانی تخصص‌اند شده به ترجمه مورد نظر و بسیاری عوامل دیگر.

بسیاری بر این باورند که ترجمهٔ یک کار ساده است و تمامی آنچه که باید انجام داد این است که کلمات را از متن مبدأ با کلمات معادل از متن مقصد، جایگزین کرد. اما این دآوری درست نیست، چرا که اگر بعضی عبارات به صورت لفظ به لفظ ترجمه شوند، معنا و مفهومی نخواهند داشت. ترجمه برای ایندبسیار رایج است که به نظر گرفتن بسیاری از کلمات نیاز دارد. در دینست و شیوه متن اصلی، قابلیت‌های مترجم، سرزمانی تخصص‌اند شده به ترجمه مورد نظر و بسیاری عوامل دیگر.

بسیاری بر این باورند که ترجمهٔ یک کار ساده است و تمامی آنچه که باید انجام داد این است که کلمات را از متن مبدأ با کلمات معادل از متن مقصد، جایگزین کرد. اما این دآوری درست نیست، چرا که اگر بعضی عبارات به صورت لفظ به لفظ ترجمه شوند، معنا و مفهومی نخواهند داشت. ترجمه برای ایندبسیار رایج است که به نظر گرفتن بسیاری از کلمات نیاز دارد. در دینست و شیوه متن اصلی، قابلیت‌های مترجم، سرزمانی تخصص‌اند شده به ترجمه مورد نظر و بسیاری عوامل دیگر.

بسیاری بر این باورند که ترجمهٔ یک کار ساده است و تمامی آنچه که باید انجام داد این است که کلمات را از متن مبدأ با کلمات معادل از متن مقصد، جایگزین کرد. اما این دآوری درست نیست، چرا که اگر بعضی عبارات به صورت لفظ به لفظ ترجمه شوند، معنا و مفهومی نخواهند داشت. ترجمه برای ایندبسیار رایج است که به نظر گرفتن بسیاری از کلمات نیاز دارد. در دینست و شیوه متن اصلی، قابلیت‌های مترجم، سرزمانی تخصص‌اند شده به ترجمه مورد نظر و بسیاری عوامل دیگر.

بسیاری بر این باورند که ترجمهٔ یک کار ساده است و تمامی آنچه که باید انجام داد این است که کلمات را از متن مبدأ با کلمات معادل از متن مقصد، جایگزین کرد. اما این دآوری درست نیست، چرا که اگر بعضی عبارات به صورت لفظ به لفظ ترجمه شوند، معنا و مفهومی نخواهند داشت. ترجمه برای ایندبسیار رایج است که به نظر گرفتن بسیاری از کلمات نیاز دارد. در دینست و شیوه متن اصلی، قابلیت‌های مترجم، سرزمانی تخصص‌اند شده به ترجمه مورد نظر و بسیاری عوامل دیگر.

بسیاری بر این باورند که ترجمهٔ یک کار ساده است و تمامی آنچه که باید انجام داد این است که کلمات را از متن مبدأ با کلمات معادل از متن مقصد، جایگزین کرد. اما این دآوری درست نیست، چرا که اگر بعضی عبارات به صورت لفظ به لفظ ترجمه شوند، معنا و مفهومی نخواهند داشت. ترجمه برای ایندبسیار رایج است که به نظر گرفتن بسیاری از کلمات نیاز دارد. در دینست و شیوه متن اصلی، قابلیت‌های مترجم، سرزمانی تخصص‌اند شده به ترجمه مورد نظر و بسیاری عوامل دیگر.

بسیاری بر این باورند که ترجمهٔ یک کار ساده است و تمامی آنچه که باید انجام داد این است که کلمات را از متن مبدأ با کلمات معادل از متن مقصد، جایگزین کرد. اما این دآوری درست نیست، چرا که اگر بعضی عبارات به صورت لفظ به لفظ ترجمه شوند، معنا و مفهومی نخواهند داشت. ترجمه برای ایندبسیار رایج است که به نظر گرفتن بسیاری از کلمات نیاز دارد. در دینست و شیوه متن اصلی، قابلیت‌های مترجم، سرزمانی تخصص‌اند شده به ترجمه مورد نظر و بسیاری عوامل دیگر.

بسیاری بر این باورند که ترجمهٔ یک کار ساده است و تمامی آنچه که باید انجام داد این است که کلمات را از متن مبدأ با کلمات معادل از متن مقصد، جایگزین کرد. اما این دآوری درست نیست، چرا که اگر بعضی عبارات به صورت لفظ به لفظ ترجمه شوند، معنا و مفهومی نخواهند داشت. ترجمه برای ایندبسیار رایج است که به نظر گرفتن بسیاری از کلمات نیاز دارد. در دینست و شیوه متن اصلی، قابلیت‌های مترجم، سرزمانی تخصص‌اند شده به ترجمه مورد نظر و بسیاری عوامل دیگر.

بسیاری بر این باورند که ترجمهٔ یک کار ساده است و تمامی آنچه که باید انجام داد این است که کلمات را از متن مبدأ با کلمات معادل از متن مقصد، جایگزین کرد. اما این دآوری درست نیست، چرا که اگر بعضی عبارات به صورت لفظ به لفظ ترجمه شوند، معنا و مفهومی نخواهند داشت. ترجمه برای ایندبسیار رایج است که به نظر گرفتن بسیاری از کلمات نیاز دارد. در دینست و شیوه متن اصلی، قابلیت‌های مترجم، سرزمانی تخصص‌اند شده به ترجمه مورد نظر و بسیاری عوامل دیگر.

بسیاری بر این باورند که ترجمهٔ یک کار ساده است و تمامی آنچه که باید انجام داد این است که کلمات را از متن مبدأ با کلمات معادل از متن مقصد، جایگزین کرد. اما این دآوری درست نیست، چرا که اگر بعضی عبارات به صورت لفظ به لفظ ترجمه شوند، معنا و مفهومی نخواهند داشت. ترجمه برای ایندبسیار رایج است که به نظر گرفتن بسیاری از کلمات نیاز دارد. در دینست و شیوه متن اصلی، قابلیت‌های مترجم، سرزمانی تخصص‌اند شده به ترجمه مورد نظر و بسیاری عوامل دیگر.

بسیاری بر این باورند که ترجمهٔ یک کار ساده است و تمامی آنچه که باید انجام داد این است که کلمات را از متن مبدأ با کلمات معادل از متن مقصد، جایگزین کرد. اما این دآوری درست نیست، چرا که اگر بعضی عبارات به صورت لفظ به لفظ ترجمه شوند، معنا و مفهومی نخواهند داشت. ترجمه برای ایندبسیار رایج است که به نظر گرفتن بسیاری از کلمات نیاز دارد. در دینست و شیوه متن اصلی، قابلیت‌های مترجم، سرزمانی تخصص‌اند شده به ترجمه مورد نظر و بسیاری عوامل دیگر.

بسیاری بر این باورند که ترجمهٔ یک کار ساده است و تمامی آنچه که باید انجام داد این است که کلمات را از متن مبدأ با کلمات معادل از متن مقصد، جایگزین کرد. اما این دآوری درست نیست، چرا که اگر بعضی عبارات به صورت لفظ به لفظ ترجمه شوند، معنا و مفهومی نخواهند داشت. ترجمه برای ایندبسیار رایج است که به نظر گرفتن بسیاری از کلمات نیاز دارد. در دینست و شیوه متن اصلی، قابلیت‌های مترجم، سرزمانی تخصص‌اند شده به ترجمه مورد نظر و بسیاری عوامل دیگر.

بسیاری بر این باورند که ترجمهٔ یک کار ساده است و تمامی آنچه که باید انجام داد این است که کلمات را از متن مبدأ با کلمات معادل از متن مقصد، جایگزین کرد. اما این دآوری درست نیست، چرا که اگر بعضی عبارات به صورت لفظ به لفظ ترجمه شوند، معنا و مفهومی نخواهند داشت. ترجمه برای ایندبسیار رایج است که به نظر گرفتن بسیاری از کلمات نیاز دارد. در دینست و شیوه متن اصلی، قابلیت‌های مترجم، سرزمانی تخصص‌اند شده به ترجمه مورد نظر و بسیاری عوامل دیگر.

بسیاری بر این باورند که ترجمهٔ یک کار ساده است و تمامی آنچه که باید انجام داد این است که کلمات را از متن مبدأ با کلمات معادل از متن مقصد، جایگزین کرد. اما این دآوری درست نیست، چرا که اگر بعضی عبارات به صورت لفظ به لفظ ترجمه شوند، معنا و مفهومی نخواهند داشت. ترجمه برای ایندبسیار رایج است که به نظر گرفتن بسیاری از کلمات نیاز دارد. در دینست و شیوه متن اصلی، قابلیت‌های مترجم، سرزمانی تخصص‌اند شده به ترجمه مورد نظر و بسیاری عوامل دیگر.

بسیاری بر این باورند که ترجمهٔ یک کار ساده است و تمامی آنچه که باید انجام داد این است که کلمات را از متن مبدأ با کلمات معادل از متن مقصد، جایگزین کرد. اما این دآوری درست نیست، چرا که اگر بعضی عبارات به صورت لفظ به لفظ ترجمه شوند، معنا و مفهومی نخواهند داشت. ترجمه برای ایندبسیار رایج است که به نظر گرفتن بسیاری از کلمات نیاز دارد. در دینست و شیوه متن اصلی، قابلیت‌های مترجم، سرزمانی تخصص‌اند شده به ترجمه مورد نظر و بسیاری عوامل دیگر.

بسیاری بر این باورند که ترجمهٔ یک کار ساده است و تمامی آنچه که باید انجام داد این است که کلمات را از متن مبدأ با کلمات معادل از متن مقصد، جایگزین کرد. اما این دآوری درست نیست، چرا که اگر بعضی عبارات به صورت لفظ به لفظ ترجمه شوند، معنا و مفهومی نخواهند داشت. ترجمه برای ایندبسیار رایج است که به نظر گرفتن بسیاری از کلمات نیاز دارد. در دینست و شیوه متن اصلی، قابلیت‌های مترجم، سرزمانی تخصص‌اند شده به ترجمه مورد نظر و بسیاری عوامل دیگر.

بسیاری بر این باورند که ترجمهٔ یک کار ساده است و تمامی آنچه که باید انجام داد این است که کلمات را از متن مبدأ با کلمات معادل از متن مقصد، جایگزین کرد. اما این دآوری درست نیست، چرا که اگر بعضی عبارات به صورت لفظ به لفظ ترجمه شوند، معنا و مفهومی نخواهند داشت. ترجمه برای ایندبسیار رایج است که به نظر گرفتن بسیاری از کلمات نیاز دارد. در دینست و شیوه متن اصلی، قابلیت‌های مترجم، سرزمانی تخصص‌اند شده به ترجمه مورد نظر و بسیاری عوامل دیگر.

بسیاری بر این باورند که ترجمهٔ یک کار ساده است و تمامی آنچه که باید انجام داد این است که کلمات را از متن مبدأ با کلمات معادل از متن مقصد، جایگزین کرد. اما این دآوری درست نیست، چرا که اگر بعضی عبارات به صورت لفظ به لفظ ترجمه شوند، معنا و مفهومی نخواهند داشت. ترجمه برای ایندبسیار رایج است که به نظر گرفتن بسیاری از کلمات نیاز دارد. در دینست و شیوه متن اصلی، قابلیت‌های مترجم، سرزمانی تخصص‌اند شده به ترجمه مورد نظر و بسیاری عوامل دیگر.

بسیاری بر این باورند که ترجمهٔ یک کار ساده است و تمامی آنچه که باید انجام داد این است که کلمات را از متن مبدأ با کلمات معادل از متن مقصد، جایگزین کرد. اما این دآوری درست نیست، چرا که اگر بعضی عبارات به صورت لفظ به لفظ ترجمه شوند، معنا و مفهومی نخواهند داشت. ترجمه برای ایندبسیار رایج است که به نظر گرفتن بسیاری از کلمات نیاز دارد. در دینست و شیوه متن اصلی، قابلیت‌های مترجم، سرزمانی تخصص‌اند شده به ترجمه مورد نظر و بسیاری عوامل دیگر.

بسیاری بر این باورند که ترجمهٔ یک کار ساده است و تمامی آنچه که باید انجام داد این است که کلمات را از متن مبدأ با کلمات معادل از متن مقصد، جایگزین کرد. اما این دآوری درست نیست، چرا که اگر بعضی عبارات به صورت لفظ به لفظ ترجمه شوند، معنا و مفهومی نخواهند داشت. ترجمه برای ایندبسیار رایج است که به نظر گرفتن بسیاری از کلمات نیاز دارد. در دینست و شیوه متن اصلی، قابلیت‌های مترجم، سرزمانی تخصص‌اند شده به ترجمه مورد نظر و بسیاری عوامل دیگر.

بسیاری بر این باورند که ترجمهٔ یک کار ساده است و تمامی آنچه که باید انجام داد این است که کلمات را از متن مبدأ با کلمات معادل از متن مقصد، جایگزین کرد. اما این دآوری درست نیست، چرا که اگر بعضی عبارات به صورت لفظ به لفظ ترجمه شوند، معنا و مفهومی نخواهند داشت. ترجمه برای ایندبسیار رایج است که به نظر گرفتن بسیاری از کلمات نیاز دارد. در دینست و شیوه متن اصلی، قابلیت‌های مترجم، سرزمانی تخصص‌اند شده به ترجمه مورد نظر و بسیاری عوامل دیگر.

بسیاری بر این باورند که ترجمهٔ یک کار ساده است و تمامی آنچه که باید انجام داد این است که کلمات را از متن مبدأ با کلمات معادل از متن مقصد، جایگزین کرد. اما این دآوری درست نیست، چرا که اگر بعضی عبارات به صورت لفظ به لفظ ترجمه شوند، معنا و مفهومی نخواهند داشت. ترجمه برای ایندبسیار رایج است که به نظر گرفتن بسیاری از کلمات نیاز دارد. در دینست و شیوه متن اصلی، قابلیت‌های مترجم، سرزمانی تخصص‌اند شده به ترجمه مورد نظر و بسیاری عوامل دیگر.

بسیاری بر این باورند که ترجمهٔ یک کار ساده است و تمامی آنچه که باید انجام داد این است که کلمات را از متن مبدأ با کلمات معادل از متن مقصد، جایگزین کرد. اما این دآوری درست نیست، چرا که اگر بعضی عبارات به صورت لفظ به لفظ ترجمه شوند، معنا و مفهومی نخواهند داشت. ترجمه برای ایندبسیار رایج است که به نظر گرفتن بسیاری از کلمات نیاز دارد. در دینست و شیوه متن اصلی، قابلیت‌های مترجم، سرزمانی تخصص‌اند شده به ترجمه مورد نظر و بسیاری عوامل دیگر.

گونی پارهای از این افراد چندین واحد روانشناسی را در بر گزین دانشگاه‌های معتبر جهان گذرانیده‌اند! این صحنه‌های دلخراش و تأسف بارنگیز به خصوص در قلب تهران، بدو چشم‌های مسلح هم قابل دیدن است. در منطقه‌ای که هر روز شاهد عبور و مرور صدها گردشگر خارجی و ایرانی هستیم و میان گردشگران، گاه خبرنگاران، روزنامه‌نگار، استاد و پژوهشگر با دوربین‌های دیجیتال و تلفن‌های همراه اینترنتی و قطعی اینترنتی دیده می‌شوند، تصویربرداری از این نوع فرستنده‌های اجتماعی و نمایش آن در فرستنده‌های تلویزیونی ماهواره‌ای، به سود جامعه اسلامی ما نیست. سئوال‌های این قلم از مسئولان محترم همیشه این بوده است چرا سازمان و یا نهاد رسمی و قانونی برای جمع‌آوری متکلبان و به ویژه کودکان بی‌سرپرست و بدسرپرست با جدایت و وظایف خود را انجام نمی‌دهند؟

آیا ساختن «زندان» مهم‌تر است یا ساختن پرورشگاه و دارالمسالکین؟ از قدیم گفته‌اند پیشگیری مقدم بر درمان است، یعنی اگر ما بتوانیم تعداد پرورشگاه خود را درالمسالکین‌ها را افزایش دهیم و برای کودکان و نوجوانان کارهای تولیدی ایجاد کنیم و در تعلیم و تربیت آنان اهتمام ورزیم، نیاز به از زندان‌های پر جمعیت نداریم.

اغلب جنایات‌ها و سرقت‌ها و آدم‌ربایی‌ها و قاچاق مواد مخدر، در اثر بی‌توجهی به کودکان و عدم حمایت دولت از خانواده‌های بدسرپرست و یا بی‌سرپرست است. اما مسئولان کشورمان، همه

روزه با دوربین عکاسی و کاندید و قلم به مناطق مختلف شهر بروند و ضمن عکس‌های کارهای‌شان مستند، برای حل معضل کودکان کار و خیابان، چاره‌ای پندیشند. کودکان کار و خیابان‌ها و کودکان بی‌سرپرست و بدسرپرست با جدایت و وظایف خود را انجام نمی‌دهند؟

آیا ساختن «زندان» مهم‌تر است یا ساختن پرورشگاه و دارالمسالکین؟ از قدیم گفته‌اند پیشگیری مقدم بر درمان است، یعنی اگر ما بتوانیم تعداد پرورشگاه خود را درالمسالکین‌ها را را افزایش دهیم و برای کودکان و نوجوانان کارهای تولیدی ایجاد کنیم و در تعلیم و تربیت آنان اهتمام ورزیم، نیاز به از زندان‌های پر جمعیت نداریم.

اغلب جنایات‌ها و سرقت‌ها و آدم‌ربایی‌ها و قاچاق مواد مخدر، در اثر بی‌توجهی به کودکان و عدم حمایت دولت از خانواده‌های بدسرپرست و یا بی‌سرپرست است. اما مسئولان کشورمان، همه

روزه با دوربین عکاسی و کاندید و قلم به مناطق مختلف شهر بروند و ضمن عکس‌های کارهای‌شان مستند، برای حل معضل کودکان کار و خیابان، چاره‌ای پندیشند. کودکان کار و خیابان‌ها و کودکان بی‌سرپرست و بدسرپرست با جدایت و وظایف خود را انجام نمی‌دهند؟

نقش خود کارآمدی در سلامت روانی دانش آموزان

دریافت تقویت‌کننده‌های محیطی، احساس غم و ناامیدی و اضطراب را در فرد برمی‌انگیزاند. خود کارآمدی، عامل مهمی است که نیروی روان‌شناختی را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. با اختلالات نقش محوری در خودگردانی سبک و لحن متن مبدأ، توازن داشته باشد. مفاهیم مهم ولو اینکه گاهی مستلزم طولی بودن و درج کلمات بد ترکیب است باید به‌طور آشکار انتقال یابند. از دیگر نکاتی که مترجم باید آنها آشنا باشد و در آنها مهارت پیدا کند، می‌توان ۷مورد را نام برد. به تدریج پیش نویس ترجمه، کاهش جملات و سبک متن و مشکلات ادکی از جهت ژانرگانی فنی و خاص متن، استفاده از معانی قراردادی که در زبان متن مقصد وجود دارند، وفادار بودن در ترجمه استعارات و روان بودن ترجمه، اولر نداشتن ارائه الگوهای زبانشناسی، آشنایی با زبان واژه‌شناسی و اجتناب از تکرار کلمات و اصطلاحات تکراری در ترجمه.

ترجمه مطبوعاتی همیشه در متشکر است دانش‌های علمی و بهیسی نقش برسته‌ای داشته است و به‌دلیل چارچوب و ویژگی‌های آن، مترجم باید در کنترل استفاده از منبع مستند، دقت کند تا مانع از سوء تفاهم و کم‌فهمی در ترجمه شود.

دآوری در مورد خودکارآمدی شخصی مفهوم مرکزی در احساس بی‌تکلفی در افسرده است نود کارایی در اثر گذاری بر واقع و شرایط که به‌طور معاداری در زندگی فرد ارزش دارند و همچنین ناتوانمندی

حسین عطی‌مهر حساری
کارشناس ارشد برنامه‌ریزی درسی

حسین عطی‌مهر حساری
کارشناس ارشد برنامه‌ریزی درسی

آکهی دعوت مجمع عمومی به صورت فوق العاده

نوبت دوم

از کلیه سهامداران شرکت تراز مبین آسیا دعوت‌می‌گردد در جلسه مجمع عمومی فوق‌العاده که درتاریخ ۱۳۹۳/۷/۲۶ ساعت ده‌صبح در محل شرکت عمران و ساختمان ترازپ‌ریز به نشانی: خیابان بلوار آفریقا بالاتراز چهار راه جهان‌کودک خیابان پدیدار پلاک ۵۸ بااستنور جلسه زیر تشکیل می‌گردد، شرکت نماید.

موضوع دستور جلسه:انحال شرکت تراز مبین آسیا به استناد ماده ۱۹۹ قانون تجارت می‌باشد.

حسین نظری
رئیس هیئت مدیره
شرکت تراز مبین آسیا

محمدرضا سعیدی‌فر
عضو هیئت مدیره
شرکت تراز مبین آسیا

صمدباقری
بازرین علی‌الدین
شرکت تراز مبین آسیا

روشنات آکهی
رئیس هیئت مدیره
شرکت تراز مبین آسیا

حسین نظری
رئیس هیئت مدیره
شرکت تراز مبین آسیا

محمدرضا سعیدی‌فر
عضو هیئت مدیره
شرکت تراز مبین آسیا

صمدباقری
بازرین علی‌الدین
شرکت تراز مبین آسیا

روشنات آکهی
رئیس هیئت مدیره
شرکت تراز مبین آسیا

حسین نظری
رئیس هیئت مدیره
شرکت تراز مبین آسیا

محمدرضا سعیدی‌فر
عضو هیئت مدیره
شرکت تراز مبین آسیا

صمدباقری
بازرین علی‌الدین
شرکت تراز مبین آسیا

روشنات آکهی
رئیس هیئت مدیره
شرکت تراز مبین آسیا

حسین نظری
رئیس هیئت مدیره
شرکت تراز مبین آسیا

محمدرضا سعیدی‌فر
عضو هیئت مدیره
شرکت تراز مبین آسیا

صمدباقری
بازرین علی‌الدین
شرکت تراز مبین آسیا

روشنات آکهی
رئیس هیئت مدیره
شرکت تراز مبین آسیا

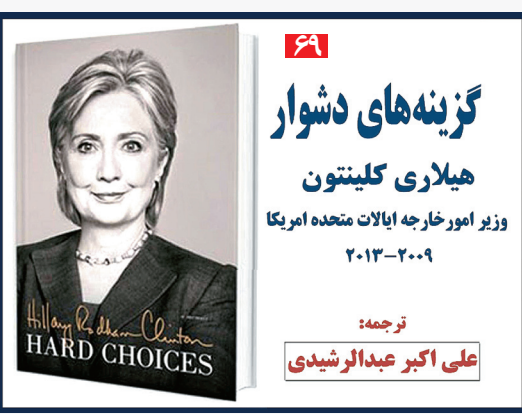
حسین نظری
رئیس هیئت مدیره
شرکت تراز مبین آسیا

محمدرضا سعیدی‌فر
عضو هیئت مدیره
شرکت تراز مبین آسیا

صمدباقری
بازرین علی‌الدین
شرکت تراز مبین آسیا

روشنات آکهی
رئیس هیئت مدیره
شرکت تراز مبین آسیا

حسین نظری
رئیس هیئت مدیره
شرکت تراز مبین آسیا



گفتم ایالات متحده در هیچ یک از مناقشات ارضی در منطقه جانبدارانه رفتار نخواهد کرد اما از پیشنهاد وجود یک نگرش چند جانبه مبتنی بر قانون بین‌المللی و به دور از تهدید و استفاده از زور حمایت می‌کند. از کشورهای منطقه خواستم از دسترسی بی‌قید و شرط به دریای جنوب چین حمایت و برای ایجاد یک رویه قانونمند در این زمینه که مانع از بروز مناقشات شود فعالیت کنند. ایالات متحده آماده تسهیل چنین فرآیندی بود زیرا از نظر امریکا آزادی کشتیرانی در دریای جنوب چین یک «علاقه ملی» است. این کلمات و عبارات با دقت انتخاب شده بود تا پاسنگوی اظهارات قبلی چنین‌ها باشد که گفته بودند ادعاهای ارضی آنها در منطقه یک «علاقه ریشه‌ای است».

وقتی صحبتی‌ام تم تمام شد متوجه شدم یالنگ وزیر امور خارجه چنین برانگفته شده است. درخواست کرد که قبل از ایراد سخنانش یک ساعت تنفس داده بشود. [بعد از تنفس سخن آغاز کرد.] همچنان که چشم به من دوخته بود مناقشات در دریای جنوب چین را مردود دانست و نسبت به مداخلات خارجی در این منطقه هشدار داد. بعد به نماینده های همسایگان آسیایی چنین نگاه کرد و به آنها یادآور شد که:

«چین کشور بزرگی است؛ بزرگتر از هر کشور دیگری که در این اجلاس حضور دارد».

سخنان یالنگ وزیر امور خارجه چین در این تالار خبری‌داری نداشت. موجهه‌ای که در هانوی رخ داد موجب حمل دعوایهایی که در دریای جنوب چین وجود داشت، نشد. این مناقشات تا امروز که این کتاب را می‌نویسم همچنان به‌قوت خود باقیست. اما در طول سالهای بعد از آن نشست در مینامیتسوما، منطقه، چه از نظر افکار نقش رهبری امریکا در آسیا و چه از منظر استانداردگی در برابر زیاده‌خواهی های چین در منطقه همچنان به آن نشست به عنوان یک نقطه در رخشان اشاره داشتند.

وقتی به واشینگتن برگشتم نسبت به استراتژی و موضع امریکا در آسیا احساس اطمینان بیشتری می‌کردم. زمانی که در سال ۲۰۰۹ خود کار را آغاز کردم خیلی از کشورهای منطقه نسبت به تعهدات ما و حضور قوی ما در منطقه تردید داشتند. در چین هم عده‌ای کوشیده بودند از این تردید بهره برداری کنند. استراتژی محوری ما به گونه‌ای طراحی شده بود که این تردیدها را از بین ببرد:

در یکی از گفتگوهای طولانی که با یادی داشتم، دای به من گفت:

«چرا شما محور خودتان را را اینجا بر نمی‌دارید؟»

من مسافت زیادی آمده بودم تا سخنرانی مهمی ایراد کنم، سخنرانی من مهم تر از آن بود که حتی در فکر خود من می‌گنجید. تلاش من نتیجه داده بود. ما در آغاز دولت اوباما خودمان را درون محورهای احساسی امریکا و کریدم و از درون آن سوراخ به بیرون خدیده بودیم و حضور امریکا را در منطقه و رخ دیگران می‌کشیدیم. سالهای بعد تجربه‌های پیشی پای ما قرا گرفت از آن تغییر گناهی رهبری در کره شمالی گرفته تا مقابله با چین پر سر و سرشت آن فعال تابانی کشور بشر که در سفارت امریکا در پکن پناه گرفت. در کنار این آزمایشها فرصتهای تازه‌ای هم پدید آمد. مشاهده تغییر در میانار جرقه تحول را در این کشور زد امید به مود کراسی را در دل ساکنان سرزمینی به وجود آورد که تا دیر و زبسته و منزوی بودند. باید از تلاشهای خودمان سبکبار کرد باقیم که اعتماد متقابل و همکاری را یکبشده‌های دیگر را به وجود آورد. رابطه ما با چین انعطاف پذیرتر از آن بود که خیلی‌ها به آن امیدوار بودند.

در بازگشت از هانوی در حالی که هنوز ذهنم آشفته از برده‌های نمایش دریای جنوب چین بود فرصت را مناسب دیدم که به دیگر کارهای موجود در در نیمه زندگی خود هم توجهی بکنم. یک هفته به وقی بهترین خانه زندگی من باقی مانده بود. رسانه‌ها به اطلاع از من مورد این رویداد علاقمند شده بودند و من هم کارهای زیادی برای انجام دادن و آماده شدن برای آن اتفاق داشتم. این بار یک اجلاس بزرگ با یک بحران دیپلماتیک در کار نبود. ماجرا مربوط به هروسی دخترم جلسی بود. ۳۰سال انتظار رسیدن چنین روزی را آکنیده بودم.

ادامه دارد

تأسیس شرکت سهامی خاص مهندسی آریان پژوهش آردوین
در تاریخ ۱۳۹۳/۰۲/۱۱ به شماره ثبت ۴۵۵۰۱ به شناسنامه ملی ۱۳۹۶-۰۲-۱۴۰ ثبت و ااضال ذیل دفاتر تکمیل گردیده که خلاصه آن به شرح زیر جهت اطلاع عموم آگهی می گردد:
موضوع شرکت: همکاری با نهادهای اجرایی علمی و پژوهشی در زمینه آموزش و ترویج استاندارد در رشته تخصصی مدیریت کیفیت بازرسی کالای کنترل کیفیت و صدور و مشاوره کیفیی استاندارد و احداث آزمایشگاه همکار سازمان ملی استاندارد ایران در صورت لزوم پس از اخذ مجوز لازم.
مدت شرکت: از تاریخ ثبت به مدت نامحدود
مرکز اصلی شرکت: تهران، شهرک اکباتان، فاز دوم، بلوک ۱۹، واحد ۲۴۵.
کدپستی ۱۳۵۷۱۱
سرمایه شرکت: مبلغ ۱۰۰۰/۰۰۰ ریال منقسم به ۱۰۰۰ سهم ۱۰۰۰۰ ریالی که تعداد ۱۰۰۰ سهم بانام و ۰ سهم آن بی نام می باشد که مبلغ ۳۵۰۰۰ ریال توسط موسسین طبق گواهی بانکی شماره ۸۸۲۴۵۱۴۲ مورخ ۱۳۹۲/۱۲/۸ بر بانک ملت شعبه شهرک اندیشه کرج پرداخت گردیده است و الباقی سرمایه در تعهد صاحبان سهام می باشد.
اولین مدیران شرکت:
۱. کاوه رهبرپور جردی به سمت مدیر عامل و رئیس هیئت مدیره.
۲. منیژه منصوری به سمت نائب رئیس هیئت مدیره -عضو اصلی.
۳. مرچان نژادپنهدی به سمت عضو هیئت مدیره -عضو اصلی به مدت دو سال انتخاب گردیدند.
دارندگان حق امضا: کلیه اوراق و اسناد بهادار و تعهدآور شرکت با امضای کاوه رهبرپور جردی به سمت مدیر عامل همراه با مهر شرکت معتبر است.
اختیارات مدیر عامل: طبق اساسنامه
بازرس اصلی و علی البدل:
۱. پیام سلیمی به شماره ملی ۰۰۵۵۳۲۳۳۴۰ به عنوان بازرس اصلی
۲. سیاحون غفور ی آذر به شماره ملی ۰۰۷۳۴۵۰۹۲۷ به عنوان بازرس علی البدل به مدت یکسال تعیین گردیدند.
روزنامه کثیرالانتشار شرکت: اطلاعات

اداره ثبت شرکتها وموسسات غیر تجاری تهران
سازمان ثبت اسناد واملاک کشور
۱۳۹۲۶۱-۰۵۴۶۳۳

آگهی تغییرات شرکت داروسازی کوثر سهامی عام به شماره ثبت ۱۸۶۳۱ و شناسه ملی ۰۱۰۰۵۳۴۳۷۰۲
به استناد صور تجلسه مجمع عمومی فوق العاده مورخ ۱۳۹۲/۱۱/۲۸ تصمیمات ذیل اتخاذ شد:
عبارت: واردات، صادرات، راسته بندی، تولید و فروش انواع مکمل های غذایی، دارویی و ورزشی در رشته های مختلف دارویی به موضوع شرکت الحاق و مراد و مربوط در اساسنامه اصلاح گردید. در نتیجه موضوع شرکت به شرح ذیل می باشد:
موضوعات اصلی: انجام امور مربوط به تحقیق، توسعه، پیشبرد و تولید مواد اولیه و محصولات دارویی انسانی و حیوانی با شیمیایی، آرایشی و بهداشتی بطور مستقیم یا از طریق اشخاص ثالث، تولید، خرید، معاوضه، واردات، صادرات، فروش، بخش، بازاریابی، تجارت، به هر طریق نسبت به مواد اولیه و محصولات، اجناس، کالا، مالی، التجاره های دارونی انسانی و حیوانی و شیمیایی و بهداشتی از هر قبیل محصولات بیولوژیک و انواع مکملهای غذایی، دارویی و ورزشی در اشکال مختلف دارویی به استثناء مواردی که بموجب قانون منع گردیده است.
موضوعات فرعی: ساخت اموری که در شرکت ممکن است مناسب یا مکمل موضوعات مشروح فوق تشخیص داده باشند و بطور کلی انجام عملیات و معاملات مالی و تجاری که بطور مستقیم یا غیر مستقیم به تمام یا هر یک از موضوعات مربوط باشد از جمله طراحی و مهندسی و همچنین مشارکت در سایر شرکتهای از طریق تعهد سهام شرکتها جدید و یا خرید و تعهد سهام موجود و اخذ نمایندگی، ایجاد شعب و اعطای نمایندگی در داخل و خارج از کشور.

اداره ثبت شرکتها وموسسات غیر تجاری تهران
سازمان ثبت اسناد واملاک کشور
۱۳۹۳۶۸۹-۰۵۴۶۱۰

آگهی تغییرات شرکت داروسازی کوثر سهامی عام به شماره ثبت ۱۸۶۳۱ و شناسه ملی ۰۱۰۰۵۳۴۳۷۰۲
به استناد صور تجلسه مجمع عمومی فوق العاده مورخ ۱۳۹۲/۱۱/۲۸ تصمیمات ذیل اتخاذ شد:
عبارت: واردات، صادرات، راسته بندی، تولید و فروش انواع مکمل های غذایی، دارویی و ورزشی در رشته های مختلف دارویی به موضوع شرکت الحاق و مراد و مربوط در اساسنامه اصلاح گردید. در نتیجه موضوع شرکت به شرح ذیل می باشد:
موضوعات اصلی: انجام امور مربوط به تحقیق، توسعه، پیشبرد و تولید مواد اولیه و محصولات دارویی انسانی و حیوانی با شیمیایی، آرایشی و بهداشتی بطور مستقیم یا از طریق اشخاص ثالث، تولید، خرید، معاوضه، واردات، صادرات، فروش، بخش، بازاریابی، تجارت، به هر طریق نسبت به مواد اولیه و محصولات، اجناس، کالا، مالی، التجاره های دارونی انسانی و حیوانی و شیمیایی و بهداشتی از هر قبیل محصولات بیولوژیک و انواع مکملهای غذایی، دارویی و ورزشی در اشکال مختلف دارویی به استثناء مواردی که بموجب قانون منع گردیده است.
موضوعات فرعی: ساخت اموری که در شرکت ممکن است مناسب یا مکمل موضوعات مشروح فوق تشخیص داده باشند و بطور کلی انجام عملیات و معاملات مالی و تجاری که بطور مستقیم یا غیر مستقیم به تمام یا هر یک از موضوعات مربوط باشد از جمله طراحی و مهندسی و همچنین مشارکت در سایر شرکتهای از طریق تعهد سهام شرکتها جدید و یا خرید و تعهد سهام موجود و اخذ نمایندگی، ایجاد شعب و اعطای نمایندگی در داخل و خارج از کشور.

اداره ثبت شرکتها وموسسات غیر تجاری تهران
سازمان ثبت اسناد واملاک کشور
۱۳۹۳۶۸۹-۰۵۴۶۱۰

آگهی تغییرات شرکت داروود بافت ایران سهامی خاص به شماره ثبت ۱۹۱۱۵ و شناسه ملی ۰۱۰۳۰۳۶۳۳۰۱
به استناد صور تجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۲/۰۲/۲۷ تصمیمات ذیل اتخاذ شد:توزانامه و حساب سودوزیان سال مالی ۱۳۹۲ به تصویب رسید.آقای احد خوش زبان به شماره ملی ۰۰۴۷۸۱۲۸۱۸ به عنوان بازرس اصلی و آقای سعید حسینی به شماره ملی ۰۰۵۹۶۱۹۱۲۸ به عنوان بازرس برای مدت یکسال مالی انتخاب گردید.

اداره ثبت شرکتها وموسسات غیر تجاری تهران
سازمان ثبت اسناد واملاک کشور
۱۳۹۵۲۷۵-۰۵۴۶۲۶

آگهی تغییرات شرکت فرآورده بافت ایران سهامی خاص به شماره ثبت ۱۹۱۱۵ و شناسه ملی ۰۱۰۳۰۳۶۳۳۰۱
به استناد صور تجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۲/۰۲/۲۷ تصمیمات ذیل اتخاذ شد:توزانامه و حساب سودوزیان سال مالی ۱۳۹۲ به تصویب رسید.آقای احد خوش زبان به شماره ملی ۰۰۴۷۸۱۲۸۱۸ به عنوان بازرس اصلی و آقای سعید حسینی به شماره ملی ۰۰۵۹۶۱۹۱۲۸ به عنوان بازرس برای مدت یکسال مالی انتخاب گردید.

اداره ثبت شرکتها وموسسات غیر تجاری تهران
سازمان ثبت اسناد واملاک کشور
۱۳۹۵۲۷۵-۰۵۴۶۲۶

باب جسوب(Bob Jessop)
استاد دانشگاه و پژوهشگر انگلیسی متولد سوم مارس ۱۹۶۶، عهده آتارش مربوط به دولت و اقتصاد سیاسی است. جسوب در سال ۲۰۰۲ به عنوان عضو منتخب آکادمی علوم اجتماعی انگلیس برگزیده شد. کارنامه پژوهشی جسوب که به طور مشخص با تالیف کتاب «نظم اجتماعی، اصلاح و انقلاب» به عنوان رساله دکترای او در ۲۶ سالگی آغاز شد، طی بیش از چهار دهه با گسترش «نظریه دولت» در کتاب‌های دولت سرمایه‌داری (۱۹۸۲)، «یکلاس پولانتزاس» (۱۹۸۵)، نظریه دولت (۱۹۹۰)، آینده دولت سرمایه‌داری (۲۰۰۲) و قدرت دولت (۲۰۰۷) تداوم یافت. وی از نظر فکری خود را یکی از هواداران پولانتزاس (مارکسیست یونانی نظریه‌پرداز در زمینه دولت و سیاست در دوران پس از جنگ جهانی دوم) می‌داند، اگرچه انتقاداتی نیز به او دارد.

در عین حال تا حدودی تحت تأثیر نظریات آنتونیو گرامشی» (نظریه‌پرداز مارکسیست و از رهبران و بنیان‌گذاران حزب کمونیست ایتالیا) بوده و از مفاهیم حاکمیت‌پذیری و قدرت خود «فوکو» برای نظریه‌پردازی نیز استفاده کرده است. پروفیسور جسوب در سال‌های اخیر به اقتصاد سیاسی و اقتصاد فرهنگی پرداخته و ضمن نقد هر دو، تلاش کرده است آنها را با یکدیگر پیوند بدهد.

پروفیسور جسوب با توجه به تفکرات مارکسیستی که دارد، به روش و واشینگتن برگشتم نسبت به استراتژی و موضع امریکا در آسیا احساس اطمینان بیشتری می‌کردم. زمانی که در سال ۲۰۰۹ خود کار را آغاز کردم خیلی از کشورهای منطقه نسبت به تعهدات ما و حضور قوی ما در منطقه تردید داشتند. در چین هم عده‌ای کوشیده بودند از این تردید بهره برداری کنند. استراتژی محوری ما به گونه‌ای طراحی شده بود که این تردیدها را از بین ببرد:

در یکی از گفتگوهای طولانی که با یادی داشتم، دای به من گفت: «چرا شما محور خودتان را را اینجا بر نمی‌دارید؟» من مسافت زیادی آمده بودم تا سخنرانی مهمی ایراد کنم، سخنرانی من مهم تر از آن بود که حتی در فکر خود من می‌گنجید. تلاش من نتیجه داده بود. ما در آغاز دولت اوباما خودمان را درون محورهای احساسی امریکا و کریدم و از درون آن سوراخ به بیرون خدیده بودیم و حضور امریکا را در منطقه و رخ دیگران می‌کشیدیم. سالهای بعد تجربه‌های پیشی پای ما قرا گرفت از آن تغییر گناهی رهبری در کره شمالی گرفته تا مقابله با چین پر سر و سرشت آن فعال تابانی کشور بشر که در سفارت امریکا در پکن پناه گرفت. در کنار این آزمایشها فرصتهای تازه‌ای هم پدید آمد. مشاهده تغییر در میانار جرقه تحول را در این کشور زد امید به مود کراسی را در دل ساکنان سرزمینی به وجود آورد که تا دیر و زبسته و منزوی بودند. باید از تلاشهای خودمان سبکبار کرد باقیم که اعتماد متقابل و همکاری را یکبشده‌های دیگر را به وجود آورد. رابطه ما با چین انعطاف پذیرتر از آن بود که خیلی‌ها به آن امیدوار بودند.

در بازگشت از هانوی در حالی که هنوز ذهنم آشفته از برده‌های نمایش دریای جنوب چین بود فرصت را مناسب دیدم که به دیگر کارهای موجود در در نیمه زندگی خود هم توجهی بکنم. یک هفته به وقی بهترین خانه زندگی من باقی مانده بود. رسانه‌ها به اطلاع از من مورد این رویداد علاقمند شده بودند و من هم کارهای زیادی برای انجام دادن و آماده شدن برای آن اتفاق داشتم. این بار یک اجلاس بزرگ با یک بحران دیپلماتیک در کار نبود. ماجرا مربوط به هروسی دخترم جلسی بود. ۳۰سال انتظار رسیدن چنین روزی را آکنیده بودم.

روابط بین‌الملل

در نشست تحلیلی دانشگاه تهران با زوج جامعه‌شناس انگلیسی بررسی شد

«نظریه دولت و اقتصاد سیاسی»

و سیاست دانشگاه هنگ کنگ به پایان رسانند و سرانجام در سال ۱۹۹۴ از رساله دکترای جامعه‌شناسی خود در دانشگاه لنکستر دربراره «مدل سیاسی و اقتصادی سرمایه‌داری شرق آسیا» دفاع کرد. وی طی سال‌های ۱۹۹۴ تا ۱۹۹۷ و ۱۹۹۸ و ۲۰۰۰ تا دوره سه ساله پس‌اذاکرا را مجموعه‌ای به مدت شش سال به ترتیب در دپارتمان مرکز پژوهش اقتصاد سیاسی دانشگاه شفیلد و مرکز بین‌المللی مطالعات کار دانشگاه منچستر طی کرد و از سال ۲۰۰۰ در دپارتمان سیاست روابط بین‌الملل دانشگاه لنکستر کار آموزش و پژوهش خود را ادامه می‌دهد. این زمینه وسیع مطالعاتی، او را به عضو هیئت مدیران حزب کمونیست ایتالیا) بوده و از مفاهیم حاکمیت‌پذیری و قدرت خود «فوکو» برای نظریه‌پردازی نیز استفاده کرده است. پروفیسور جسوب در سال‌های اخیر به اقتصاد سیاسی و اقتصاد فرهنگی پرداخته و ضمن نقد هر دو، تلاش کرده است آنها را با یکدیگر پیوند بدهد.

پروفیسور جسوب با توجه به تفکرات مارکسیستی که دارد، به روش و واشینگتن برگشتم نسبت به استراتژی و موضع امریکا در آسیا احساس اطمینان بیشتری می‌کردم. زمانی که در سال ۲۰۰۹ خود کار را آغاز کردم خیلی از کشورهای منطقه نسبت به تعهدات ما و حضور قوی ما در منطقه تردید داشتند. در چین هم عده‌ای کوشیده بودند از این تردید بهره برداری کنند. استراتژی محوری ما به گونه‌ای طراحی شده بود که این تردیدها را از بین ببرد:

در یکی از گفتگوهای طولانی که با یادی داشتم، دای به من گفت: «چرا شما محور خودتان را را اینجا بر نمی‌دارید؟» من مسافت زیادی آمده بودم تا سخنرانی مهمی ایراد کنم، سخنرانی من مهم تر از آن بود که حتی در فکر خود من می‌گنجید. تلاش من نتیجه داده بود. ما در آغاز دولت اوباما خودمان را درون محورهای احساسی امریکا و کریدم و از درون آن سوراخ به بیرون خدیده بودیم و حضور امریکا را در منطقه و رخ دیگران می‌کشیدیم. سالهای بعد تجربه‌های پیشی پای ما قرا گرفت از آن تغییر گناهی رهبری در کره شمالی گرفته تا مقابله با چین پر سر و سرشت آن فعال تابانی کشور بشر که در سفارت امریکا در پکن پناه گرفت. در کنار این آزمایشها فرصتهای تازه‌ای هم پدید آمد. مشاهده تغییر در میانار جرقه تحول را در این کشور زد امید به مود کراسی را در دل ساکنان سرزمینی به وجود آورد که تا دیر و زبسته و منزوی بودند. باید از تلاشهای خودمان سبکبار کرد باقیم که اعتماد متقابل و همکاری را یکبشده‌های دیگر را به وجود آورد. رابطه ما با چین انعطاف پذیرتر از آن بود که خیلی‌ها به آن امیدوار بودند.

در بازگشت از هانوی در حالی که هنوز ذهنم آشفته از برده‌های نمایش دریای جنوب چین بود فرصت را مناسب دیدم که به دیگر کارهای موجود در در نیمه زندگی خود هم توجهی بکنم. یک هفته به وقی بهترین خانه زندگی من باقی مانده بود. رسانه‌ها به اطلاع از من مورد این رویداد علاقمند شده بودند و من هم کارهای زیادی برای انجام دادن و آماده شدن برای آن اتفاق داشتم. این بار یک اجلاس بزرگ با یک بحران دیپلماتیک در کار نبود. ماجرا مربوط به هروسی دخترم جلسی بود. ۳۰سال انتظار رسیدن چنین روزی را آکنیده بودم.

در بازگشت از هانوی در حالی که هنوز ذهنم آشفته از برده‌های نمایش دریای جنوب چین بود فرصت را مناسب دیدم که به دیگر کارهای موجود در در نیمه زندگی خود هم توجهی بکنم. یک هفته به وقی بهترین خانه زندگی من باقی مانده بود. رسانه‌ها به اطلاع از من مورد این رویداد علاقمند شده بودند و من هم کارهای زیادی برای انجام دادن و آماده شدن برای آن اتفاق داشتم. این بار یک اجلاس بزرگ با یک بحران دیپلماتیک در کار نبود. ماجرا مربوط به هروسی دخترم جلسی بود. ۳۰سال انتظار رسیدن چنین روزی را آکنیده بودم.

در بازگشت از هانوی در حالی که هنوز ذهنم آشفته از برده‌های نمایش دریای جنوب چین بود فرصت را مناسب دیدم که به دیگر کارهای موجود در در نیمه زندگی خود هم توجهی بکنم. یک هفته به وقی بهترین خانه زندگی من باقی مانده بود. رسانه‌ها به اطلاع از من مورد این رویداد علاقمند شده بودند و من هم کارهای زیادی برای انجام دادن و آماده شدن برای آن اتفاق داشتم. این بار یک اجلاس بزرگ با یک بحران دیپلماتیک در کار نبود. ماجرا مربوط به هروسی دخترم جلسی بود. ۳۰سال انتظار رسیدن چنین روزی را آکنیده بودم.

روابط بین‌الملل

در نشست تحلیلی دانشگاه تهران با زوج جامعه‌شناس انگلیسی بررسی شد

«نظریه دولت و اقتصاد سیاسی»

و سیاست دانشگاه هنگ کنگ به پایان رسانند و سرانجام در سال ۱۹۹۴ از رساله دکترای جامعه‌شناسی خود در دانشگاه لنکستر دربراره «مدل سیاسی و اقتصادی سرمایه‌داری شرق آسیا» دفاع کرد. وی طی سال‌های ۱۹۹۴ تا ۱۹۹۷ و ۱۹۹۸ و ۲۰۰۰ تا دوره سه ساله پس‌اذاکرا را مجموعه‌ای به مدت شش سال به ترتیب در دپارتمان مرکز پژوهش اقتصاد سیاسی دانشگاه شفیلد و مرکز بین‌المللی مطالعات کار دانشگاه منچستر طی کرد و از سال ۲۰۰۰ در دپارتمان سیاست روابط بین‌الملل دانشگاه لنکستر کار آموزش و پژوهش خود را ادامه می‌دهد. این زمینه وسیع مطالعاتی، او را به عضو هیئت مدیران حزب کمونیست ایتالیا) بوده و از مفاهیم حاکمیت‌پذیری و قدرت خود «فوکو» برای نظریه‌پردازی نیز استفاده کرده است. پروفیسور جسوب در سال‌های اخیر به اقتصاد سیاسی و اقتصاد فرهنگی پرداخته و ضمن نقد هر دو، تلاش کرده است آنها را با یکدیگر پیوند بدهد.

پروفیسور جسوب با توجه به تفکرات مارکسیستی که دارد، به روش و واشینگتن برگشتم نسبت به استراتژی و موضع امریکا در آسیا احساس اطمینان بیشتری می‌کردم. زمانی که در سال ۲۰۰۹ خود کار را آغاز کردم خیلی از کشورهای منطقه نسبت به تعهدات ما و حضور قوی ما در منطقه تردید داشتند. در چین هم عده‌ای کوشیده بودند از این تردید بهره برداری کنند. استراتژی محوری ما به گونه‌ای طراحی شده بود که این تردیدها را از بین ببرد:

در یکی از گفتگوهای طولانی که با یادی داشتم، دای به من گفت: «چرا شما محور خودتان را را اینجا بر نمی‌دارید؟» من مسافت زیادی آمده بودم تا سخنرانی مهمی ایراد کنم، سخنرانی من مهم تر از آن بود که حتی در فکر خود من می‌گنجید. تلاش من نتیجه داده بود. ما در آغاز دولت اوباما خودمان را درون محورهای احساسی امریکا و کریدم و از درون آن سوراخ به بیرون خدیده بودیم و حضور امریکا را در منطقه و رخ دیگران می‌کشیدیم. سالهای بعد تجربه‌های پیشی پای ما قرا گرفت از آن تغییر گناهی رهبری در کره شمالی گرفته تا مقابله با چین پر سر و سرشت آن فعال تابانی کشور بشر که در سفارت امریکا در پکن پناه گرفت. در کنار این آزمایشها فرصتهای تازه‌ای هم پدید آمد. مشاهده تغییر در میانار جرقه تحول را در این کشور زد امید به مود کراسی را در دل ساکنان سرزمینی به وجود آورد که تا دیر و زبسته و منزوی بودند. باید از تلاشهای خودمان سبکبار کرد باقیم که اعتماد متقابل و همکاری را یکبشده‌های دیگر را به وجود آورد. رابطه ما با چین انعطاف پذیرتر از آن بود که خیلی‌ها به آن امیدوار بودند.

در بازگشت از هانوی در حالی که هنوز ذهنم آشفته از برده‌های نمایش دریای جنوب چین بود فرصت را مناسب دیدم که به دیگر کارهای موجود در در نیمه زندگی خود هم توجهی بکنم. یک هفته به وقی بهترین خانه زندگی من باقی مانده بود. رسانه‌ها به اطلاع از من مورد این رویداد علاقمند شده بودند و من هم کارهای زیادی برای انجام دادن و آماده شدن برای آن اتفاق داشتم. این بار یک اجلاس بزرگ با یک بحران دیپلماتیک در کار نبود. ماجرا مربوط به هروسی دخترم جلسی بود. ۳۰سال انتظار رسیدن چنین روزی را آکنیده بودم.

در بازگشت از هانوی در حالی که هنوز ذهنم آشفته از برده‌های نمایش دریای جنوب چین بود فرصت را مناسب دیدم که به دیگر کارهای موجود در در نیمه زندگی خود هم توجهی بکنم. یک هفته به وقی بهترین خانه زندگی من باقی مانده بود. رسانه‌ها به اطلاع از من مورد این رویداد علاقمند شده بودند و من هم کارهای زیادی برای انجام دادن و آماده شدن برای آن اتفاق داشتم. این بار یک اجلاس بزرگ با یک بحران دیپلماتیک در کار نبود. ماجرا مربوط به هروسی دخترم جلسی بود. ۳۰سال انتظار رسیدن چنین روزی را آکنیده بودم.

در بازگشت از هانوی در حالی که هنوز ذهنم آشفته از برده‌های نمایش دریای جنوب چین بود فرصت را مناسب دیدم که به دیگر کارهای موجود در در نیمه زندگی خود هم توجهی بکنم. یک هفته به وقی بهترین خانه زندگی من باقی مانده بود. رسانه‌ها به اطلاع از من مورد این رویداد علاقمند شده بودند و من هم کارهای زیادی برای انجام دادن و آماده شدن برای آن اتفاق داشتم. این بار یک اجلاس بزرگ با یک بحران دیپلماتیک در کار نبود. ماجرا مربوط به هروسی دخترم جلسی بود. ۳۰سال انتظار رسیدن چنین روزی را آکنیده بودم.

روابط بین‌الملل

در نشست تحلیلی دانشگاه تهران با زوج جامعه‌شناس انگلیسی بررسی شد

«نظریه دولت و اقتصاد سیاسی»

و سیاست دانشگاه هنگ کنگ به پایان رسانند و سرانجام در سال ۱۹۹۴ از رساله دکترای جامعه‌شناسی خود در دانشگاه لنکستر دربراره «مدل سیاسی و اقتصادی سرمایه‌داری شرق آسیا» دفاع کرد. وی طی سال‌های ۱۹۹۴ تا ۱۹۹۷ و ۱۹۹۸ و ۲۰۰۰ تا دوره سه ساله پس‌اذاکرا را مجموعه‌ای به مدت شش سال به ترتیب در دپارتمان مرکز پژوهش اقتصاد سیاسی دانشگاه شفیلد و مرکز بین‌المللی مطالعات کار دانشگاه منچستر طی کرد و از سال ۲۰۰۰ در دپارتمان سیاست روابط بین‌الملل دانشگاه لنکستر کار آموزش و پژوهش خود را ادامه می‌دهد. این زمینه وسیع مطالعاتی، او را به عضو هیئت مدیران حزب کمونیست ایتالیا) بوده و از مفاهیم حاکمیت‌پذیری و قدرت خود «فوکو» برای نظریه‌پردازی نیز استفاده کرده است. پروفیسور جسوب در سال‌های اخیر به اقتصاد سیاسی و اقتصاد فرهنگی پرداخته و ضمن نقد هر دو، تلاش کرده است آنها را با یکدیگر پیوند بدهد.

پروفیسور جسوب با توجه به تفکرات مارکسیستی که دارد، به روش و واشینگتن برگشتم نسبت به استراتژی و موضع امریکا در آسیا احساس اطمینان بیشتری می‌کردم. زمانی که در سال ۲۰۰۹ خود کار را آغاز کردم خیلی از کشورهای منطقه نسبت به تعهدات ما و حضور قوی ما در منطقه تردید داشتند. در چین هم عده‌ای کوشیده بودند از این تردید بهره برداری کنند. استراتژی محوری ما به گونه‌ای طراحی شده بود که این تردیدها را از بین ببرد:

در یکی از گفتگوهای طولانی که با یادی داشتم، دای به من گفت: «چرا شما محور خودتان را را اینجا بر نمی‌دارید؟» من مسافت زیادی آمده بودم تا سخنرانی مهمی ایراد کنم، سخنرانی من مهم تر از آن بود که حتی در فکر خود من می‌گنجید. تلاش من نتیجه داده بود. ما در آغاز دولت اوباما خودمان را درون محورهای احساسی امریکا و کریدم و از درون آن سوراخ به بیرون خدیده بودیم و حضور امریکا را در منطقه و رخ دیگران می‌کشیدیم. سالهای بعد تجربه‌های پیشی پای ما قرا گرفت از آن تغییر گناهی رهبری در کره شمالی گرفته تا مقابله با چین پر سر و سرشت آن فعال تابانی کشور بشر که در سفارت امریکا در پکن پناه گرفت. در کنار این آزمایشها فرصتهای تازه‌ای هم پدید آمد. مشاهده تغییر در میانار جرقه تحول را در این کشور زد امید به مود کراسی را در دل ساکنان سرزمینی به وجود آورد که تا دیر و زبسته و منزوی بودند. باید از تلاشهای خودمان سبکبار کرد باقیم که اعتماد متقابل و همکاری را یکبشده‌های دیگر را به وجود آورد. رابطه ما با چین انعطاف پذیرتر از آن بود که خیلی‌ها به آن امیدوار بودند.

در بازگشت از هانوی در حالی که هنوز ذهنم آشفته از برده‌های نمایش دریای جنوب چین بود فرصت را مناسب دیدم که به دیگر کارهای موجود در در نیمه زندگی خود هم توجهی بکنم. یک هفته به وقی بهترین خانه زندگی من باقی مانده بود. رسانه‌ها به اطلاع از من مورد این رویداد علاقمند شده بودند و من هم کارهای زیادی برای انجام دادن و آماده شدن برای آن اتفاق داشتم. این بار یک اجلاس بزرگ با یک بحران دیپلماتیک در کار نبود. ماجرا مربوط به هروسی دخترم جلسی بود. ۳۰سال انتظار رسیدن چنین روزی را آکنیده بودم.

در بازگشت از هانوی در حالی که هنوز ذهنم آشفته از برده‌های نمایش دریای جنوب چین بود فرصت را مناسب دیدم که به دیگر کارهای موجود در در نیمه زندگی خود هم توجهی بکنم. یک هفته به وقی بهترین خانه زندگی من باقی مانده بود. رسانه‌ها به اطلاع از من مورد این رویداد علاقمند شده بودند و من هم کارهای زیادی برای انجام دادن و آماده شدن برای آن اتفاق داشتم. این بار یک اجلاس بزرگ با یک بحران دیپلماتیک در کار نبود. ماجرا مربوط به هروسی دخترم جلسی بود. ۳۰سال انتظار رسیدن چنین روزی را آکنیده بودم.

در بازگشت از هانوی در حالی که هنوز ذهنم آشفته از برده‌های نمایش دریای جنوب چین بود فرصت را مناسب دیدم که به دیگر کارهای موجود در در نیمه زندگی خود هم توجهی بکنم. یک هفته به وقی بهترین خانه زندگی من باقی مانده بود. رسانه‌ها به اطلاع از من مورد این رویداد علاقمند شده بودند و من هم کارهای زیادی برای انجام دادن و آماده شدن برای آن اتفاق داشتم. این بار یک اجلاس بزرگ با یک بحران دیپلماتیک در کار نبود. ماجرا مربوط به هروسی دخترم جلسی بود. ۳۰سال انتظار رسیدن چنین روزی را آکنیده بودم.

در بازگشت از هانوی در حالی که هنوز ذهنم آشفته از برده‌های نمایش دریای جنوب چین بود فرصت را مناسب دیدم که به دیگر کارهای موجود در در نیمه زندگی خود هم توجهی بکنم. یک هفته به وقی بهترین خانه زندگی من باقی مانده بود. رسانه‌ها به اطلاع از من مورد این رویداد علاقمند شده بودند و من هم کارهای زیادی برای انجام دادن و آماده شدن برای آن اتفاق داشتم. این بار یک اجلاس بزرگ با یک بحران دیپلماتیک در کار نبود. ماجرا مربوط به هروسی دخترم جلسی بود. ۳۰سال انتظار رسیدن چنین روزی را آکنیده بودم.

آگهی تغییرات شرکت پخش البز سهامی عام به شماره ثبت ۲۰۸۱۵ و شناسه ملی ۰۱۰۰۰۶۶۴۴۳۳

به استناد صور تجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۳/۰۲/۲۷ تصمیمات ذیل اتخاذ شد:توزانامه و حساب سودوزیان سال مالی ۱۳۹۲ به تصویب رسید. مؤسسه حسابرسی مفیدراهبر به شناسه ملی ۰۰۸۶۱۲۸۳۶۳۱ بعنوان بازرس قانونی برای مدت یکسال مالی انتخاب گردید.روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات جهت درج آگهی های شرکت تعیین گردید.اعضاء هیئت مدیره برای مدت دو سال بقرار ذیل انتخاب گردیدند:شرکتهای گروه سرمایه گذاری البرز به شناسه ملی ۰۰۴۴۳۹۰۸ و گروه دارونی سبحان به شناسه ملی ۰۰۷۱۱۲۱۰۰ و البرزدارو به شناسه ملی ۰۱۰۸۶۱۴۱۲۶۲۶ ایران دارو به شناسه ملی ۰۰۳۴۹۰۱۰۰۲ و تولیددارو به شناسه ملی ۰۰۲۶۵۰۱۰۰۱۰۰.

سازمان ثبت اسناد واملاک کشور
اداره ثبت شرکتها وموسسات غیر تجاری تهران
۱۳۹۵۷۰۱-۰۵۴۶۲۵

آگهی تغییرات شرکت گروه صنعتی کامپوزیت پارت سهامی خاص به شماره ثبت ۲۳۳۲۹ و شناسه ملی ۰۱۰۰۰۶۸۷۵۰۳
به استناد صور تجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۳/۰۳/۰۴ تصمیمات ذیل اتخاذ شد:توزانامه و حساب سود و خدمات مالی نمودگروش به شناسه ملی ۰۰۷۰۶۰۰۴۱۰۲۲ به عنوان بازرس اصلی و آقای موسی حسینی به شماره ملی ۰۰۶۲۹۵۸۳۲۷۲۶ به عنوان بازرس علی البدل برای یکسال مالی انتخاب گردید.روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات جهت نشر آگهی های شرکت تعیین شد.

سازمان ثبت اسناد واملاک کشور
اداره ثبت شرکتها وموسسات غیر تجاری تهران
۱۳۹۵۷۱-۰۵۴۶۲۴

آگهی تغییرات شرکت هیرو دز پارسیان سهامی خاص به شماره ثبت ۳۷۱۹۰۱ و شناسه ملی ۰۱۰۳۰۲۱۰۷۹۱
به استناد صور تجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۲/۱۰/۰۷ تصمیمات ذیل اتخاذ شد:آقای حمید رضا هاجرانده د مخولر قانی به شمار ملی ۰۰۷۳۶۴۰۸۱۶ به سمت رئیس هیأت مدیره، آقای امیر سلیمی به شماره ملی ۰۰۵۸۹۶۶۶۶۶۶۶ به سمت نایب رئیس هیأت مدیره و آقای احمد رضا سلیمی به شماره ملی ۰۰۳۹۳۲۱۰۳۴۸۳ به سمت مدیر عامل و عضو هیئت مدیره برای بقیه مدت تصدی تعیین شدند. کلیه اسناد و اوراق بهادار و تعهدآور شرکت به امضاء مشترک رئیس هیأت مدیره و مدیر عامل همراه با مهر شرکت دارای اعتبار می باشد.

سازمان ثبت اسناد واملاک کشور
اداره ثبت شرکتها وموسسات غیر تجاری تهران
۱۳۹۵۷۸۹-۰۵۴۶۲۳

آگهی تغییرات شرکت حایهاران مدیریت حمام سهامی خاص به شماره ثبت ۲۸۱۹۱۱ و شناسه ملی ۰۱۰۰۳۱۹۳۸۰۰
به استناد صور تجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۳/۰۱/۳۱ تصمیمات ذیل اتخاذ شد:توزانامه و حساب سودوزیان سال مالی ۹۲ به تصویب رسید.آقای عباس دادودی به شماره ملی ۰۰۶۱۳۲۰۷۶۸۰۶ به عنوان بازرس اصلی و آقای مسعود صمیمی به شماره ملی ۰۰۱۰۶۴۷۱۰۱۶۴۷۱ به عنوان بازرس علی البدل برای مدت یکسال مالی انتخاب گردیدند.روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات جهت نشر آگهی های شرکت انتخاب گردید.

سازمان ثبت اسناد واملاک کشور
اداره ثبت شرکتها وموسسات غیر تجاری تهران
۱۳۹۴۷۹۷-۰۵۵۴۸۰۰۹۱۹۴۷۹۷

آگهی تغییرات شرکت حایهاران مدیریت حمام سهامی خاص به شماره ثبت ۲۸۱۹۱۱ و شناسه ملی ۰۱۰۰۳۱۹۳۸۰۰
به استناد صور تجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۳/۰۱/۳۱ تصمیمات ذیل اتخاذ شد:توزانامه و حساب سودوزیان سال مالی ۹۲ به تصویب رسید.آقای عباس دادودی به شماره ملی ۰۰۶۱۳۲۰۷۶۸۰۶ به عنوان بازرس اصلی و آقای مسعود صمیمی به شماره ملی ۰۰۱۰۶۴۷۱۰۱۶۴۷۱ به عنوان بازرس علی البدل برای مدت یکسال مالی انتخاب گردیدند.روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات جهت نشر آگهی های شرکت انتخاب گردید.

سازمان ثبت اسناد واملاک کشور
اداره ثبت شرکتها وموسسات غیر تجاری تهران
۱۳۹۴۷۹۷-۰۵۵۴۸۰۰۹۱۹۴۷۹۷

آگهی تغییرات شرکت حایهاران مدیریت حمام سهامی خاص به شماره ثبت ۲۸۱۹۱۱ و شناسه ملی ۰۱۰۰۳۱۹۳۸۰۰
به استناد صور تجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹



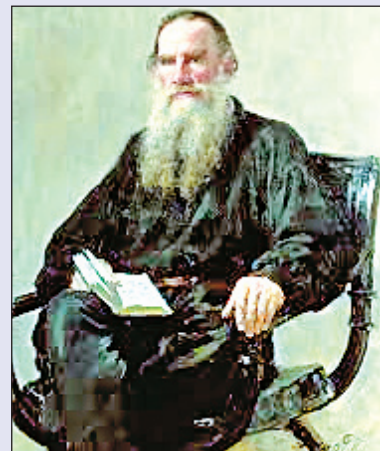
درگذر از ۱۸ شهریور، سالروز تولد لئو تولستوی

نویسنده بدخط

«امصطفی بیان»

رمان جنگ و صلح درباره چهار خانواده اشرافی روسیه است که در یک شب زمستانی در یک مهمانی بزرگ دور هم جمع شده‌اند؛ بدون این که هم دیگر را به خوبی بشناسند و بی خبر از این که به زودی زندگی هایشان به هم گره خواهد خورد. ناتاشا، نیکولا، پی‌یر و آندره جوانان این خانواده هستند که با هزاران فکر و نقشه برای آینده زندگی می‌کنند، اما اتفاقی بزرگ زندگی همه آنها را عوض می‌کند و نقشه هایشان را به هم می‌ریزد، ناپلئون تصمیم می‌گیرد به مسکو حمله کند و این شروع جنگ بزرگی است که مسیر تاریخ و سرنوشت این چهار خانواده را تغییر می‌دهد.

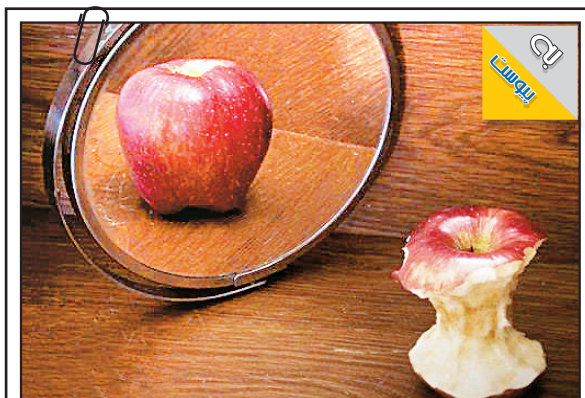
«جنگ و صلح» در چهار جلد نوشته شده است و نزدیک به پانصد شخصیت داستانی دارد. جالب این جاست که تولستوی، همه این شخصیت‌ها را به طور کامل در داستان بلندش معرفی کرده است. نوشتن این رمان شش سال طول کشید و تولستوی برای این که بتواند شخصیت‌هایی واقعی و حوادث طبیعی بیافریند، مدت‌های زیادی مطالعه و تحقیق کرد و کتاب‌های زیادی درباره حمله ناپلئون به روسیه خواند. نقطه اوج داستان، زمان جنگ‌های ناپلئون و حمله ناپلئون به روسیه و آتش سوزی مسکو و عقب‌نشینی ارتش‌های ناپلئون است.



تولستوی در نظر داشت داستانی درباره زندگی خانوادگی اشراف روسیه بنویسد. او می‌خواست حوادث تاریخی، تنها به منزله زمینه رمان او به کار روند و قهرمانان داستان دچار حوادثی شوند که از لحاظ روحی، تأثیر عمیقی در آنها بگذارد و در پایان، پس از تحمل مشقات زیاد، پاک شوند و از یک زندگی آرام و سعادت‌مند برخوردار گردند. تنها در جریان نوشتن رمان بود که تولستوی درباره مبارزه عظیمی که میان نیروهای مخالف در گرفته بود، پیش از پیش تأکید کرد و از مطالعات وسیع او یک فلسفه تاریخی پدید آمد.

تولستوی «موضوع» این کتاب را از تاریخ روسیه (جنگ فرانسه و روسیه) گرفت. یکی از قوی‌ترین بخش‌های کتاب، توصیف صحنه‌های جنگ با جزئیات و به شکل هنری است. به همین دلیل جنگ و صلح را کتابی حماسی هم می‌دانند. امروزه به سبک ادبی این کتاب «رنالیسم» یا «واقع گرایی» می‌گویند.

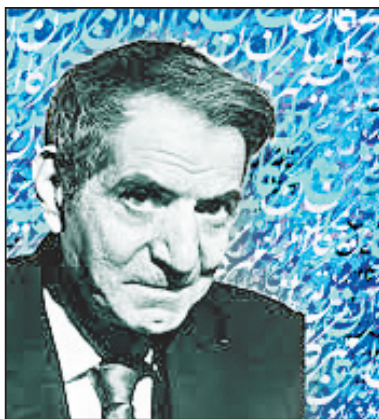
بقیه در صفحه ۵

خویشتن را بزرگ می‌بینی
راست گفتند یک، دو ببند لوج
(«سعدی»)

آیا شهریار به حافظ شبیه است؟

«چنگیز میرزایی»

حافظ به تنهایی ترکیبی از همه شاعران بزرگ و بزرگان شاعر ایران است، اما شهریار فقط معجون و فرهاد شعر شاعران است، یا همان خلوص و دردمندی شعر شهریار بازار مکاره‌ای است که شاعر در کمال صداقت و گشاده‌دستی و بی‌پرده‌پوشی، آنچه در سفره دل داشته در آن گسترده و عیب و هنرش را و تردامنی و تهجدش را و عشق ناسوتی و عرفان لاهوتی‌اش را در کنار هم بی‌هیچ ابایی به نمایش گذاشته؛ اما شعر حافظ پاساژ لوکسی است که اجناس آن با دقت و وسواس چیده شده، سرانجام آن که حافظ قرن‌ها سرمشق و مرجع تقلید شاعران بسیاری بوده که دست کوه‌هاشان به نخیل بلندش نرسید، اما شهریار آخرین و توانمندترین سنگریان سبک عراقی است که گویی از قرن هشتم تا تیرپرتابی به قرن بیستم



فرود آمد. حضور او در شعر معاصر، گرچه راه تازه‌ای پیش پای آیندگان نگشود و پیروان و مقلدان سینه چاک‌ی نیافت، اما شهرت و محبوبیت فراوانش و خلوص و بی‌ریایی‌اش و روانی و زلالی ذوقش و مسلک درویشانه و نفس سوخته‌اش موجب ایجاد علاقه و روی آوردن بسیاری از جوانان روزگارش به شعر و شاعری گردید که این حوزه سهم بزرگی است در پاسداری از حریم شعر فارسی.

*نقل با تلخیص از مقدمه کتاب «نی محزون»

که از شاکله‌های هنر والا و متین و در همان حال شوخ حافظ است. شوخ طبعی و طنزی که تماماً از وجدانی بیدار و ذهنی هوشمند و نکته‌یاب و زبانی بلیغ و حاضر جواب و دردمند جوشیده است. همان قدر که شهریار درد شخصی و درونی و یسا اجتماعی مینی مال (حدقلی) دارد، حافظ دردی ماکسیمال (حداکثری) و انسان‌شمول دارد. حافظ در غزلیاتش یک انسان کامل زمینی با تمام ویژگی‌های کمال و توازن است، اما شهریار مانند میلیون‌ها عاشق شیدایی است که در صد اندکی از آنان ذاتاً شاعرند.

حافظ، صمیمیت و خلوص شهریار را در عاشقی ندارد، اما شکستگی و انفعال او را هم ندارد. تواضع شهریار در عشق و سلوک اجتماعی‌اش و شعرش ذاتی و برخاسته از دل اوست، اما حافظ همان‌گونه که در مفاخره‌هایش تنها شاعر آسمانی فارسی است:

در آسمان نه عجب گر به گفته حافظ

سماع زهره به رقص آورد مسیحارا
یا:

صبحدم از عرش می‌آمدخروش عقل گفت
قدسیان گویی که شعر حافظ از بر می‌کنند
در تواضعش هم مکتبی و اعتقادی است
و نه فطری. تواضع او سلاحی است برای خلع سلاح ارباب قدرت و متحجران و تاریک‌اندیشان. غزلیات حافظ، ترکیب متوازن و مطبوعی از عشق، عرفان، حکمت اخلاق، دین، موسیقی، طربانکی، آزادگی، آگاهی، عدالتخواهی، سینه‌ستبری، خوش‌بینی، حق‌گزاری مسئولیت‌پذیری، شوخ طبعی، آسان‌گیری و روشن‌بینی است که در شکل‌ترین شکل هندسی واژه‌ها چیده شده است. اما شهریار شاعری غم‌زده و منفعل است که عمرش در همنفس قفس به پایان آمده و گاهی خود رسانه ملی است.

شعر حافظ یکسره عشق و شباب و رندی است و زمان در آن متوقف است، در حالی که نمودار شیب و شباب و گریز و پرهیز شهریار را می‌توان از روی شعرش به خوبی ترسیم کرد.

خط، بافت، زمان

«کیوان خلیل نژاد»



گالری احسان، از چهاردهم تا نوزدهم شهریور، میزبان نمایشگاه آثار «ابراهیم زرگری» و «علیرضا بحرانی» با عنوان «گمشده در بافت» بود. در این نمایشگاه از هر یک از این هنرمندان آثار مستقلاً به همراه نقاشی‌های مشترک آنها به نمایش درآمده بود.

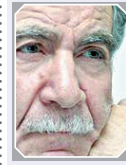
متن حاضر نگاهی به نقاشی‌های مستقل «ابراهیم زرگری» و آثار مشترک مجموعه «گمشده در بافت» است.

اگر نقاشی را به عنوان تلاشی برای رؤیت پذیر ساختن نادیدنی‌ها تعریف کنیم و در عین حال نادیدنی‌ها را چیزهایی که از نظر دور و پنهان مانده‌اند بپنداریم، بدین سان پروسه خلق تادرک نهایی یک تابلوی نقاشی گام برداشتن در مسیری است به سوی کشف یا آفرینشی دوباره که چیزی بر حقیقت این جهان می‌افزاید و آنچه در این مسیر رؤیت پذیر می‌شود، به وسیله اندیشه و احساس معنا می‌یابد. فرآیندی که در این مقاله، من آن را حقیقت افزوده نامیده‌ام.

بقیه در صفحه ۵

تفسیر دکتر دینانی از «گلشن راز»

ادبیات جهان



«گفتگو از: کریم فیضی»

گلشن راز

مطلق و مقید

* و از این مهمتر این است که برای دیدن مطلق، مقیدی باید باشد.

آفرین بر شما. ما همواره از طریق مقید، مطلق را می بینیم. با صبر و نظر از مقید، نمی توان مطلق را دید. خود همین موضوع که: ما از طریق مقید می توانیم مطلق را ببینیم، معنایش این است که عدم معنی دارد یا معنی پیدا می کند.

در مطلق تمایز وجود ندارد و این و آن قابل طرح نیست ولی در مقید وقتی می گوئیم: این و آن، معنایش این است که: این، آن نیست و آن، این نیست.

* و معنای عدم از همین این، آن نیست و آن، این نیست خارج می شود. همین که در مطلق تمایز نیست و نیست در آن طرح نمی شود، معنایش این است که در مقید هم تمایز هست، هم عدم در آن مندمج است.

مثالش هم این است که بگوئیم: این کتاب است، آن درخت است. این کتاب درخت نیست و آن درخت کتاب نیست.

این «نیست» ها، عدم را نمایان می کنند و ما معنای موجود بودن را از کتاب بودن کتاب و درخت نبودن کتاب می فهمیم یعنی مطلق را در مقید پیدا می کنیم و به تعبیر شما: اگر مقید نباشد، ما به مطلق راه پیدا نمی کنیم.

* اگر عدم نبود، تمایز نبود و اگر تمایز نبود، ما نمی توانستیم چیزی را ادراک کنیم و اگر ادراک نمی کردیم، نظام شناختی ما سامان نمی گرفت.

پس ما بدون آینه عدم هستیم. اساساً آگاهی با تمایز حاصل می شود. دکارت از وضوح و تمایز حرف زده است. این وضوح و تمایز موجب آگاهی می شود و بدون آن آگاهی حاصل نمی شود.

* در وضوح و تمایز و آگاهی، نکته مهمی وجود دارد. وقتی آگاهی طرح می شود، آگاهی از چیزی است و این نیازمند وضوح و تمایز است. درست است. وقتی می گوئید: آگاهی از چیزی، پای تمایز را به میان می کشید.

آگاهی از دیوار، غیر از آگاهی به درخت است. وضوح و تمایز با تفکیک صورت می گیرد.

بدون عدم هم تفکیک معنی ندارد. با حفظ معنی عدم، آگاهی موجود در وضوح و تمایز معنی پیدا می کند. اگر عدم معنی نداشته باشد، تمایز نخواهد بود و با نبود تمایز، آگاهی پدید نخواهد آمد.

* برگردیم به شعر: کزو پیداست عکس تابش حق.

حق می تابد، اما در جلوه ها و این جلوه غیر از آن جلوه است. اگر جلوه ها و مقیدات نبودند، تابش یکنواخت حق برای ما معلوم نمی شد.

* شبستری در ادامه همین موضوع را به زیبایی تفسیر می کند و می گوید:

عدم چون گشت هستی را مقابل در او عکسی شد اندر حال حاصل

شبستری برای آسان شدن موضوع به توضیح روی آورده است. او در این بیت، تقابل را طرح می کند و نوع تناقضی آن را بیان می کند. به عقیده من تناقض اساساً یک اصل است. نیستی در برابر هستی می ایستد و قد علم می کند و به این ترتیب، معنای هستی روشن می شود.

اگر نیستی در برابر هستی نمی ایستاد، تمایز به وجود نمی آمد. تمایز در تقابل است. اگر تمایز نبود، آگاهی حاصل نمی شد.

آگاهی حاصل نمی شد.

قصه های هزار و یک شب ایتالیایی



مهدی روشنفار

در محل های عمومی در میان مردم می گشت و قصه های عامیانه جامعه را یادداشت می کرد تا اینکه همه آنها را در یکجا و در کتابی با عنوان «دکامرون» چاپ و منتشر کرد.

انتشار این کتاب نشان داد که بوکاچیو با نثر بسیار زیبایش، چگونگی می تواند روایت های عامیانه و شفاهی مردم را به اثری ماندگار در تاریخ ادبیات جهان مبدل سازد.

او داستان دکامرون را به شکل ۱۰۰ قصه که از زبان ۱۰ نفر در ۱۰ روز روایت شده، نوشت تا همپای داستان شرقی آن یعنی قصه های هزار و یک شب باشد. سپس کتاب زندگی دانه شاعر بزرگ ایتالیایی و سال بعد هم داستان «کورباچیو» را منتشر کرد که به عنوان کتابی عجیب و پر از نکته در رابطه با زندگی، با استقبال مردم مواجه شد.

بوکاچیو در سال های پایانی عمرش با گفتن این جمله که: «با بالا رفتن سن و سال، شیطان هم راهب می شود»؛ دوباره به کلیسا بازگشت. او به دین خوداعتقاد کامل داشت و کفر را سرزنش می کرد و البته به عقاید مخالفان خود هم احترام می گذاشت، اما با کسانی که در پوشش دین، اموال مردم را چپاول می کردند، به مقابله می پرداخت و باورهای خشک ناشی از تعصبات مذهبی را هم رد می کرد.

این نویسنده در دوران نوشتن شعر و قصه، تمامی اسقف ها و کشیش های شکم پرست و مال مردم خوار را ضد روحانی معرفی می کرد و به آنها می تاخت.

سرانجام در سال ۱۳۷۵ میلادی بوکاچیو در ۶۲ سالگی پس از ابتلا به بیماری سختی که ناشی از گزیدگی شپش بود، جان خود را از دست داد و استاد نثر نویس قرون وسطی و یکی از بزرگترین داستان نویسسان دوران، چشم از جهان فرو بست. او قبل از مرگ، با مکاتباتی که با دانه داشت، مأمور نوشتن تفسیری کلی از شاهکار تاریخ ادبیات یعنی کتاب «کمدی الهی» شد که نشان دهنده توجه بزرگان ادبیات آن دوران اروپا به توانایی های بوکاچیو است.

به گفته نویسندگان همعصرش، بوکاچیو نقاش روح انسان ها بر روی کاغذ بود و توانست با اشعار و قصه هایش، زمینه تولد بسیاری از نویسندگان مطرح قرن های شانزدهم و هفدهم را آماده کند و با تأثیر عمیق خود بر رنسانس ایتالیا آن را متحول سازد...

را آدم موفق کن، اما به جای کسب و کار به فکر شعر سروتن هستی که یک پول سیاه هم ارزش ندارد...» بوکاچیوی جوان، بدون توجه به فریاد های پدرش، به نوشتن ادامه داد و سپس به کسب تحصیل در علم حقوق پرداخت؛ اما نیمه کاره آن را رها کرد. پدر بوکاچیو هم او را در ناپل تنها گذاشت و به فلورانس بازگشت. بوکاچیو که از دیدن فقر و نابرابری در جامعه رنجیده خاطر شده بود، وارد کلیسای ناپل شد و لباس و روحانیت بر تن کرد تا با موعظه کردن و خطابه خواندن برای مردم، آنان را به دوری از گناه وادار کند. در این دوران در کنار امور مذهبی، به مطالعه متون کهن ادبی با استفاده



از موجودی کتابخانه کلیسا پرداخت و با آثار نویسندگان بزرگ آشنا شد.

بوکاچیو در همین دوران با مشاهده فساد در کلیسا آزرده خاطر گردید و شروع به مقابله با آن دسته از کشیشان و اسقف های دغلبازی کرد که فقط به فکر شکمبارگی و مال اندوزی بودند. سرانجام نیز با توطئه همان ها از کلیسا اخراج شد.

او دوباره شروع به نوشتن کرد و نخستین کتاب قصه اش به نام «فیلوکولو» منتشر شد، اما خریداری نداشت و او را با فقر مالی مواجه ساخت و ناچار به فلورانس نزد پدرش بازگشت تا با او زندگی کند. چند سال بعد، دومین کتاب قصه بوکاچیو با نام «فیا متا» در همین شهر منتشر شد و علاقه مندانی پیدا کرد تا او را مصمم تر از گذشته به نوشتن وادار کند.

او روزها و حتی شب ها کاغذ و قلم به دست،

ظاهر می شد.

مجسم کنید؛ فرد بیمار، بیکار، خواب آلوده و... که وقتی در خانه را با اضطراب - باز می کند، با چهره حق به جانب فردی مواجه می شود که دست طلب یا طمع یار... پیش او دراز کرده است.

این صاحب خانه بهوت - که می داند ردّ سائل شرعاً مقبول نیست - چاره ای ندارد جز اینکه به شکلی با گدا تعامل کند. گاهی خود صاحب خانه، گدا را به گدایی است که به او مراجعه کرده است. بنابراین، به چشم های گدا زل می زند و می ایستد. گدا هم که وقت را تلف شده می بیند، و به صاحب خانه - با کمال پرویی - می گوید: «یا جواب یا ثواب»؛ یعنی یا جواب بده که کمک می کنی یا ثواب کن و کمکی برسان! کاربرد این مثل وقتی است که شخصی بین دو امر حیران است و نمی تواند تصمیم درست بگیرد. در این وقت به او می گویند: یا جواب یا ثواب!

تعارف شاه عبدالعظیمی

شهری (شاه عبدالعظیم)، در چند کیلومتری جنوب شهر تهران واقع شده و مدفن حضرات عبدالعظیم حسنی، امام زاده طاهر و امام زاده حمزه



مهدی روشنفار

یا جواب یا ثواب!

یکی از کارهایی که شرعاً حرام و عرفاً رایج و متداول است، شغل شریف گدایی است که شخص گدا را، بدون کار، زحمت، تحصیل علم و تخصص، پولدار می کند؛ پولی که به راحتی، از جیب افراد حساس یا احساساتی خارج و در کیف یا حساب بانکی جناب گدا جا خوش می کند.

گدایی از صفات ازلی و ابدی قشری از مردم است که نه علاج دارد و نه جبران. علی ای حال، گدایی در قدیم، فوت و فن خاصی نداشت و شخص در مانده در مقابل در خانه کسی می ایستاد و دقّ الباب می کرد و به این کار آبرومند (!) آنقدر ادامه می داد تا صاحب خانه بر آستانه در

و بسیاری از شخصیت های ملی و مذهبی و... است.

شهری در گذشته ای نه چندان دور از ارزش گردشگری بالایی برخوردار بود، به طوری که عده کثیری از مردم به زیارت و سیاحت آن می رفتند و در جوار شاه عبدالعظیم حسنی، از ماست و کباب و ریحان شاه عبدالعظیم، هم می خوردند و هم سوغات می آوردند.

زائران به علت کمی و کوتاهی مسافت، هر طور شده بود، بعد از زیارت و خرید سوغات شبانه، خود را به تهران می رساندند تا به کسب و کار خود برسند. بنابراین، برخی از ساکنان رند منطقه، اگر با کسی دوست بودند و یا دوست می شدند، به شخص زائر که می دانستند رفتش به تهران قطعی است بسیار اصرار می کردند که امشب را در منزل ما بد بگذران!

و از این قبیل تعارفات که چون از روی خلوص نبود، شخص زائر متوجه ماجرا می شد. رفته رفته این مثل متولد شد که مثلاً تعارف فلاّنی مثل تعارف شاه عبدالعظیمی هاست. از روی خلوص نیست و ریشه و بنیان دوستی ندارد. این مثل هنوز هم در زبان شیرین فارسی به زندگی خود ادامه می دهد.

نقیضه، هنر پارازیت انداختن

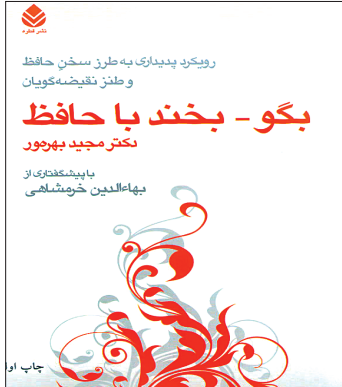
حافظ چه اعجوبه‌ای است، نمی‌دانم. یک عمر می‌توان سخن از زلف او نوشت. رودخانه که چه عرض کنم؛ با اجازهٔ نیما اقیانوسی است که از هر جایش آب‌پر داری، هم به قدر تشنگی می‌توان چشید و سیراب شد. هر سالی که می‌گذرد، پژوهشی نو، خبر از لایه‌های پنهان این ابر مرد رند می‌دهد.

رند عارف پیچیده در شولای استعاره و ابهام، خود زرگر و آژ تراش ترکیب پرداز بازار کلمه و کلام هزار نیچه در آستین دارد. هنوز هم که هنوز است، از غزلیاتش رمزگشایی نشده است. پژوهشگران و علاقه‌مندان غزلیاتش در زلف چون کمندش اسیرند و هنوز مقصود اصلی شاعر ساحر را در نیافته‌اند. کمد دانشگاه‌های ما سرشار از رسالاتی هستند که از حافظ و در مورد حافظ نوشته شده‌اند، اما هیچکس این پیر یک‌لایه‌ای شیراز را در نیافته است. خاص و عام شیفته طرز رندانه اشعار اویند. بدون آنکه حافظ واقعی، این ابر انسان آزاده را بشناسند.

دکتر مجید بهرور عضو هیأت علمی دانشگاه یاسوج به اتفاق دکتر ابراهیم محمدی استاد دانشگاه بیرجند و ناصر تسلی‌نیا، سه یار دستانی، از دوستانشان شعر فرانو، علاقه خود را به شعر رندانه ثابت کرده‌اند و هر یک در مورد حافظ، پژوهش‌هایی کرده‌اند که یکی از پژوهش‌های جالب این عزیزان، اثر تازه منتشر شدهٔ دکتر مجید بهرور است که نشر قطره را از تقدیم حافظ دوستان کرده است. رویکردی پدیداری به طرز سخن حافظ و طنز نقیضه‌گویان با عنوان «بگو، بخند با حافظ» که با پیشگفتاری از استاد بهاء‌الدین خرمشاهی عرضه شده است.

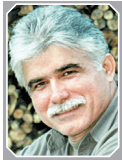
استاد خرمشاهی به‌طور مشروح از طنز

حافظ نوشته و اضافه کرده است که: بگو - بخند با حافظ، شیرین‌ترین طنز نامه در نوع خود است که تا امروز تاریخ ادب و طنز ما به خود دیده است. صرف همین توجه که ششصدسال از / با شعر حافظ نقیضه ساخته‌اند و گلچین کردن این سروده‌ها دست مرزاد و جای شکر و شادی دارد. حسن انتخاب استاد دکتر مجید بهرور



هم شکر دیگر دارد. نیز قدر مقدمهٔ این خلدونی ایشان را باید دانست و صاحب‌دان، اعم از حافظ پژوه، طنز پژوه و ادب پژوه، بی‌شک شکر این نعمت را می‌گزارند. دقت‌نظر جناب استاد بهرور تا به اینجا نیست که فهرست غزل‌های بی‌جواب را هم آورده‌اند. البته فهرست غزل‌های جواب‌دار - جواب داده شده - را شاید چون مطلع این گونه غزل‌ها در پیشانی هر صفحه با قلم سیاه آمده است، لازم ندانسته بودند، که با درخواست بنده آنها را هم افزودند.

این هم گفتنی است که شاید کل نقیضه‌های حافظانه دو چندان این تعدادی باشند که در این کتاب خوش دست و خوشخوان آمده است. با نمونه‌هایی از



اکبر اکسیر

نقیضه‌های نقیضه‌پردازان نفسی تازه می‌کنیم: «به‌ملاز مان سلطان که رساندین دعا را» که کندادیس از من همه‌ماهه قسط‌مارا رفت بالا نرخی آب و نان و برق و شیر ما چیست یاران طریقت بعد از این تدبیر ما ای نسیم سحر آرامگه یار کجاست؟ آن که قایم شده از دست طلبکار کجاست؟ و سه نمونه از سعید بیابانکی: «دیری است که دلدار پیمای نفرستاد» / من فکر کنم گوش‌ی او شارژ ندارد! «نیست در شهر نگاری که دل ما ببرد» / گشت عفت همه را باز فراری داده ست «به سر جام جم آن که نظر توانی کرد» / که دیش گنده خود را کمی بچرخانی در مورد چیستی نقیضه ادبی، دکتر بهرور نمونه‌های زیبایی از بزرگان اهل فن را آورده‌اند که مورد از آن نقل می‌شود: * نقیضه، هنر پارازیت انداختن است. اگر چه نقیضه، آثار بزرگ را به منظور دست‌انداختن به سرعت می‌برد. بدون آنها به بساط ندارد. (سایمن برت) * نقیضه، ابزاری ادبی برای نقادی ایدئولوژیک است (فریود)

دکتر مجید بهرور نوعی از طنز را برای ما معرفی کرده است که راهبان بی‌شماری برای خود دست و پا کرده است و چون اغلب این عزیزان بسا چیره‌دستی تمام و طنزی‌ناب نقیضه‌پردازی کرده‌اند، لذت متن دو چندان شده است.

نوعی از طنز می‌باشند که با تغییر مصرعی از ادبیات حافظ پاسخی طنزآمیز از معضلات روز ارائه داده‌اند. دکتر جان، سپاس ویژه از بذل توجه ویژهٔ جنابعالی!



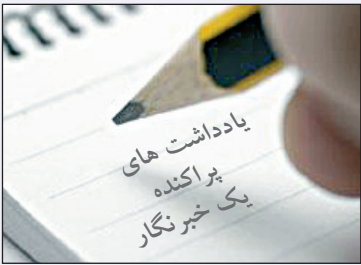
حسین فارزاد

مربوط به شب پیش از درگذشت داریوش رفیعی است. من به حس ششم و ارتباط فکری یا به قول معروف «تله‌پاتی» اعتقاد دارم. شبی که او لحظات آخر عمرش را می‌گذراند و من از او بی‌خبر بودم، به اتفاق مرتضی خان محجوبی استاد پیانو و لطف‌الله مجد استاد تار و پرویز یاحقی نوازندهٔ چیره‌دست دست ویولن در منزل آقای مهندس «ژ» - که از مهندسان بازنشسته راه‌آهن بود - بودیم. شب اول بهمن ۱۳۳۷ بود و آن سال تهران زمستان سختی را می‌گذراند. برف زیادی پاریده بود و از شب‌های یخبندان و سرد به حساب می‌آمد. جمع ما در منزل دوستان سرگرم شنیدن پیانو نواختن مرتضی محجوبی بودیم. من ناگهان متوجه شدم که «پرویز» در میان ما نیست. بعد از نیم ساعت، دیدم او بدون آن که وارد اتاق شود، از دم در مرا به بیرون فراخواند، رفتم و گفتم چه خبر است؟ کجای رفتی؟...

او گفت: داریوش دارد می‌میرد و من نزد او بودم. خودم را به شمار رساندم تا چاره‌ای بیندیشید. گفتم تو از کجا می‌دانستی و چرا بی‌خبر رفتی و بیماری‌اش چیست؟ او جواب داد که دلم ناگهان به شور افتاد، به سراغش رفتم. از شدت درد به خود می‌پیچید، گفتم: پس بگذار مطلب را با صاحبخانه در میان بگذاریم و مهمانی او را به هم نزنیم..... من ادامهٔ این خاطره را به شمارهٔ بعد و اگذار می‌کنم و تافرصت است بگویم که استاد عباس خوشدل نیز در تماس کوتاهی که با او داشتم، یادآوری کرد که خانم «خاطره پروانه» که در آخرین قسمت واکاوی ترانهٔ سیمین بری از او به عنوان خواهر عماد رام یاد کرده بودید، نسبتی با عماد رام ندارد و فقط خانم «نادیا رام» خواهر عماد رام، از همکاران خانم «خاطره پروانه» در ادارهٔ هنرهای زیبای وزارت فرهنگ و هنر (سابق) بوده‌اند.

استاد عباس خوشدل نیز خود به تنهایی یک دایره‌المعارف از شرایط هنری و موسیقی آن سالهاست که آن شاء‌الله در واکاوی برخی از ترانه‌ها، از حافظه قدرتمند و مستندت او بهره خواهیم برد.

ادامه دارد



امیر حسین اکبر

دم فردوسی پور گرم!

خدا و کیلی این عادل فردوسی پور هم برای خودش پدیده‌ای است! دوشنبه هفته قبل، در آستانه آغاز هفته دفاع مقدس، در

ابتدای برنامه پربیننده‌نو، بخش بسیار جالبی پخش شد که نگاه بسیار زیبایی به موضوع تجاوز یعنی ها، دفاع مردانه ما و نیز گذشت روزگار در آن هشت سال و سال‌های بعد از آن تا به امروز داشت. نکته جالب این که در گفتار متن آن بخش، هماهنگ با تصویری که پخش می‌شد، فردوسی پور از ارزش قهرمانان واقعی آن سال‌ها حرف می‌زد و از کاغذی بودن برخی به ظاهر قهرمانان این روزهای مستطیل سبز.

غضنفر اجتماعی

نقل کرده‌اند کسی از خیابانی می‌گذشت و دید عده‌ای از کارگران شریف، چاله‌ای را حفر می‌کنند اما دقایقی بعد عده‌ای دیگر از کارگران شریف، از راه می‌رسند و خاک‌ها را داخل همان چاله می‌ریزند.

طرف، که فکر کرد اشتباهی رخ داده، رفت سراغ متصدی اصلی کار و علت را پرسید. آن مقام عالی پاسخ داد: ما سه دسته هستیم، عده‌ای چاله را می‌کنند، عده‌ای لوله فاضلاب را کار می‌گذارند و عده سوم خاک را به چاله ریخته و آن را پر می‌کنند، اما امروز گروهی که باید لوله را داخل چاله می‌گذاشتند، نیامدند، ما هم به لحاظ وظیفه شناسی، کار خودمان را انجام می‌دهیم، گور بابای لوله گذار، چشمش کور!

چهارشنبه دوم مهر، حوالی ساعت ۱۰ صبح، کنار گذر خروجی بزرگراه همت به بزرگراه مدرس، ترافیک بسیار سنگینی داشت. می‌دانید به چه علت؟... یک دستگاه اتومبیل کمپرسی خاور، کنار بزرگراه توقف کرده بود و کارگران شریف فضای سبز آن منطقه، به مدیریت یک آدم درشت‌هیکل که کت هم پوشیده بود، داشتند زحمت می‌کشیدند و علف‌های هرز جمع‌آوری شده از سطح چمن‌ها را به بار خاور می‌ریختند. از آن طرف هم تابخواهی اتومبیل‌های رنگارنگ در ترافیک بود.

این را داشته باشید و بگذارید کنار اول مهر و سستاد استقبال از این روز و... واقعا که باید بی‌خیال مارادونا شد و به غضنفر، آن هم از نوع اجتماعی‌اش چسبید که گل به خودی زند.

عوامل نفوذی دولت‌های قبلی

بخشدار ورزقان استان فارس، چند روز پیش می‌رود سرکشی به یکی از حوزه‌های تحت مسئولیتش و وقتی ظهر برمی‌گردد، می‌بیند بزرگوار دیگری به جای وی بخشدار شده و نشسته پشت میز. همین!

ما که خبر را شنیدیم، شک نکردیم که این کار را عوامل دولت‌های قبلی که نفوذی هستند انجام داده‌اند. آن هم در هنگامی که آقای روحانی در سفر نیویورک بوده است.

حالا که حرف از نیویورک شد، بد نیست یاد می‌دهم از همین روزها بکنیم در سال ۹۰ که شهر نیویورک توفیق داشت قدم ما را بر سنگفرش کوچه و خیابان خودش تجربه کند؛ مفت چنگش. شما هم باسواد و باصفا باش تا هیأت دولت ببرد نیویورک! (خودم تشکر) هم خودتی! زمین و زمان می‌فهمند ما این حرف‌ها را از سر شوخی می‌گوییم، این که تو نمی‌فهمی... ما را سخته نه!.. بفهم!.. بفهمی، برای خودت هم خوب است.

واکاوی ترانه‌های قدیمی

یاد از آن روزی که زهره - ۲

به عهده داشته است (با کمک آقای دکتر اسدی) پیدا کردم. او در این باره می‌گوید:

«من در جریان بستری شدن داریوش رفیعی در بخش عفونی بودم و او را در یک اتاق ایزوله نگهداری و پرستاری می‌کردند و کسی حق ملاقات با او را نداشت؛ زیرا برای ما و پزشک معالج او یعنی خدا بیامرز دکتر مقتدر مژده‌ی هم کاملاً واضح بود که او در اثر تزریق مواد مخدر آلوده به میکروب کزاز کارش به اینجا کشیده شده بود و متأسفانه دیر هم اقدام شده بود و مدتی بعد از ظهور اولین علائمش که قفل شدن چانه و فک بوده است، او را به بیمارستان رساندند که خیلی دیر شده بود.»

دکتر بلدا که در آن روزگار یک پزشک جوان بود و هنوز هم با وجود ۸۴ سال سن (ماشاء‌الله هزار ماء‌شالله) در بخش عفونی همان بیمارستان به مداوای بیماران مشغول است، ادامه می‌دهد:

«آن روزها هنرمندان زیادی به سراغش می‌آمدند، اما کسی حق ملاقات با او را نداشت و دکتر عباس اقبال که رئیس دانشگاه تهران و رئیس بخش عفونی بیمارستان هم بود و نیز دکتر مقتدر مژده‌ی برای نجات او زحمت زیادی کشیدند. این پزشک اما اضافه می‌کند: «در آن روزگار متأسفانه این دست هنرمندان را «مطبرب» صدا می‌زدند و نام مطرب در اذهان عمومی هم با عرض تأسف با عناوین «لوده» و «معتاد» و این جور تشبیهات مترادف بود که البته بسیاری از آنها به دور از این معضلات بودند و مرگ داریوش رفیعی ضربهٔ کشنده و تکان‌دهنده‌ای به عالم هنر در آن روزگار زد. در حالی که او از گرمترین آواها و صدا و اجراهای ترانه‌های خاطره‌انگیز در آن روزگار برخوردار بود و ما واقعا تا مدت‌ها از مشاهدهٔ این صحنه غم‌انگیز رنج می‌بردیم.»

خاطره‌ای دیگر

در یکی از سایت‌ها نیز نوشته‌اند که استاد بدیع زاده نیز از جمله کسانی است که در ساعات آخر زنده بودن داریوش رفیعی به منزل او رفته و در این باره خاطره کوتاهی را این چنین تعریف کرده است: «از حوادث عجیبی که در عمرم اتفاق افتاد،

در نخستین شمارهٔ واکاوی ترانه «زهره» مرحوم داریوش رفیعی، یک سکانس از آخرین لحظات زندگی او در بیمارستان هزار تختخوابی تهران (امام خمینی امروزی)، برایتان توضیح دادم.

آقای دکتر عباس اسدی که این روزها پزشک و جراح قدیمی بیمارستان آریای تهران است، آن روزها به عنوان دانشجوی رشته پزشکی و در بخش عفونی آن بیمارستان فعالیت داشته است. او تعریف می‌کند که: «آمدن، بستری شدن و درگذشت او در آن بیمارستان ظرف چند روز رخ داد.»

بر اساس نوشته‌های نشریات آن روزگار، بعد از مرگ داریوش رفیعی، شایعات زیادی درباره علت اصلی مرگ وی بر سر زبان‌ها افتاد. عده‌ای می‌گفتند او دق کرده است و عده‌ای معتقد بودند که او را چیز خور کرده‌اند.

زیرا شایع بود که در آن زمان، چند زن معروف عرصه هنر از جمله خانم پروین غفاری که در آخرین لحظات عمرش در بیمارستان بالای سرش حضور داشت و نیز خانم پروین خیربخش که بعدها عنوان «فرزان» را در سینما یافت اما آن روزها هنوز به شهرت خاصی در سینما دست نیافته بود، بر سر داریوش رفیعی مشاجرات لفظی و درگیری‌های رسانه‌ای داشته‌اند و شنیده می‌شد که داریوش رفیعی در صنف هنرمند و هنر دوست آن روزگار طر فاداران سینه چاک بی‌شماری داشته است که هر کدام به نحوی سعی داشتند تا داریوش رفیعی را یار غمگسار خود و یا از آن خود قلمداد کنند و داریوش رفیعی نیز واکنشی در قبال این شایعات نشان نمی‌داد و سرش گرم کار خودش بود. عده‌ای نیز حکایت دیگری می‌راندند... ولی گفتند که او قربانی حسادت و کینه‌ورزی دشمنانش شد؛ زیرا محبوبیت او روز به روز در حوزهٔ دوستان و اهالی موسیقی و هنر زیادتر می‌شد و خلاصه از این جور شایعات دربارهٔ این خواننده تا مدت‌ها بر سر زبان‌ها بود.

آما عده‌ای نیز که با واقعیت زندگی او از نزدیک آشنا بودند، می‌دانستند که او در اثر مصرف زیاد از حد مواد مخدر و در نتیجه ابتلا به بیماری کزاز در گذشته است و در این مورد پس از مدت‌ها جستجو سرانجام آقای دکتر علیرضا یلدا را که در آن هنگام ریاست در مانگاه بخش عفونی بیمارستان هزار تختخوابی را

موسیقی باستان؛ چند تأمل کوتاه

۱۴ عماد فرح نیا

با هدفهایش جور در آیند.» [آرنولد هاوزر، فلسفه تاریخ هنر. ترجمه م. فرامزی، ص ۵۳]

از این و هرگز این نکته را فراموش نکنیم که جهان موسیقی که اکنون به شکلی بسیار محدود و گزینش شده در اختیار ماست، می‌بایست به قدری درست و با معیارهای عصر آفرینش آنها ادراک شود که بتواند کلید کشف دنیاهای گسترده‌تر جهان موسیقی معاصر آنها قرار گیرد.

هند، سرزمین تنوعات قومی و کثرات هنری وحدت یافته

هندی که اکنون در جهان معاصر شناخته می‌شود، از حیث تنوع بی‌شمار فرهنگ و نوع زیستن، آنچنان است که هیچ سرزمینی با آن مقایسه پذیر نیست. واقعیتی که ریشه در تاریخی قریب به ۶ هزار ساله دارد. اقوامی که از معبر نه‌چندان بزرگ شمال غربی هندوستان، که تنها راه غیر آبی ورود به این سرزمین پهناور بوده است، به آن وارد شده و مهمترین انگیزه این ورود، خاک حاصلخیز و اقلیم مستعد و پهناور آن برای کشاورزی و بعضاً شبنانی بوده است.



هر قومی سعی خویش را مبذول می‌داشت تا اقوام قدیمی‌تر ساکن شمال را به جنوب براند و خود جایگزین آن شود. به همین دلیل هند، سرزمین امنی شد برای ماندن سنت‌های هنری و انواع موسیقی و سازهایی که توسط مهاجرین آن سرزمین به آن ورود پیدا کرد.

لیکن در عین حال، تأثیرات فراوانی نیز از ساکنان قدیمی‌تر با موسیقی خاص آنان بر مهمانان و انواع نغمات و سازها گذارده می‌شد.

قومی که موسوم به «نگریتوها» (Negrito) بودند، ظاهراً نخستین قوم مهاجری هستند که در هزاره چهارم پیش از میلاد، که سخن گفتن در مورد کیفیت موسیقی آنان چیزی بیش از حدس و گمان نیست، اما مسلم است که سازهای بادی چوبی و طبل‌های قابل حمل کوچکی، جزو سازهای آنان است در هند، هم اکنون حدود ۱۵ زبان عمده به مراتب بیش از آن گویش وجود دارد، که هر قدر در خصوص مذاهب و اساطیر موجود در هند، پژوهش صورت گرفته، حتی گوشه‌ای از آن در باب موسیقی هند صورت نپذیرفته است. بومیان استرالیایی که توسط کشتی‌های کوچک وارد هند شدند، به نام «وداهای سیلان» شهرت یافتند، دارای موسیقی نغمه پردازانه خاصی هستند که تنها از ۲ سنت تشکیل می‌شد.

قومی که مراسم آئینی متکامل‌تر و موسیقی پیشرفته‌تر داشتند، قوم دراویدی (Deravidian) هستند. مراسم رقص آئینی، دعا‌های بسیار خاص و کمال یافته‌تر و موسیقی متأثر از طبیعت و حتی صدا‌های حیوانات در موسیقی مذهبی ایشان حضور قطعی دارد...

ادامه دارد

هنری است که به همان صورتی که هزاران سال قبل و یا سده‌ها پیشتر از دوران ما وجود داشته، به نحوی به عصر کنونی رسیده و مانند نقاشی‌های مصری، معماری ایران و روم و پیکر تراشی چین و بین‌النهرین می‌توان از موسیقی یونان و هندو بیژانس و عیلام، سخن گفت و درست و واضح آن هنر را شنید. در حالی که به هیچ روی چنین نیست.

ثانیاً بخش مهمی از تاریخ موسیقی و تاریخ همه هنرها، مواجهه هنر با اثر هنری با اجتماع و افرادی است که اثر موسیقی را می‌شنوند، و هم واکنش حسی نسبت به آن خواهند داشت و هم قضاوت عقلانی بر خاسته از عقل - سنت‌های تاریخی - و ملاک‌های خلقی - دینی و تلقی زیباشناختی. بر اساس همین مواجهه حسی - عقلی و سپس قضاوت‌های برآمده از معیارهای مذکور، آثار هنری و همینطور سنت‌های هنری در طی تاریخ، هم مجال و میدان حضور یافتند و هم بسیار آثار هنری حذف شدند و یا از شدت عدم اقبال و توفیق اجتماع، تماماً فراموش شدند.

ثالثاً اینکه بخش عظیمی از آثار موسیقی بشری، به دلیل نداشتن توان و دانش کافی در نت‌نگاری، هرگز برای آیندگان وضوح نمی‌یابد؛ لیکن در کمال تأسف حتی دانشی که برای ثبت و حفظ موسیقی یا از آغاز قرن ۱۵ میلادی تا پایان قرن هفدهم به کمالی بی‌همتا نائل شد؛ حتی آثار رب النوع عصر باروک و تبلور موسیقی تمام ادوار، یوهان، سیباستین باخ نیز بسیار فراتر از همت کنونی برای شناخت آن نغمات، نابود شد. به همین دلیل است که آثار موسیقی باستانی در طی قرون، محو شده است.

و علی‌رغم دانش نت‌نگاری، برخی از آن آثار نابود شدند. حال آیا جای اندکی تأمل بیشتر نیست، تا به درک صحیح‌تری از مفهوم هنر و قضاوت در مورد اثر موسیقی و دلائل امحاء و ابقاء برسیم؟

در خصوص گزینش‌ها و رویکردهای زیبایی‌شناسی مقاطع تاریخی، تعبیر پروفیسور آرنولد هاوزر اندیشمند فقید مجار، تعبیر



گویایی است: «آثا یا مکتب‌های هنری گذشته، موافق دیدگاه‌ها و معیارهای جاری زمان حال تفسیر، کشف و ارزیابی می‌شوند یا نادیده گرفته می‌شوند. هر نسلی تلاش‌های هنری سده‌های گذشته را کم و بیش در پر تو هدف‌های هنری خودش مورد دآوری قرار می‌دهد؛ و فقط زمانی با علاقه‌ای تازه و چشمی تازه به آنها می‌نگرد که

محدودیت‌های برآمده از تاریخ و تفکر برای درک هنر موسیقی

طی مطالب گذشته، پس از معرفی بنیادهای موسیقی کلاسیک، بخش‌های ۷ گانه‌ای را مصروف موسیقی‌های باستان، در تمدن‌های بین‌النهرین سامی و هنر یهودیان و مصر کهن داشتیم. به دلائل روشنی برای تابناکی بیشتر در مباحث آینده، لازم است تا عقلانیت ژرف‌پژوهانه‌ای را برای درک موسیقی کلاسیک به کار ببریم و به این امر بپردازیم که رابطه عقل،



هنر تاریخ و بقاء اثر موسیقی چگونه بوده و چه بسا خواهد بود.

موسیقی؛ گذشته و اکنون

فیلسوفان بزرگ تاریخ، جدا از تمامی دستاوردهای گرانقدر برای حکمت و خرد بشری و کمال عقلانی مورد نظر، یک میراث بسیار ارجمند برای آیندگان نهاند، و آن اینکه محسوسات، با امر واقعی (واقعیات) و واقعیات با حقایق، بسیار متفاوت، گاه متضاد و چه بسا متناقض خواهد بود.

به بیان دیگر، فیلسوفان به جهان انسانی آموختند که از ساده‌اندیشی باید دوری کرد؛ چرا که پدیدارها، آنچه به ظاهر، به نظر



می‌رسند، نیستند. این جمله ساده که اکنون بسیار بدیهی نیز می‌نماید، الگوی مهمی را به دست پژوهندگان تاریخ هنر و فیلسوفان هنر می‌دهد که همواره با آن پیش خواهند رفت. حال چرا؟!... اولاً بدین دلیل که عموم افراد غیرمتخصص در زمینه موسیقی، این تصور نادرست را دارند که موسیقی همچون نقاشی، معماری و پیکر تراشی،



۱۴ هومن فرید

ترکیبات تغزلی بیدل

۱۸

البته پژوهش و نظریه‌های زبان شناختی نیز، به ما در شناخت تاریخی این فعل مرکب کمک می‌کند. (۴۹)

برهم نرنی، سلسله‌ناز کریمان

محتاج شدن، بی‌کرمی نیست در اینجا در شرح (۵۰) این بیت، محمد کاظم کاظمی معتقد است که: «در مصراع دوم می‌گوید همین محتاج بودن ما هم کرمی است که بر کریمان کرده‌ایم، چون بدون این احتیاج، جود آنها جلوه نمی‌کرد... ولی این با مصراع اول ناسازگار می‌آید. مگر اینکه «برهم زدن سلسله» را به صدا درآوردن زنجیر دادخواهی تلقی کنیم، با توجه به زنجیر عدل انوشیروان که مشهور است.» (۵۱)

به عقیده حقیر، در بادی امر باید مشهور بودن زنجیر عدل انوشیروان، نزد فیلسوف هندی (هندی) فارسی زبان را مردود دانست. اما به اعتبار مباحث فلسفی که به ذهن بیدل آشنا بوده است، محتاج شدن زنجیری و قلندری است که یکی از حلقه‌های واسط یا میانی یا متأخر فاعل طولی است و هشدار شاعر به این است که به موجب مکرمات و کرم خداوند است که در زنجیر و حلقه این فاعل طولی علی و معلولی هستیم.

بیت فوق، هشدار و ندایی است با حذف به قرینه معنوی هر گونه ادات ندا و منادا.

گرد حشم بی‌کسی ات، سخت بلند است

از خویش برون آ، علمی نیست در اینجا

ادامه دارد

پی نوشت ها:

۴۹- اربابلی، لیلیا: استعاره مفهومی و اسطوره‌های همگانی؛ «استعاره فهمیدن هضم کردن و بلعیدن است. ریشه‌های این استعاره از این حقیقت نشأت می‌گیرد که زمانی که ما دروندادی شناختی را دریافت می‌کنیم این رویداد به لحاظ شناختی در بدن ما قرار می‌گیرد، گویی که آن را بلعیده یا هضم کرده‌ایم. زبان روزمره ما نیز دارای مثالهای فراوانی بر اساس استعاره «ایده‌ها غذا هستند» است، به این مثال‌ها توجه کنید:

نظریه‌های این کتاب برایم قابل هضم نیست.

مریم کتاب را غورت داد. (کتاب را می‌خواند و می‌فهمد) او خوره کتاب است.

کار ما در این کلاس نشخوار نظریه‌ها نیست.

سوییتسر (۱۹۹۰) نشان می‌دهد که قلمرو مقصد (خوردن) و قلمرو مبدا (فهمیدن) اگر چه با هم شباهت چندانی ندارند ولی بر روی هم منطبق شده و به هم مربوط می‌شوند. این ارتباط، علاوه بر زبان انگلیسی، حتی در زبانهای دیگر هم دیده شده است. مثلاً در لاتین sapere هم به معنای «عقل بودن» و هم به معنای «مزه دادن» است.

این استعاره در بسیاری از افسانه‌ها و اساطیر ساری و جاری است، از خوردن میوه درخت دانش گرفته (که در آن آدم و حوا از میوه درخت معرفت می‌خورند و از خوردن این میوه بر آگاهی آنها افزوده می‌شود) تا جایی که خود را با برگ درختان می‌پوشانند (تا نوشیدن آب از چشمه آگاهی و خرد).

از طرف دیگر، استعاره «ایده‌ها غذا هستند» خود شاید نشأت گرفته یا در ارتباط نزدیکی با این استعاره باشند که «نیازهای انتزاعی، نیازهای فیزیکی و جسمی اند.» و از طریق این نیازهای جسمی می‌توانیم نیازهای انتزاعی را درک کرده و بیان کنیم که این عمل منجر به تولد استعاره‌هایی در زبانها می‌شود. برای مثال دانش، عشق، سلامتی و انتقام و مفاهیم انتزاعی از این دست به صورت آب، میوه و غذا و غیره ظاهر می‌شوند. به این مثال‌ها توجه کنید:

رضا تشنه دانش است.

از جام وصال نوشیدند

جام عشق را سر کشیدند

تشنه خون بودند

نتیجه آنکه، چیزی که در متون اساطیری مختلف مشاهده می‌شود این است که عمل خوردن و بلعیدن به طور مستقیم بر آگاهی از چیزی پیدا کردن و درک و فهم چیزی منطبق است و شاید بتوان گفت این استعاره که در زبان روزمره و امروزی ما نیز به کار می‌رود دارای پایه‌هایی در اسطوره‌ها است که آنها نیز به نوبه خود بینش و طرز تفکر بشر اولیه را نشان می‌دهند.

۵۰- محمد کاظم کاظمی، نام کوشش خود در فراهم سازی گزیده غزلیات بیدل را در مقدمه کتاب، گره گشایی نامیده است و گفته است: «من دوست دارم این کار را گره گشایی بنامم، نه شرح به مفهومی که برای متون عرفانی و امثال آن رایج است.»

۵۱- همان، ص ۴۴

نگاهی به نقاشی های «ابراهیم زرگری» در نمایشگاه «گمشده در بافت»

خط، بافت، زمان

بقیه از صفحه اول

این حقیقت افزوده، آبهستن جهان و یژه اثر هنری است؛ دنیایی رؤیت پذیر شده که مکانی خاص را در زمانی ویژه نمایان می کند. پرسشی که در این میان به ذهن می رسد، این است که اگر نقاشی ثبت یک لحظه از جهان اثر است؛ آیا می توان پیشینه ای برای جهان اثر متصور شد؟ زمان چگونه بر جهان مجموعه «گمشده در بافت» گذشته است که اکنون، همواره ردپایی از گذشته را با خود حمل می کند؟

دنیای پیشینی آثار این مجموعه گرفتار بی نظمی افسار گسیخته ای بوده است. همه اجزای سازنده این جهان گرداب وار بر گرد یکدیگر می پیچیده اند و فرم های حلزونی را ایجاد می کرده اند.

فرم ها برای حل شدن در یکدیگر به طور مستمر در تلاش بوده اند. تنها مانعی که بر سر راه ترکیب شدن آنها از طریق مستحیل شدن شان در یکدیگر وجود دارد، خطوط شکل ساز پیرامونی آنهاست. همه چیز در جهان پیشینی این آثار تابعی نهایت در حال شدن مداوم بوده است و تاریکی سرپوشی بر این دنیای پر غوغا افکنده بود تا لحظه اکنون فرارسید و نور، بی دریغ بر همه چیز تابیدن گرفت؛ نور یکنواخت و تختی که جزئیات بی شماری از محیط را آشکار می کند، اما تضادی میان اشکال در کادر ایجاد نمی کند.

در همین لحظه است که جهان پر جنب و جوش اسیر چهار چوب قاب تابلو می شود و نیروهای محدود کننده کادر بر آن سیطره می یابند. نیروهایی که در جهت مهار کردن حرکت نقوش عمل می کنند اما توان آنها برای ایجاد سکوت و سکون مطلق در تابلو کفایت نمی کنند. اکنون همه چیز در این دنیا به یک اندازه آشکار شده است. نقوش در میانه راه تغییر شکل شان باقی مانده و شبکه ای از ارتباطات بین آنها برقرار شده است. با این حال هنوز از باقی مانده غوغای پیشین اثر احساس جنب و جوش و ارتعاش در سراسر تابلو دریافت می شود. این جنبش اما به اندازه ای نیست که بتواند دگرگونی در فرم ها را ایجاد کند یا آنها را از

نویسنده بدخط

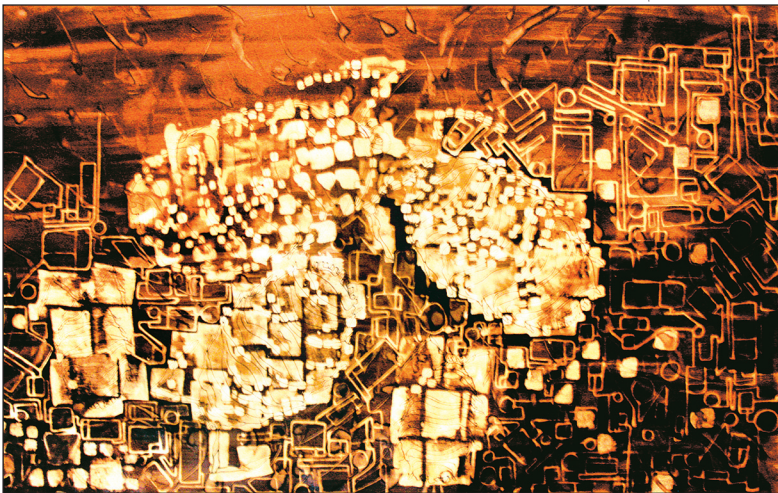
بقیه از صفحه اول

در این سبک، نویسنده همه تلاشش را می کند تا داستانش شبیه به زندگی واقعی باشد و خواننده اصلا احساس نکند که در حال خواندن داستان است. تولستوی یکی از پیشگامان و بزرگترین نویسندگان واقعهگر است. لئو تولستوی برخلاف بیشتر نویسندگان خانواده ثروتمند داشت و هرگز مجبور به کار کردن یا تحمل رنج و سختی نشد. او درس و دانشگاه را رها کرد و سالهای زیادی از جوانی اش را به تفریح گذراند؛ اما بعد از ازدواج با سوفیا به یک نویسنده مشهور در روسیه و بعد در سراسر جهان تبدیل شد. تولستوی در نیمه دوم زندگی اش دچار تحولی بزرگ شد و تصمیم گرفت مثل یک کارگر معمولی، ساده زندگی کند. بنابراین همه اموالش را بین همسر و فرزندان تقسیم کرد و برخلاف میل خانواده، زندگی تازه اش را در بین مردم فقیر شروع کرد. بالاخره وقتی در ۸۲ سالگی تصمیم گرفت خانواده اش را برای همیشه ترک کند، در سرمای روسیه در قطار، بیمار



کیوان خیل شاد

شده اند. در چنین فضای یک دستی، از مخاطب آثار، قدرت تمییز، توجه و تمرکز بر نقطه ای خاص از نقاشی ها سلب شده است. بدین سان چشم در هر فاصله ای از تابلو که قرار بگیرد با تصویری متفاوت از آن رو در رو می شود؛ تصویری مغشوش و لرزان که اجازه نمی



دهد تا نگاه مخاطب خیره و ثابت بر آن باقی بماند. «خط» ماده اولیه ایجاده فضای بصری «گمشده در بافت» را تشکیل می دهد. همه چیز اینجا در قالب خط بیان می شود.

فرم ها، موتیف ها و بافت ها و همه به وسیله خط هایی کشیده یا پهن به وجود آمده اند. داستان بی پایان خطوط در این مجموعه با اولین برخورد ابزار با کاغذ آغاز می شود.

انتخاب مازی یک یا روان نویس امکان ترسیم خطوط بدون وقفه را ایجاد کرده است؛ خطوطی نرم و ممتد که در مسیر حرکت خود فرم های حلزونی شکلی را به وجود آورده اند. از در کنار هم قرار گرفتن خطوطی با رنگ های مستقل، فضای رنگی تابلوها ساخته شده اند.

در اینجا خط ها در تمامی مسیر حرکت پر پیچ و خم خود هرگز دچار تغییر رنگ نمی شوند. حتی در مواقعی که این خطوط پهنه می گسترند و خصلت فرمی می یابند نیز رنگ آنها دچار ترکیب و دگرگونی نمی شود. بدین سان رنگ نیز همواره در اسارت حصار خطوط باقی می ماند.

حشرات، پرنده و هیولاها موضوع نقاشی های مجموعه «گمشده در بافت» را تشکیل می دهند و آنها غالباً تنها و منزوی نمایش داده شده اند. فضای اطراف سوژه ها در این مجموعه صرفاً محل قرارگیری و نمایش آنها نیست بلکه رابطه ای دو سویه میان سوژه و فضا، زمینه را به محل تولد و زندگی سوژه ها مبدل کرده است. تمایلی برای جداسازی موضوع از زمینه به چشم نمی خورد، البته تقابلی همساز میان این دو ایجاد شده و همه چیز به یک اندازه آشکار شده است.

در اینجا موضوع و زمینه، یکدستی کاملی را با هم ایجاد کرده اند. چندان که موضوع در وابستگی کامل با زمینه شکل می گیرد. هر چند که موضوع در اکثر موارد در مرکزیت کادر و در کانون توجه قرار گرفته است.

به زبانی دیگر، هر کدام از اجزا و موتیف های زمینه توانایی این را داشته اند تا در مرکز کادر قرار گرفته و به موجودی دارای موضوعیت تبدیل شوند. درون و بیرون موضوع به یک اندازه مغشوش و پیچیده نمایانده

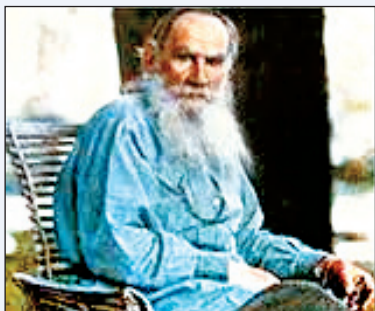
شد و در گذشت. تولستوی، خطش بسیار بد بوده و هم عادت به تند نوشتن داشته و تنها کسی که می توانسته خط او را بخواند و بفهمد، همسرش سوفیا بوده است. سوفیا هفت بار کتاب چهار جلدی و عظیم جنگ و صلح را قبل از چاپ، خواند و پاکتویس کرد.

عادت های نوشتن تولستوی

تولستوی پس از نوشتن طرحی مختصر با مرکب، کارش را تایپ می کند. او از مداد متغیر است، اما عاشق خودنویس است و آن گونه که خود می گوید حتی حاضر است دست به سرقت یک خودنویس بزند! تولستوی در تمام زندگی عادت داشت که اگر در خلال کار به مشکلی برخورد می کرد، به نوعی بازی یک نفره می پرداخت.

تربیت کودکان و نگارش کتاب برای آنها

تولستوی سالهای زیادی از زندگی اش را برای کودکان روستانی صرف و مدرسه ای بنا کرد و در آن خود به آموزگاری پرداخت. نشریه ای آموزشی با نام «یاسنایا پولیاننا» منتشر کرد و در سال ۱۸۷۲ الفبای مشهورش را تدوین کرد و با آن چهار کتاب برای



طنز در گلستان سعدی

بخشی سی و نهم



محمدعلی غالبی

آن چهارصد تیرانداز زبده، هدف خاص و مشخصی دارند و امیدوار به دریافت پاداش نیز هستند و در سطور پنهان داستان - هر داستان خوب لایه های پنهان دارد، به خصوص در سبک و روش داستان پردازی سعدی که بر ایجاز بنا شده است، این سطرهای پنهان، سطرهایی که مخاطب و خواننده، خود می باید دریابند، فراوان هستند - مشخص است که آن چهارصد تیرانداز ماهر، چه دقت و کوشیدن هایی به کار می گیرند. به دو جهت، اول اینکه از پاداش فراوان بهره مند شوند و دوم به این جهت که نزد سلطان محبوبتر از دیگر تیراندازان قرار بگیرند. اما در این لایه از طنز موقعیت، باز همه آن کوشیدن ها به نتیجه نمی رسد و در تضاد با سعی و تلاش آن هاست که بازی کودکی، بازی بی هدف او به نتیجه می رسد و «خلعت و نعمت یافت و خاتم به وی ارزانی داشتند». طنز عبارت در آخرین بیت است که صورت

ضرب المثل یافته:

«گاه باشد که کودکی نادان

به غلط بر هدف زند تیری!»
نحوه داستان پردازی: تعلیق داستان وقتی است که انگشت گرانبهارا بر گنبدی نصب می کنند و آنگاه چهارصد تیرانداز به نوبت می آیند و همچنان که گفته شد در لایه های پنهان اثر، در شخصیت پردازی هریک از آنها می توان دریافت که چه انتظار و اضطرابی در موفقیت دارند:

شخصیت اصلی این داستان همان کودک است، که اگر چه اتفاق او را موفق می سازد اما کودکی است بسیار هوشمند؛ چرا که: «پسر، تیر و کمان را بسوخت - به این نشان که دیگر تیر دارد تیراندازی نخواهد کرد - گفتند: چرا کردی؟ گفت: تا رونق نخستین بر جای ماند» همین پاسخ، معلوم می کند که با شخصیتی مواجه هستیم که هوشمندی فراوان دارد. خودش هم فهمیده است که به جهت قدرت و توانایی او نبوده که تیر از حلقه انگشتگر گذشته است و می داند که اگر تیراندازی را ادامه دهد، دیگر هرگز این شهرت و رونق، دوباره به دست نخواهد آمد و به همین جهت است که تیر و کمان خود را می سوزاند.

باب چهارم - در فواید خاموشی حکایت

یکی از شعرا پیش امیر دزدان رفت و ثنایی برو بگفت. فرمود تا جامه ازو برکنند. مسکین برهنه به سرماهی رفت سگان در ققای وی افتادند. خواست تا سنگی بردارد و سگان را دفع کند. در زمین یخ گرفته بود، عاجز شد، گفت این چه حرامزاده امردمانند، سگ را گشاده اند و سنگ را بسته. امیر از غرغریه بدید و بشنید و بخندید، گفت: ای حکیم از من چیزی بخواه. گفت: جامه خود می خواهم اگر انعام فرمایی. رضینا من نوالک بالرحیل^۱

امیدوار بود آدمی به خیر کسان^۲

مرا به خیر تو امید نیست شر مرسان
سالار دزدان را برو رحمت آمد و جامه باز فرمود و قباپوستینی برو مزید کرد و درمی چند.

شرح طنز

داستان بر مبنای طنز آشکار، طنز موقعیت و طنز عبارت است به این ترتیب که:

تضاد سازنده طنز، در این داستان به طرزی آشکار جلوه یافته است: شاعری نزد یکی از امیران دزدها می رود - توجه کنبد که دزد عادی هم نیست بلکه امیر آن هاست - شاعر، شعر و ثنایی می گوید اما در تضاد آشکار با ثناگویی وی، در «خلاف عادت» که قول سعدی است، امیر به جای پول و خلعت بخشیدن و اصلاً برخلاف این رسم است که: «فرمود تا جامه ازو برکنند و از ده به در کنند.» از همین جاتنر موقعیت نیز ایجاد می شود، چرا که مبنای هر نوع طنز به قول حافظ «خلاف آمد عادت» و یا همان «خلاف عادت» است.

پی نویس:

- ۱- مجازا به کسی گویند که هوش خود را در راه کارهای بی صرف کند.
- ۲- از بخشش تو به رخصت در کوچ کردن راضی هستیم.
- ۳- مقابل خسان، مردم دارای شخصیت.

تازه های کتاب

شاعری که سیب می خورد!



«اباسط حاتمی»
از شاعران ساکن تهران
است که در این هوای پر
از دود، سپید می نویسد.
از حاتمی چندی پیش و
در سال ۹۲ کتابی منتشر
شد با عنوان: «آ...سیب
می خوریم» که توسط انتشارات نیماژ در دسترس
دوستداران شعر قرار گرفت.

(۱)

«یک ماهی هست»
که کوچک است در تنگ است
«یک ماهی هست»
که آب این تنگ را عوض نکرده ام
«یک ماهی هست»
که شب ها

آرامش را به هم ریخته است
(۲)

یک قاب عکس از تو
روی دیوار

یک پارچ یک لیوان

روی میز

یک رادیو یک موج

کنار تختخواب

ای کاش این آزادی ناچیز

که گاهی همه چیز است

در اتاق زندانم

مهیا بود.

(۳)

در تهران

در مسیر «شرق به غرب»

دلم

برای ترفیکی تنگ شده است

که ساعت ها کنار تو نشسته بودم

و رادیو از سنگین بودن اعمال شاقه

و کندی حرکت می گفت

و من قرمز را

بیشتر از سبز

دوست داشتم

(۴)

من

تقریباً

در همه چیز شکست خورده ام

در شغل

در تحصیل

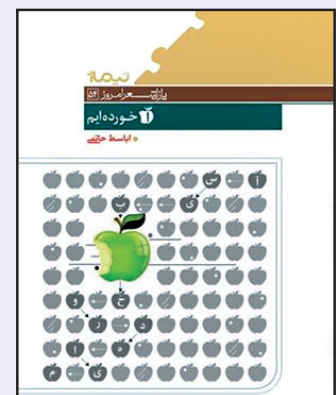
در زن

در سیگاری که حتی با اندوه می کشم

خاکسترش

آوار می شود

بر دکمه پیراهنم.



درباره شعرهای بیژن نجدی

باران را عاشقانه می نوشم



ماهان سیار منش

آن سکوت/ که ناخن به استخوان زمستان کشیده ام/
پرنده ای با بوی تن تو می گذشت»
شاعر در این شعر با بیانی اساطیری آوازهای
عاشقانه خود را سر می دهد. همین بودن اساطیر و
در نتیجه خاص بودن آن است که به شعر جذابیتی
جدا از دیگر شعرها می بخشد. مخصوصاً در بند «از
آسمانم نام تو می بارید» شاعر گوئی که تمام سعیش
را می کند تا آن پرنده آسیب نبیند. از این رو خود را
مانند آسمانی می پندارد. لحن تغزلی که تا حدی در
این شعر بیشتر به چشم می خورد راه را برای وجود
آثاری مانند: ضریح، تصوف، لوقا که وجوه پاک عشق
را نمایش می دهند باز می کند.

با این اوصاف، بیژن نجدی اگر چه یکی از داستان
نویسان خوب کشور ماست، شاعری مدرن و در عین
حال متوسط بود. خط روایی مانند داستان هایش در
بیشتر اشعارش به چشم می خورد. خطی گاه پیوسته
و گاه گسسته که وجود عناصر ملموس روزمره، مانند
:روزنامه، آمبولانس، صابون و... به آن رنگ و بوئی تازه
می بخشد. روزمرگی در آنها که به صورت عصری
در وئی به کار گرفته می شوند، رنگ عمومیت را از
آنها می گیرد و جلوه ای نو و دیگر گونه به آنها می
بخشد که خواننده قادر است جدال شاعر را با عناصر



برشمرده، در اشعار تشخیص دهد.

«مصیبتی است این که خواب نمی بینم/ و رویای
گریخته از رختخواب ما بر بام تابستان/ مصیبتی است/
که در خواب ما صدایی نیست/ و سکوت، همین است
که می شنویم/ آژیر آمبولانس/ با هیچ، می خوابیم، بیدار
می شویم/ در هیچ واژه های صبح/ و باز هم آمبولانس/
می گذرد.»

گریز بزند.
همین رویارویی چند جانبه راوی که به هر
طریقی سعی می کند واقعیت را مانند کودکی نادیده
بگیرد و بارزترین مسائل را پنهان جلوه دهد. چون
در زمینه ای مناسب گفته شده و ما هم از راوی انتظار
دیگری نداریم، می توانیم این نگرش را قبول کنیم.



شاعر گوئی مرز میان رؤیا و واقعیت را چنان
ناچیز می داند که تمام بدی ها به ساده ترین شکل
ممکن در خوابش به خوبی ها تبدیل می شوند.
چنین رویکردی، نه تنها گریز از واقعیت را نشان
نمی دهد، بلکه برای راوی چنان این مسائل واضح
هستند که با آنکه از واقعیت آگاه است، باز هم برای
اینکه خود را از چند وجهی بودن جهان برهاند، سعی
می کند یک تفکر را سازنده دنیا پیش در نظر بگیرد.
حتی اگر واقعیت شیرین تر از رویا باشد، راوی
واقعیت را ترجیح می دهد.

در اینجاست که شعر بیشتر بُعدی اجتماعی به
خود می گیرد تا فردی مالیخولیایی که مانند کودکی
سرگرم رویاهاش است. در این نگاه است که معنای
شعر دیگر صرفاً به نیت شاعر محدود نمی شود و
می تواند گستره ای فراتر را در بر بگیرد و هم نوا با
خود شاعر اعلام کنیم که رویای ما بهتر از واقعیت
است. یکی از جنبه های مثبت نگرش فوق، تأثیر
درونی پدیده ها و نهادینه شدن آنها در ما می باشد
که دیگر فقط اثری بیرونی نیست که بعد از چندی
فراموش شود. شعری دیگر را با هم می خوانیم.

«کدام پرنده با بوی تن تو پرواز می کند/ که باران
را اینگونه عاشقانه می نوشم؟/ کدام معجزه لوقا/ در
باور من بود/ که با تو/ در آب می شدم... در سیر نور
و نوازش/ شاید پشت پرده ای از آب بودی و گم/ در
ارتفاع آبی ها/ آن جا/ کنار پنجره های مقدس عرفان/
کنار ضریح داغ تصوف/ و آن همه بوی برهنه می/
مرا دیده اند/ که از آسمانم/ نام تو می بارید/ شاید در

بیژن نجدی، شاعری مدرن بود. البته با قبول
این تعریف که مدرنیته سعی در انتظام دادن به
اندیشه خواننده را دارد و سعی می کند در زمینه ای
فرمیک (در اینجا شعر)، محتوا را در همپوشانی لازم
با عناصر قرار دهد تا چیزی که خواننده دریافت
می کند، اندیشه ای نظام یافته باشد که حتی این نظم
ظاهری در سراسر تار و پود اثر جاری شده باشد.
گونه ای که خواننده برای درک و دریافت تمامیت
آنچه که پیش رویش قرار دارد، تنها رجوع به متن را
در رمزگشایی متن مقابله و واجب بداند.

همین پیامد هم یکی از آثار فرمالیسم است که
صدای شاعر و راوی را در یافتن فرا متن (فرامتن)
نه عناصری خارج از متن بلکه موجودیت هایی
مانند خود متن و خالق اثر را در نظر می گیرند)
دخیل می دانستند. شعر هم از این منظر یافتن
تناقض هاست؛ نقطه مقابل علم که همه قواعدش
را با دقتی خاص می سنجند. البته این نکته درباره
بیژن نجدی هم جالب توجه است. زیرا که او ریاضی
تدریس می کرد و این نگاهش شاید دقتی زیاده از
حد (که شاید گاه به بی دقتی متمایل می شد) به
اشعارش می بخشید.

البته این دو نگرش در دوری یک سکه نیستند.
هر کدام در تضاد کامل با هم قرار می گیرند که نه
فقط یکدیگر را محدود نمی کنند بلکه کاملاً هم در
ذهنیتی شاعرانه و هم در ذهنیتی عالمانه، از یکدیگر
تمیز داده می شوند. البته این امر بر عهده نویسنده
است که کدام یک را در آثار و افکارش به درستی
منعکس کند. با این مقدمه با هم نگاهی به چند شعر از
کتاب «واقعیت رویای من است» می اندازیم.

«واقعیت رویای من است/ و خون رویای
من، برگ تر از سبز/ و سبز تر از برگ گیاهان است/ که
بادش تلکس خبرگزاری ها/ خنجر کلمات روزنامه
نمی ریزد.../ در روزنامه می خوانم/ باز هم/ تکه تکه
شده اند/ کودکان فلسطین/ بوسنی/ هرزگوین/ حتی
در جزایر گل سرخ/ حتی سرزمین موز/ حتا تپه های
چای.../ این است که هر صبح/ به خودم در آینه
می گویم نه، این رؤیاست/ واقعیت/ همان است که
من دیده ام در خواب.»

از طرف دیگر می توانیم نگاه روستایی و
ساده نجدی را هم در اشعار او تشخیص دهیم.
کلماتی مانند: گیله مردان، جنگل، برنج زاران، حتی
حالت غم زده ی پاییز که در بیشتر اشعارش موج
می زند، یادآور هوای شمال هست.

می توانیم عناصر بارز شهری را در این شعر
تشخیص دهیم. در حالی که از طرف دیگر می بینیم
چگونه شاعر با گفتن اینها سعی دارد به رویاهایش

بگذار از تو بگذرم

سعیده اصلاحی

بگذار از تو بگذرم

نه مثل رودی که از روستا دل کند و سر به صحرا
گذاشت

نه مثل قاصدکی که دست باد را ول کرد و

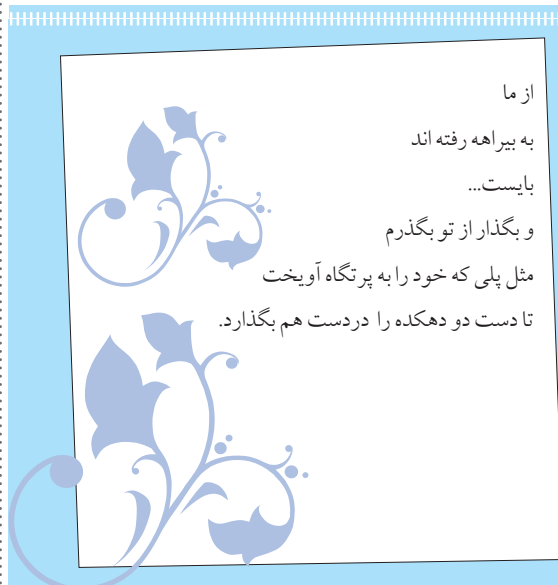
در انبوه سرخس ها گیر افتاد

به ایست

طومار جاده ها را موریانه ها خورده اند

و این نقطه چین ها، رد پای مسافرانی است که پیش

از ما
به بیراهه رفته اند
بایست...
و بگذار از تو بگذرم
مثل پلی که خود را به پرتگاه آویخت
تادست دو دهکده را درست هم بگذارد.



معجم المشاغل فی لسان الاکابر

«روح اله مهدی پور عمرانی»



از فرمایشات ما
شوخی رنگی
با کراوات!

شوخی طبعی، انگار آغشته و سرشته با جوهر و جوهره ما ایرانی هاست. همچنان که ادبیات و شعر. در هر شرایطی، اگر پا دهد، دست به شوخی طبعی می‌زنیم که باعث لطافت فضا شود و انبساط خاطر حاصل گردد. از حوزه سیاست، جدی تر و خشک تر هم داریم؟... در همین فضا اگر اتفاق افتد و زمینه اش جور شود، این ابتکار عمل را داریم که هوای خشک سیاست را به لطافت طنز و تبسم، تر و تازه کنیم.

فقط حقیر سراپا تقصیر که - شاید به اشتباه - به طنز نویسی و طنازی شهره خلاق گشته ایم، اهل شوخی طبعی، حتی در موضوعات سیاسی، نیستیم. چنان که عرض و فرض کردیم، اکثر ملت این گونه اند. منتی یا رو نمی‌کنند، با نیمرو می‌کنند؛ یعنی نمی‌نویسند و فقط به صورت شفاهی از خود بروز می‌دهند. مثلاً فقط ما شوخی طبع نیستیم اگر که با کابینه دولت تدبیر و امید، شوخی کردیم و زمانی که آقای روحانی، اعضای دولت را انتخاب و معرفی کردند، راجع به آن فرمودیم:

کابینه تدبیر و امید آمد از راه
من کل این کابینه را گلشن گرفتم
جمع وزیران، کارکنان تیز سابق

پس جمله را یک روح در یک تن گرفتم
با این وزیرانی که روحانی گزیده است

شاید سر ذوق آدم من زن گرفتم!...
والی آخر که جاش اینجا نیست؛ یعنی جانی شود.
بله، فقط وجود مبارک ما شوخی طبع نیست اگر شعر

فوق الذکر را خطاب به جناب روحانی گفته
و به صورت حضوری نیز در جشنواره
مطبوعات ۱۳۹۲ - صدر مقابل خودشان آن
را قرائت کردیم؛ بلکه خود آقای دکتر
روحانی نیز اگر قضا و فضا یاری دهد،
اهل شوخی طبعی می‌باشند. مدرک هم
داریم. اسنادش هم موجود است. رو
کنیم؟... ملاحظه بفرمایید.

خبر وارده: «در حاشیه اجلاس
شانگهای در قزاقستان و در یکی از
دیدارهای دوجانبه آقای روحانی،
وقتی که رئیس جمهور ایران با کراوات
رئیس جمهور ازبکستان که رنگش بنفش
است، مواجه شد؛ به شوخی به ایشان گفت: خیلی رنگ
کراوات شما قشنگ است. چون رنگ انتخاباتی من
هم بنفشه!...» «بنفشه... بنفشه... دریا کنارم اومد... نه،
بیخشید؛ اینها جزو خبر نبود؛ خط رو خط شد. اما از
این پارازیت!»

بسته پیشنهادی: اگر چه آقای رئیس جمهور ما با آقای
رئیس جمهور ازبکستان شوخی کردند و هر دو همپایه هم
و در یک مقام رسمی و سیاسی مثل هم هستند؛ اما این دلیل
نمی‌شود که ما که در این مقام و مرتبه نیستیم، با هر دو
شوخی نکنیم. با احتیاط این کار را می‌کنیم؛ چون بدجور
عادت کردیم با تو کشش دیگران کنیم.

۱- سطح شوخی: اگر با کسی شوخی می‌کنید، لطفاً
سعی کنید در سطح خود شما باشید. این شکلی، خطرش
کمتر و لطفتش بیشتر است! (در غیر این صورت، ممکن است
طرف به شما بگوید که برو با همقدت شوخی کن!)

۲- لطف شوخی: باید دقت کرد که در مجامع
رسمی و دیپلماتیک، جنس شوخی خیلی ظریف و لطیف
و خوش رنگ باشد. مسؤولان سیاسی و دیپلماتیک، عموماً
حساس و دارای موقعیت استراتژیکی می‌باشند. آن هم
در این مقطع حساس کنونی!... فی المثل، رئیس جمهور
اهل تدبیر ما فقط در حد رنگ کراوات با رئیس جمهور
ازبکستان و کراوات ایشان شوخی کردند. از کراوات
بیخشید از کرامات شیخ ما نه عجب!

۳- رفع حساسیت: حالا که معلوم شد رنگ کراوات
رئیس جمهور ازبکستان ها بنفش می‌باشد، خواهش می‌کنیم
که گروههای سیاسی رقیب یا منتقد دولت آقای روحانی،
از این تاریخ به بعد، روی تغییر رنگ کراوات رئیس جمهور
ازبکستان کار نکنند. بگردند خب یک رئیس جمهوری
پیدا کنند که رنگ کراواتش به رنگ مورد پسند آنها بخورد.
چیزی که زیاد است، رنگ. فقط مواظب باشین رنگی
نشین! از شدت غیظ و غضب، جیغ بنفش هم، بیخشید
تیغ بنفش هم نکشین!

۴- احتیاط لازم: رؤسای جمهور و مقامات
کشورهایی که رنگ کراوات یا سایر البسه رسمی آنها،
با رنگ مورد نظر گروهها و گرایش های سیاسی دارای
کاندیدای انتخاباتی، هم رنگ است؛ دقت شود که در
ایام انتخابات به ایران دعوت نشوند. ممکن است شبهه
تبلیغاتی داشته باشد. سری را که درد نمی‌کند، کراوات....
بیخشید، دستمال نمی‌بندند!

کدبانویی برای طبخ آش و یا میرزا قاسمی، زحمت مراجعه به دکان و ابتیاع کشک را بر خود هموار نماید. محض این که نیاز کشکی خود را به جا پارخانه اظهار نماید، به طر فیه العینی کشک مورد نیاز به مقدار دلخواه در درب منزل تحویل خواهد شد و برید همین طور کشکی کشکی به مداخل هنگفتی خواهد رسید. البته بر ما واضح و میرهن است که کشک و کشک سابی را فواید بسیار است. ایوم زندگی علیحده کشکی شده و جماعتی عظیم از قبل این مناسبات کشکی نان می‌خورند.

کشک سابی از آن جهت مهم به نظر می‌رسد که در این و انفسای بیکاری قادر است فرصت اشتغال را برای کارآفرینان و کارجویان محترم و محترمه، اعم از دانشگاهی و غیرهم، فراهم آورد و درصد بیکاری را به سمت صفر سوق دهد و تولید ناخالص ملی را متزاید نماید. فلذاست که شاعر می‌فرماید:

ای دوست، تورا نان جوین خوش نماید
معشوق من است آن که به دیدار تو کشک است
و جماعت درویش از آن جهت که منعم اند و نفس شان از جای گرمی بر می‌خیزد و دست شان به اطعمه و اشربه و فواکه به حد و فور می‌رسد، هر آینه برای رد گم کنی چنته ای را که بر گردن حمایل می‌فرمایند و البته از سکرات و دراهم و دانایر وزر و سیم مشحون است، به طعنه کشکول می‌نامد از باب تکسیر نفس؛ که یعنی مثل کشک، بی ارج و قرب است و اعداء به آن حسد نورزند و غبطه نخورند و قصد هیچ هجمه ای ننمایند. و «ادیب کشک‌آوری» در رساله «تحریر الککش فی تحویل المشک» می‌نویسد: نظر به کثرت و وفور کشک در خوان خلاق سبب شده تا درویش، ظرف حمایلی خویش را کشکول نامند تا جمهور ناس، به مدد خیزند و از رطب و یابس در آن ریزند.

اشاعه این حرفه در جوامع چنان بالا گرفته است که از خرد و کلان به این شغل مشغولند و چون کار اصلی خلائق بر این حرفه قرار گرفته، همه در مقام تعریض به یکدیگر می‌گویند: «برو کشک را بساب» و هیچ کس را از این گفته، غیض و غضبی واقع نمی‌شود و این گفته کم کم جای بعضی اقوال لن ترانی را غصب کرده و دیگر کسی نمی‌گوید: «برو کنار بگذار یاد بیاید» و «یا: «برو بابا حال نداری» و از این قسم ملاحظات که در از من ماضیه موجبات تکرار خاطر مردمان راسب می‌شده است. در پایان، این سؤال به ذهن متبادر می‌شود که آیا بهتر نیست که هر کس کشک خود را بسابد و در پوستین خلق نیفتد؟... و هر چه در باب کشک و کشک سابی گفته آید، کم است؛ همان گونه که وقت ما نیز.



بعد التحریر: زندگی کشکی چنان خلاق را در خود مستغرق نموده است که فکر و ذکر مردم کشک و آش کشک است. و در این میانه، بعضی انساب و فامیل، نقش فراموش نشدنی دارند؛ به نحوی که بی آنان - انگار - زندگی کشکی، به قول اشهر، کشک است.

مثلاً همین خاله را در نظر آورید که از آن همه مطبوخ که سرهم می‌کند، احدی به پای آش کشکش نمی‌رسد. حتی آش کشک ننه هم یک وجب روغن بر رویش نیست که آش خاله جان هست. که گفته اند: «آش کشک خاله ته/ نخوری خوبه، بخوری بده» و در این کلام، حکمت بی شمار است که شرح آن مجال دیگری می‌طلبد. فعلاً بروید کشک تان را بسابید. تا بعد!...

کشک سابی:
این حرفه از قدیم الایام در ممالک محروسه شیبوع داشته و دارد. در هر کوی و برزنی این صنعت، علی الدوام و به طور شبانه روزی به خلائق ارائه می‌شود. شاید هیچ و یا - احتیاطاً - کمتر صنعتی یافت شود که این مقدار درافواه عامی و عالی، پر تکرر بوده باشد. نمونتا!): یا رب نظر تو برنگردد/ بر گشتن روزگار، کشک است. البته مرحوم قمییر الکتاب بخاری در کتاب فصوص الخصوص فی اراجیف المخصوص خود، به جای کلمه کشک، سهل آورده است که در این مناقشه ای نیست. از آن جهت که سهل تر از کشک لبنیات باشد که قاطبه فقرا و ضعفا به عنوان قوت لایموت استعمال نمایند و آن، ماده ای است حاصله از دوغ چلانده شده در کیسه و یا ماست آب چکیده (عرب گوید: فالوده. از حیث عدم استعمال حرف پ در ابتدای آن. و نه پالوده) که آن را تفت دهند و در کفین مبارک، ورزیده و گره گره نمایند، به قدر یک گردکان معمولی (و نه به قدر جوز تویسرکانی) و در پشت بام گذارند تا خشک شود و قابلیت دوام و ماندگاری اش صدچندان گردد و به



وقت مبادا برای رفع سد جوع، به کار آید - کار آمدنی!
و هکذا در «کشک الامثال» مرحوم سرسام السلطنه مامازندی، آمده است که: کشک سابی فعلی است علی الظاهر، سهل و علی الباطل، صعب. چرا که صعوبتش راجع است به زمان آفتابدهی در پشت بام. در این مواقع انگار پر زاغ را آتش زده باشند، غلیوج، که علقه ای وافر به تناول این ماده ماکول دارد، سرمی رسد و دائماً در آن حوالی پر سه می‌زند و مانع کار می‌شود. از این حیث است که گفته اند: هنوز کشک آفتاب نداده ای که هنر زاغ را ببینی!
از طرفی، کشک در غیر از آش، در مطبوخی به نام کشک و بادنجان هم از امهات است و بی آن، به سر نمی‌شود. برخی از محققین امور طباحت و اغذیه بر این اعتقادند که سابقه کشک و بادنجان، متناظرن فیه اند.

حتی برخی از مورخین امور تغذیه و مطبخ را امر مشتبه شده است که کدام را بر کدام تقدم است و کدام را بر کدام، تاخر؟! کما این که در باب بیضه الدجاجة نیز این تشکیک واقع شده و کماکان فلاسفه را متحیر باقی نگه داشته است که اول مرتب مرغ به هست آمده است یا بیضه الدجاجة؟! البته تحقیقات در این باب هنوز به نتیجه اصل نشده است که اگر مرغ را بیضه بودی، از چه نامش خروس نبودی و فی الحال در این مقال، ما را در این باب قیل و قال، نی.

علی ای حالا کشک و بادنجان که جیلانیان آن را میرزا قاسمی گویند، از جمله اغذیه ای است که سر در «تاریخ الخلفاء» برآورده است. چنان که در شرح احوالات سلطان محمود غزنوی آمده که سلطان را آن مطبوخ، خوش آمده بود و ندیمش گفته بود: بادنجان غذایی سخت نیکوست.
و روز بعد همو، از آن ماکول ابراز کراهت نموده بود که ایضاً ندیم، اظهار کرده بود که کشک و بادنجان طعامی سخت ناگوار است! و سلطان پر خاشیده بود که در این چه حکمت است؟ و ندیم جواب داده بود که من ندیم سلطنتم، نه ندیم بادنجان. و از این ذکر تاریخ، این نتیجه منتج می‌گردد که در از من ماضی، هر کسی بی جهت ثیاب سلطنت در بر نمی‌کرده است، بلکه می‌بایستی جمله علوم زمانه به تکمیل در چنته داشته باشد و اسباب بزرگی، همه مستعد کرده باشد. و در این زمینه، شواهد و امثال الی ماشاء الله وجود دارد و طالبین این مبحث مهم در صورت نیاز فوری و فوری به منابع مشحون تاریخی مراجعه توانند نمود.

الفصه، قضیه کشک و کشک سابی چنان با زندگانی و هست و بود مردمان عجین گشته که تا هنوز نیز این صنعت و تمائیل مترتب بر آن در محاورات یومیه خلائق خلاق و لایق استماع می‌شود. چنان که در کمتر مجاوره ای است که یکی به دیگری نگوید: برو کشک را بساب! و در این مدهانه، اصلاً و ابداً با ورود محصولات پاستوریزه و هموئیزه این ماده مغذی، تقلیل نیافته است؛ حتی اخیراً هم دیوان برید که همان پست و طنی باشد، با طراحی خدمتی تحت عنوان: پست خرید، امور مربوط به استحصال کشک را از بازار تسهیل نموده است.

با این تمهید بازار گانی در چاپارخانه، دیگر لازم نیست هیچ



آیت نادری



* متولد ۱۳۵۹، اصفهان

* فارغ التحصیل رشته گرافیک از دانشکده

سروش اصفهان

* فعالیت در زمینه کاریکاتور از سال ۱۳۷۶

* مدرس کاریکاتور اصفهان

* حضور در نمایشگاه های فردی و گروهی در

زمینه کاریکاتور و گرافیک

* کسب مقام در چندین جشنواره داخلی

و خارجی

چهل سال پیش...

تمامی مطالب از روزنامه اطلاعات روز دوشنبه ۸ مهر ماه ۱۳۵۳ (برابر با ۱۳ رمضان ۱۳۹۴، ۳۰ سپتامبر ۱۹۷۴) نقل شده است.

از طرف شورای قیمت‌ها

قیمت دهها نوع کالای وارداتی کاهش یافت

شورای قیمت‌ها در جلسه دیشب خود قیمت گروه‌هایی از کالاهای مصرفی و کالاهای با دوام را بین ۵ تا ۷ درصد کاهش داد. قیمت‌های تعیین و اعلام شده از جانب شورای قیمت‌ها از این پس باید در فاکتورهای جزئی فروشی منعکس و تسلیم خریدار کالا شود. تقلیل قیمت بیشتر شامل کالاهای وارداتی است. کالاهایی که بهای آنها ۵ درصد تقلیل یافته باین شرح است: اجاق گاز - آب گرمکن - دیگ زودپز - مخلوط کن - جارو برقی - ماشین لباسشویی - سشوار و ماشین خشک برقی - جارو برقی وارداتی - چرمهای شبرو، ورنی و چاپی وارداتی - دوربین فیلم برداری - پروژکتور - فلاش الکترونیک - ضبط صوت و ...

افزایش قیمت نفت موجودیت آمریکا را بخاطر انداخته است

واشنگتن - رویتر - «جان ساوهیل» رئیس اداره فدرال انرژی آمریکا به کشورهای تولیدکننده نفت شدیداً اخطار کرد که سیاست‌های نفتی آنان وضعی بوجود آورده که بقا و موجودیت ملی آمریکا را مورد تهدید قرار داده است.

«ساوهیل» این اعلام خطر شدیدالحن را روز ۱۸ سپتامبر در یکی از جلسات محرمانه کمیته فرعی تحقیقات سنای آمریکا و ۵ روز قبل از آنکه جerald فورد رئیس جمهور آمریکا و هنری کی سینجر وزیر خارجه این کشور به کشورهای تولیدکننده نفت اخطار کنند و خواستار تنزل قیمت نفت شوند عنوان کرده است.

کنفرانس نفتی ممالک صنعتی با شکست مواجه شد

واشنگتن - خبرگزاریها - وزیران دارائی آمریکا و چهار کشور دیگر از بزرگترین ممالک صنعتی مصرف کننده نفت دیروز به کنفرانسی که در واشنگتن تشکیل داده بودند پایان دادند ولی پس از پایان کار کنفرانس به هیچ وجه علائمی بدست نیامد تا نشان دهد ۵ کشور بزرگ صنعتی و مصرف کننده نفت در مورد چگونگی مقابله با مسائل ناشی از افزایش فاحش قیمت نفت به توافقی رسیده باشند و ظاهراً کنفرانس با شکست مواجه شده است. در این کنفرانس که به دعوت هنری کی سینجر وزیر خارجه آمریکا تشکیل شد در مرحله اول وزیران خارجه ۵ کشور آمریکا، ژاپن، فرانسه، آلمان غربی و معاون وزارت خارجه بریتانیا و همچنین روسای بانکهای مرکزی ۵ کشور نیز شرکت داشتند.

جزئیات طرح ساختمان‌های عباس آباد

شهردار پایتخت در جلسه دیشب انجمن شهر پایتخت ضمن پاسخگویی به انتقادات نمایندگان انجمن شهر در مورد تاخیرهای متوالی برای خلع ید از مقاطعه کار گذرگاه زیرزمینی میدان شهناز، به مقاطعه کار جاده سوم اخطار کرد چنانچه از انجام تعهدات خود در زمان تعیین شده استنکاف ورزد به سرنوشت مقاطعه کار میدان شهناز دچار خواهد شد.

شهردار در همین جلسه مشخصات کامل طرح عباس آباد را برای نمایندگان انجمن شهر تشریح کرد و گفت: نه تنها بزرگترین میدان جهان در عباس آباد، ساخته خواهد شد، بلکه یک تخت جمشید قرن بیستمی نیز در این منطقه احداث میشود.

۶۰ هزار «بهورز» استخدام میشود

براساس طرحی که از طرف سازمان خدمات اجتماعی با همکاری وزارت بهداری تهیه گردیده است، ۶۰ هزار بهورز برای خدمت در روستاهای کشور تربیت و استخدام خواهند شد. در حال حاضر ۳۱ تن از این بهورزان که دوره مخصوص بهورزی را دیده‌اند، بطور نمونه در روستاهای فارس به کار مشغول شده‌اند. این بهورزان دارای تحصیلات پنج‌ابتدائی بوده که ۱۰ ماه تعلیم بهورزی دیده‌اند طبق برنامه تنظیم شده قرار است تا پایان برنامه پنجم دو هزار تن از این بهورزان تربیت شوند.

تهران ۵ سال دیگر متوقف میشود

«اگر بین ظرفیت معابر تهران و تعداد اتومبیل‌های تعادلی ایجاد نشود، پنج‌سال دیگر تهران متوقف خواهد شد»

این مطلب را چندی قبل سناتور صفاری عضو کمیسیون ترافیک سنای تهران کرده بود و حالا شهرداری تهران در بخشی از پیشنهاد ۱۸ ماده‌ای خود برای اصلاح ترافیک پایتخت طرح جلوگیری از افزایش تعداد اتومبیل در تهران را عنوان کرده است.

مهندس و تکنیسین از خارج وارد میشود

کمبود نیروی انسانی در بخش ساختمانی و مهندسی و مهندسین مشاور و فعالیت وسیعی که با اجرای برنامه‌های عمرانی و ساختمانی در سراسر کشور جریان دارد، موجب شد که برخی از دفاتر مهندسی برای استخدام افراد مورد نیاز راهی کشورهای خارج شوند.

اولین کشوری که مدیران این دفاتر، سراغ آن رفته‌اند کشور پاکستان است که داوطلبان زیادی برای خدمت در ایران دارد.

سازندویج خورهای تهران در مضیقه افتاده‌اند!

به تولید کنندگان نان سفید «بولکی» تکلیف شد که میزان پخت خود را افزایش دهند. آنها باید برابر تقاضا در استان مرکزی، نان بولکی تولید و به بازار عرضه کنند. اخیراً، بر اثر اجرای برنامه تغذیه رایگان در مدارس و اولویتی که برای تحویل نان مورد احتیاج مدارس قائل شده‌اند، نان سفید در بازار کمیاب شده است و بخصوص سازندویج فروشها برای تهیه نان سفید در مضیقه افتاده‌اند. بطوری که تعدادی از آنها نوع غذای خود را تغییر داده‌اند و سازندویج نمی‌فروشند.

قالب امروز



غروب - رومانی / منیع: تلگراف

سرایه

در هوایت بی‌قرارم روز و شب

سر ز پایت برندارم روز و شب

روز و شب را همچو خود منجون کنم

روز و شب را کی گذارم روز و شب

جان و دل از عاشقان می‌خواستند

جان و دل را می‌سپارم روز و شب

تا نیابم آن چه در مغز منست

یک زمانی سر نخارم روز و شب

تا که عشقت مطربسی آغاز کرد

گاه چنگم گاه تارم روز و شب

می‌زنی تو زخمه و بر می‌رود

تا به گردون زیر و زارم روز و شب

ساقی کردی بشر را چل صبح

زان خمیر اندر خمارم روز و شب

ای مہار عاشقان در دست تو

در میان این قطارم روز و شب

می‌کشم مستانه بارت بی‌خبر

همچو اشتر زیر بارم روز و شب

تا بنگشایی به قنبدت روزه‌ام

تا قیامت روزه دارم روز و شب

چون ز خوان فضل روزه بشکنم

عید باشد روزگارم روز و شب

جان روز و جان شب ای جان تو

انتظارم انتظارم روز و شب

زان شبی که وعده کردی روز بعد

روز و شب را می‌شمارم روز و شب

مولوی

ماجراهای دو چرخه!

آمستردام، هلند-۸

تقریباً ۴۰ درصد از کل جمعیت آمستردام را دو چرخه‌سواران تشکیل می‌دهند. قیمت کرایه دو چرخه در این شهر بسیار پایین بوده و برای گردشگران و شهروندان عادی یکسان است. این امر باعث شده است که بسیاری از گردشگران برای بازدید از کانال‌های آب شهر، پارک‌ها و موزه‌ها، از دو چرخه به عنوان یک وسیله سبک، راحت، ارزان و سریع استفاده کنند.

امروز در تاریخ

اندوه‌شاه اسماعیل صفوی از تصرف بحرین به دست پرتغالی‌ها

شاه اسماعیل صفوی که پس از گذشت پنج سال هنوز در اندوه شکست چالدران بود سی‌ام سپتامبر ۱۵۱۹ از تصرف بحرین توسط پرتغالی‌ها آگاه شد، و این خبر ناگوار بر اندوه او افزود، زیرا به سبب نداشتن نیروی دریایی و اسلحه آتشین نمی‌توانست کاری انجام دهد.

وی همان روز پس از آزمایش خوشنویسان داوطلب کار در دفتر اختصاصی و مردود کردن همه آنان، مقامات کشوری و لشکری را به مذاکره فوری برای رسیدگی به دست اندازی‌های مکرر پرتغالی‌ها به جزایر ایران در خلیج فارس فراخواند. در این جلسه قرار شد که یک بودجه محرمانه در اختیار افراد محلی قرار داده شود که پرتغالی‌ها را در جزایر متصرفی راحت نگذارند تا بعداً راهی برای اخراج آنان به دست آید. شاه اسماعیل سپس عزم سفر نخبوان کرد.

مصدق: هر جا که مردم هستند؛ همانجا مجلس است

تظاهرات مردم بر ضد برخی نمایندگان مجلس که از پنجم مهر ماه ۱۳۳۰ آغاز شده بود در پنجمین روز هم ادامه داشت. چهارم مهر ماه که دکتر مصدق نخست وزیر وقت به مجلس رفته بود که گزارش اخراج انگلیسی‌ها از صنایع نفت را بدهد برخی از نمایندگان در آن جلسه حاضر نشده بودند. دکتر مصدق به بهارستان بازگشته بود و در این میدان، در حالی که مردم او را روی دست بلند کرده بودند گفته بود: هر جا که مردم هستند همانجا مجلس است و من گزارش خود را مستقیماً به مردم می‌دهم که از روز بعد تظاهرات بر ضد نمایندگان مخالف آغاز شد و چند روز ادامه یافت.

سفر نامه‌ای که به استعمار شرق کمک بسیار کرد

نخستین چاپ سفرنامه «جمیلی چاره‌ری» به زبان لاتین در باره شرق به ویژه هند، سی‌ام سپتامبر سال ۱۶۹۷ در ناپل انتشار یافت. «چاره‌ری» که یک پزشک بود ضمن سفر خود به شرق در مارس ۱۶۹۵ در هند با «اورنگ زیب» امپراتور مغولی گورکانی این کشور ملاقات کرده بود. «چاره‌ری» در باره دربار اورنگ زیب و سازمان‌های اداری او نوشته است: ارتش نیم میلیونی اورنگ زیب دیگران مغول‌هایی نیستند که خاورمیانه و اروپا را تصرف کردند. آنان عده‌ای خوشگذران، شیک پوش، راحت طلب و شکم گنده هستند که تنها هنرشان سوار شدن بر اسب‌های زیبا و رژه رفتن از برابر امپراتور و شاد کردن اوست. این ارتش نیم میلیونی برابر ده هزار سرباز واقعی استعداد جنگیدن ندارد. و به نوشته برخی از مورخان، مفاد همین سفرنامه که بعدها به زبانه‌های مختلف انتشار یافته است، اروپاییان را تشویق به استعمار هند کرد. دکتر «چاره‌ری» برای یافتن داروهای گیاهی به شرق رفته بود.

سودوکو

۱۱۷۱

۵	۹	۶			
۶			۸		۹
	۳				۴
	۴	۲	۵	۶	۸
	۱	۴	۹	۸	۷
۲				۳	
۴			۱		۸
		۷	۴		۵

۸	۵	۶	۲	۳	۷	۱	۴	۹
۲	۳	۷	۱	۴	۹	۵	۸	۶
۱	۴	۹	۵	۸	۶	۲	۳	۷
۵	۶	۲	۳	۷	۱	۴	۹	۵
۴	۹	۵	۸	۶	۲	۳	۷	۱
۳	۷	۱	۴	۹	۵	۸	۶	۲
۲	۳	۷	۱	۴	۹	۵	۸	۶
۵	۶	۲	۳	۷	۱	۴	۹	۵
۴	۹	۵	۸	۶	۲	۳	۷	۱
۳	۷	۱	۴	۹	۵	۸	۶	۲
۲	۳	۷	۱	۴	۹	۵	۸	۶
۵	۶	۲	۳	۷	۱	۴	۹	۵
۴	۹	۵	۸	۶	۲	۳	۷	۱
۳	۷	۱	۴	۹	۵	۸	۶	۲
۲	۳	۷	۱	۴	۹	۵	۸	۶

حل ۱۱۷۰

جدول شرح در متن

غلامحسین باغبان

مساب کردن حساب	اثری از جلال آل احمد	خ	شهر عادت! تاجات	مهمانخانه	پ	م	د	ش	ح
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰
۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰
۳۱	۳۲	۳۳	۳۴	۳۵	۳۶	۳۷	۳۸	۳۹	۴۰
۴۱	۴۲	۴۳	۴۴	۴۵	۴۶	۴۷	۴۸	۴۹	۵۰
۵۱	۵۲	۵۳	۵۴	۵۵	۵۶	۵۷	۵۸	۵۹	۶۰
۶۱	۶۲	۶۳	۶۴	۶۵	۶۶	۶۷	۶۸	۶۹	۷۰
۷۱	۷۲	۷۳	۷۴	۷۵	۷۶	۷۷	۷۸	۷۹	۸۰
۸۱	۸۲	۸۳	۸۴	۸۵	۸۶	۸۷	۸۸	۸۹	۹۰
۹۱	۹۲	۹۳	۹۴	۹۵	۹۶	۹۷	۹۸	۹۹	۱۰۰